

در اشخاص



فصل سوم

«مفهوم حجر»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

(سراسری ۷۶)

- ۱- هرگاه صغیر هم پدر، مادر و هم جد پدری داشته باشد، کدام یک از آنان ولی قهری او به شمار می‌آید؟
- (۱) فقط پدر ولی قهری محسوب می‌شود.
 - (۲) ولایت قهری بر عهده پدر و مادر است.
 - (۳) پدر و جد پدری ولی قهری هستند که باید امور صغیر را مشترکاً اداره نمایند.
 - (۴) پدر و جد پدری ولی قهری هستند که هر یک می‌توانند مستقلاً امور صغیر را اداره کنند.

۲- طفلی که به موجب قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست در پی صدور حکم دادگاه تحت سرپرستی زن و شوهری قرار می‌گیرد، ... (سراسری ۷۶)

- (۱) نام خانوادگی‌اش به نام خانوادگی زوج سرپرست تغییر می‌یابد.
- (۲) با توافق و انتخاب زوجین سرپرست، نام خانوادگی یکی از آنان به او اعطاء می‌گردد.
- (۳) به انتخاب زوج سرپرست، یک نام خانوادگی آزاد برای او برگزیده می‌شود.
- (۴) هم‌چنان نام خانوادگی خویش را حفظ می‌نماید.

(سراسری ۷۷)

۳- آیا ولی یا قیم می‌تواند برای مولی‌علیه خود عقد نکاح ببندد؟

- (۱) فقط قیم می‌تواند.
- (۲) فقط ولی قهری با رعایت مصلحت محجور می‌تواند اقدام به این امر نماید.
- (۳) هر دو می‌توانند.
- (۴) هیچ کدام نمی‌توانند.

(سراسری ۷۷)

۴- چه کسانی از اشخاص زیر نمی‌توانند خواستار صدور حکم موت فرضی غایب شوند؟

- (۱) طلبکاران غایب
- (۲) موصی‌له
- (۳) ورثه غایب
- (۴) وصی

۵- اگر پدر و مادر طفل با یکدیگر ازدواج نکرده باشند، ولو از سر مصلحت‌اندیشی؛ با استفاده از تبصره ماده ۱۶ قانون ثبت احوال واقعه ولادت وی را

(سراسری ۷۹)

متفقاً به اداره ثبت احوال اعلام دارند، نام خانوادگی این طفل کدام خواهد بود؟

- (۱) نام خانوادگی پدر طبیعی
- (۲) نام خانوادگی مادر طبیعی
- (۳) پدر و مادر طبیعی از میان دو نام خانوادگی خویش، آن را که بیشتر به مصلحت و منفعت طفل باشد، برمی‌گزینند.
- (۴) مأموریت ثبت احوال رأساً از میان واژه‌های آزاد یکی را به عنوان نام خانوادگی این طفل انتخاب می‌کند.

(سراسری ۸۱)

۶- کدام عمل حقوقی به هنگامی که توسط سفیه انجام گرفته باشد، صحیح است؟

- (۱) بیع
- (۲) اجاره
- (۳) معاوضه
- (۴) تملکات بلاعوض

(سراسری ۸۱)

۷- کدام یک از اشخاص ذیل در زمره اولیای خاص طفل نمی‌باشد؟

- (۱) پدر طفل
- (۲) قیم طفل
- (۳) جد پدری طفل
- (۴) وصی منصوب از طرف پدر یا جد طفل

(سراسری ۸۲)

۸- کدام یک از عبارات زیر در خصوص ولایت قهری صحیح است؟

- (۱) ولایت قهری منحصر به پدر و جد پدری نیست.
- (۲) در صورت فوت پدر و جد پدری ولایت با مادر است.
- (۳) در صورت وجود پدر و جد پدری، ولایت پدر مقدم است.
- (۴) پدر و جد پدری در عرض یکدیگر نسبت به اطفال صغیر ولایت دارند.

ک ۹- هرگاه ولی قهری منحصر، به دلیل زندانی شدن نتواند به امور مولی علیه رسیدگی کند، برای اداره امور مولی علیه چه باید کرد؟ (سراسری ۸۳)

(۱) به پیشنهاد مدعی العموم، قیم معین می‌شود.

(۲) وصی عهده‌دار امور مولی علیه می‌شود.

(۳) ولی قهری منعزل می‌شود و قیم از خویشان مولی علیه معین می‌شود.

(۴) توسط نماینده ولی قهری اداره می‌شود و در صورتی که این نماینده وجود نداشته نباشد به پیشنهاد مدعی العموم دادگاه به طور موقت امین تعیین می‌کند.

ک ۱۰- هرگاه بر اثر صدمات وارده بر جنین، وی زنده ولی ناقص متولد شود، آیا نماینده قانونی او می‌تواند به علت زیان وارده شده به جنین مطالبه

خسارت نماید؟ (سراسری ۸۵)

(۱) نماینده قانونی صغیر حق مطالبه خسارت دارد.

(۲) چون جنین وجود مستقل ندارد، خسارت وارده مطلقاً قابل مطالبه نیست.

(۳) چون جنین فاقد اهلیت تمتع و استیفاء می‌باشد، حق مطالبه خسارت ندارد.

(۴) نماینده قانونی صغیر حق مطالبه خسارت ندارد، ولی خود صغیر پس از رسیدن به سن رشد می‌تواند مطالبه خسارت نماید.

ک ۱۱- مرض متصل به موت در حقوق ایران، است. (سراسری ۸۵)

(۱) از اسباب حجر در تصرفات زائد بر ثلث است.

(۲) از اسباب حجر نیست، حتی در مورد اعمال تبرعی منجز

(۳) از اسباب حجر نیست، جز در مورد تصرفات تبرعی منجز

(۴) از اسباب حجر نیست، جز در مورد تصرفات معلق به فوت

ک ۱۴- تملیکات بلاعوض از ناحیه محجورین: (آزاد ۸۷)

(۱) غیرنافذ است.

(۲) قابل فسخ است.

(۳) بعضاً صحیح است.

(۴) در هر حال باطل است.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

۱- گزینه «۴» مطابق ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی: «طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد» و برابر ماده ۱۱۸۱ از همین قانون نیز، هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند. در مورد تعارض تصرف پدر و جد پدری، نسبت به تقدم یکی از آن دو بر دیگری اختلاف است، لیکن عرف کنونی پدر را مقدم می‌دارد و به نظر می‌رسد که حقوق باید این عرف پا گرفته را رعایت کند. اگرچه از اطلاق ماده ۱۱۸۱، استنباط می‌گردد پدر و جد پدری هر دو در ردیف یکدیگرند و مستقلاً حق ولایت دارند.

۲- گزینه «۱» مطابق ماده ۱۴ قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۳: «مفاد حکم قطعی سرپرست به اداره ثبت احوال ابلاغ و در اسناد سجلی زوجین سرپرست و طفل درج و شناسنامه جدیدی برای طفل فقط با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوج صادر خواهد شد».

۳- گزینه «۲» برابر تبصره ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی و به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح است و منظور از تبصره یاد شده، امکان ازدواج صغیر به ولایت پدر و جد پدری است.

۴- گزینه «۱» مطابق ماده ۱۵۳ قانون امور حسبی: اشخاص ذیل می‌توانند از دادگاه درخواست صدور حکم موت فرضی غایب را بنمایند: (۱) ورثه غایب (۲) وصی (۳) موصی له.

۵- گزینه «۱» ولادت هر طفل در ایران اعم از این که پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند باید به مأمور ثبت احوال اعلام شود و ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور به مأمور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد به نزدیک‌ترین مأموران کنسولی و یا به سازمان ثبت احوال کشور اعلام شود. مطابق تبصره ماده ۱۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶: در صورتی که ازدواج پدر و مادر طفل به ثبت نرسیده باشد، اعلام ولادت و امضاء اسناد متفقاً به عهده پدر و مادر خواهد بود و هرگاه اتفاق پدر و مادر در اعلام ولادت میسر نباشد سند طفل با اعلام یکی از ابوبین که مراجعه می‌کند با قید نام کوچک طرف غایب تنظیم خواهد شد...



۶- گزینه «۴» برای این که متعاملین اهل محسوب شوند، باید عاقل، بالغ و رشید باشند و معامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند، به واسطه عدم اهلیت باطل است. کسی که فاقد رشد یا غیر رشید است، مطابق با ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی: کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد. این عدم رشد ممکن است در اثر کمی سن (صِغَر) یا نقص شعور در اشخاص کبیر باشد و این شخص را در اصطلاح حقوقی «سفیه» می‌نامند. مطابق ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی: معاملات و تصرفات غیر رشید در اموال خود نافذ نیست، مگر با اجازه ولی یا قیم او، اعم از این که این اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل، معذالک تملکات بلاعوض از هر قبیل باشد، بدون اجازه هم نافذ است. منظور از تملکات بلاعوض، تملیک رایگان مانند هبه، صلح بلاعوض و

۷- گزینه «۲» طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد و مطابق ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی: هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند و اولیاء خاص طفل محسوب می‌شوند. ضمن این که وصی منصوب از طرف یکی از آنان نیز ولی خاص طفل نامیده می‌شود و ماده ۱۱۹۴ قانون اخیرالذکر نیز بر این موضوع تأکید نموده است؛ لذا در گزینه‌های مطروحه صرفاً گزینه «۲» در زمره اولیاء خاص طفل محسوب نمی‌گردد.

۸- گزینه «۴» ولی قهری عبارت از پدر و جد پدری می‌باشد. سمت ولایت به آن دو از طرف قانون اعطاء شده است. بدین جهت به پدر و جد پدری ولی قهری گفته می‌شود. مطابق ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی: «هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند»؛ چنان که از اطلاق این ماده نیز استنباط می‌گردد، پدر و جد پدری هر دو در ردیف یکدیگرند و هر یک مستقلاً حق ولایت را دارا می‌باشند.

۹- گزینه «۴» مطابق ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی: هرگاه ولی قهری منحصر، به واسطه غیبت یا حبس یا به هر علتی نتواند به امور مولی‌علیه رسیدگی کند و کسی را هم از طرف خود معین نکرده باشد، حاکم یک نفر امین به پیشنهاد مدعی‌العموم برای تصدی و اداره اموال مولی‌علیه و سایر امور راجعه به او موقتاً معین خواهد کرد. اختیار امین در موردی که، ولی به دلیل غیبت یا حبس به امور مولی‌علیه رسیدگی نمی‌کند، وسیع است و خود به تنهایی می‌تواند درباره امور او تصمیم بگیرد، لیکن در فرضی که دلیل ناتوانی ضعف جسمی و پیری است، امین به ولی ضم می‌شود.

۱۰- گزینه «۱» مطابق ماده ۹۵۶ قانون مدنی: «اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود». در تعریف اهلیت آمده است، قابلیت شخص برای انجام عمل حقوقی که بر دو نوع، تمتع و استیفاء است. اهلیت تمتع، عبارت از قابلیت فرد برای دارا شدن حق و تکلیف و آن همراه با شخصیت است و اهلیت استیفاء نیز قابلیت فرد برای اجرا و اعمال حق و تکلیف می‌باشد. برابر ماده ۹۵۷ قانون مدنی: حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد، مشروط بر این که زنده متولد شود. با توجه به این که در فرض سؤال مطروحه، جنین زنده متولد لیکن بر اثر صدمات وارده، ناقص شده است، دارای هر دو اهلیت تمتع و استیفاء بوده و به لحاظ عدم اهلیت طرح دعوی برای جبران خسارت وارده در مرجع قضایی ذیصلاح، نماینده قانونی وی می‌تواند مطالبه خسارت نماید.

۱۱- گزینه «۲» ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، اسباب حجر را صغر، جنون و سفه می‌داند. مضافاً این که ماده ۲۱۳ از همین قانون نیز اعلام می‌دارد: معامله‌ی محجورین نافذ نیست. در بیان این که محجورین موضوع این ماده چه کسانی هستند؟ آنان را مفلسین و ورشکسته‌ها عنوان می‌کنند؛ لذا در حقوق ایران مرض متصل به فوت از اسباب حجر قلمداد نشده است. ضمن این که حجر در معنای مذکور فقد عقل، رشد و بلوغ است که وفق ماده ۲۱۲ از قانون مزبور معامله با چنین اشخاصی به واسطه عدم اهلیت باطل قلمداد شده است. بنابراین، هر چند در بین حقوقدانان نیز اختلاف نظر است، لیکن مرض متصل به موت، از اسباب حجر تلقی نگردیده است.

۱۴- گزینه «۴» هر چند از عموم و اطلاق ماده‌ی ۱۲۱۴ قانون مدنی چنین برمی‌آید که جز تملکات بلاعوض سفیه، سایر معاملات او حتی معاملات مضر برای وی غیرنافذ است، ولی نظر به اینکه مبنای حجر سفیه و صغیر ممیز، حمایت از آنان در مقابل از دست رفتن اموالشان می‌باشد، به نظر می‌رسد بتوان حکم داد که کلیه معاملات مضر به حال آنها مانند تملیکات بلاعوض و تنفیذ وصیت زاید بر ثلث و امثال آنها باطل و بلااثر است. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.



فصل چهارم

«قیمومت»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل چهارم

(سراسری ۷۹)

که ۱- فروش مال مولی علیه توسط قیم به خود

- (۱) باطل است. (۲) غیرنافذ است. (۳) قابل فسخ است. (۴) با اجازه دادستان صحیح است.

(سراسری ۸۳)

که ۲- هرگاه ولی قهری منحصر، به دلیل زندانی شدن نتواند به امور مولی علیه رسیدگی کند، برای اداره امور مولی علیه چه باید کرد؟

- (۱) به پیشنهاد مدعی العموم، قیم معین می‌شود.
(۲) وصی عهده‌دار امور مولی علیه می‌شود.
(۳) ولی قهری منعزل می‌شود و قیم از خویشان مولی علیه معین می‌شود.
(۴) توسط نماینده ولی قهری اداره می‌شود و در صورتی که نباشد به پیشنهاد مدعی العموم دادگاه به طور موقت امین تعیین می‌کند.

(آزاد ۸۹)

که ۵- منظور از ولی خاص عبارت است از.....

- (۱) پدر - جد پدری - وصی آنها
(۲) پدر - جد پدری
(۳) همان ولی قهری است
(۴) پدر - جد پدری و قیم منصوب از سوی دادگاه

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل چهارم

۱- **گزینه «۱»** مطابق ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی، مواظبت شخص مولی علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی او با قیم است. و مشارالیه نمی‌تواند اموال مولی علیه را به دیگری ببخشد یا وقف یا وصیت نماید. قیم مکلف است قبل از مداخله در امور مولی علیه، صورت جامعی از کلیه دارایی او تهیه کرده، یک نسخه از آن را به امضای خود برای دادستانی که مولی علیه در حوزه آن سکونت دارد، بفرستد و دادستان یا نماینده او باید نسبت به میزان دارایی مولی علیه تحقیقات لازمه به عمل آورد. وفق ماده ۱۲۴۰ قانون مدنی: قیم نمی‌تواند به سمت قیمومت از طرف مولی علیه با خود معامله کند، اعم از این که مال مولی علیه را به خود منتقل کند یا مال خود را به او انتقال دهد. قسمت اخیر ماده مذکور صرفاً در خصوص عقود تملیکی آمده، در حالی که این موضوع در خصوص عقود عهده‌ای نیز صادق است؛ بنابراین این ماده قانونی قیم را از معامله با خود نسبت به اموال مولی علیه منع نموده است.

۲- **گزینه «۴»** مطابق ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی: هرگاه ولی قهری منحصر، به واسطه غیبت یا حبس یا به هر علتی نتواند به امور مولی علیه رسیدگی کند و کسی را هم از طرف خود معین نکرده باشد، حاکم یک نفر امین به پیشنهاد مدعی العموم برای تصدی و اداره اموال مولی علیه و سایر امور راجعه به او موقتاً معین خواهد کرد.

اختیار امین در موردی که ولی به دلیل غیبت یا حبس به امور مولی علیه رسیدگی نمی‌کند، وسیع است و خود به تنهایی می‌تواند درباره امور او تصمیم بگیرد، لیکن در فرضی که، دلیل ناتوانی ضعف جسمی و پیری است، امین به ولی ضم می‌شود.

۵- **گزینه «۱»** مطابق ماده ۱۱۹۴ قانون مدنی: «پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان ولی خاص طفل نامیده می‌شود». ایراد گزینه ۲ آن است که وصی را نیاورده است.

در اموال و مالکیت



فصل اول

«انواع مال»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل اول

کله ۱- یک ساختمان چگونه مالی است؟

(سراسری ۷۵)

- (۱) در حکم غیرمنقول (۲) غیرمنقول بر اثر عمل انسان (۳) غیرمنقول تبعی (۴) غیرمنقول ذاتی

کله ۲- ثمره و حاصل، مادام که چیده یا درو نشده است...

(سراسری ۷۹)

- (۱) غیرمنقول تبعی است. (۲) غیرمنقول است. (۳) منقول تبعی است. (۴) در حکم غیرمنقول است.

کله ۳- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

(سراسری ۸۰)

- (۱) ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره در حکم منقول است، ولو این که مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقول باشد.
(۲) اگر مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقول باشد، ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره در حکم غیرمنقول است.
(۳) کشتی‌های بزرگ نظر به اهمیت و ارزش‌شان داخل در غیرمنقول‌اند.
(۴) مصالح بنایی از قبیل سنگ، آجر و ... که برای ساختن بنایی بر روی یک زمین در آن گرد آورده شده‌اند، در حکم غیرمنقول‌اند.

کله ۴- کدام یک از دعاوی زیر تابع غیرمنقول است؟

(سراسری ۸۲)

- (۱) دعاوی راجع به دین ناشی از صلح مال غیرمنقول.
(۲) دعاوی راجع به اجرت‌المثل مال غیرمنقول.
(۳) دعاوی راجع به ثمن در بیع مال غیرمنقول.
(۴) دعاوی راجع به اجرت‌المسمی «مال الاجاره» مال غیرمنقول.

کله ۵- حیوانات و اشیایی که در یک مزرعه اختصاص به زراعت داده شده باشد:

(وکالت ۸۲)

- (۱) از تمام جهات در حکم غیرمنقول است.
(۲) تنها از لحاظ نقل و انتقال در حکم غیرمنقول است.
(۳) چون تابع زمین است، غیرمنقول تبعی نامیده می‌شود.
(۴) از لحاظ توقیف اموال و صلاحیت محاکم در حکم غیرمنقول است.

کله ۶- اموال مذکور در کدام گزینه در حکم منقول است؟

(سراسری ۸۴)

- (۱) سهام شرکت‌ها، مال الاجاره یک باب خانه و ثمن یک دستگاه اتومبیل.
(۲) اشجار، نهال و قلمه که بریده و کنده نشده است.
(۳) حق انتفاع و ارتفاق نسبت به مال دیگری.
(۴) تراکتور، دستگاه رایانه و موتور آب.

کله ۷- شخصی ملک خود را به دیگری فروخته است، خریدار از تأدیه بهای مال امتناع ورزیده است حق فروشنده برای مطالبه بهای ملک... (سراسری ۸۵)

- (۱) منقول است. (۲) غیرمنقول است. (۳) منقول حکمی است. (۴) در حکم غیرمنقول است.

کله ۸- چه اموالی در حکم غیرمنقول است؟

(وکالت ۸۵)

- (۱) بنایی که بر روی زمین احداث می‌شود.
(۲) معدنی که در زمین حفر می‌شود.
(۳) حیوانات و اشیایی که مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده است، از نظر صلاحیت محاکم و توقیف اموال.
(۴) مطلق اشجار و شاخه‌های آن، مادام که بریده یا کنده نشده.

کله ۱۲- کدام یک از دعاوی زیر تابع غیر منقول است؟

(آزاد ۸۹)

- (۱) دعاوی راجع به دین ناشی از صلح مال غیر منقول.
(۲) دعاوی راجع به اجرت‌المثل مال غیر منقول.
(۳) دعاوی راجع به ثمن در بیع مال غیر منقول.
(۴) دعاوی راجع به اجاره بهای مال غیر منقول



باسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل اول

۱- گزینه ۲» مطابق ماده ۱۲ قانون مدنی، مال غیرمنقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود، اعم از این که استقرار آن ذاتی باشد یا به واسطه عمل انسان به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود. مانند اراضی، ابنیه، آسیا و ... این گونه اموال شامل، (۱) غیرمنقول ذاتی وفق ماده قانونی مذکور (۲) غیرمنقول تبعی، هر آن چه که ملصق به زمین یا بنا شده و تابع وضع موجود می‌باشد؛ به گونه‌ای که هرگاه از زمین یا بنا جدا شود منقول می‌شود، مانند آجرهای منصوب در ساختمان «۳» غیرمنقول حکمی، مال منقولی که قانون‌گذار آن را محکوم به احکام و مقررات مال غیرمنقول شناخته باشد. ماده ۱۷ قانون مدنی بر آن تأکید دارد، مانند ماشین‌آلات و ادوات زراعت «۴» تابع اموال غیرمنقوله، حق انتفاع از اشیاء غیرمنقوله؛ مانند حق العبور، حق المجری از این قبیل هستند.

۲- گزینه ۱» هر آن چه که ملصق به زمین یا بنا شده، غیرمنقول تبعی است؛ زیرا هرگاه از زمین یا بنا جدا شود، منقول می‌گردد. مطابق ماده ۱۲ قانون مدنی، مال غیرمنقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود، اعم از این که استقرار آن ذاتی باشد یا بواسطه عمل انسان، به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود، مانند پرده نقاشی که در بنا یا زمین به کار رفته باشد، لیکن مال منقول مطابق ماده ۱۹ از همین قانون، آن است که بتوان آن‌ها را از محلی به محل دیگر انتقال داد، بدون این که به خود یا محل آن خرابی وارد آید؛ مانند قایق، کشتی و ... مطابق ماده ۱۵ قانون مدنی، ثمره و حاصل مادام که چیده یا درو نشده است، غیرمنقول می‌باشد. اگر قسمتی از آن چیده یا درو شده باشد، تنها آن قسمت منقول است. همان گونه که درصدد پاسخ نیز اظهار شد، مبنای این گونه اموال تبعی بودن وصف غیرمنقول آنان است؛ زیرا پس از جدایی وصف غیرمنقول خود را از دست داده و وصف مستقلی به دست می‌آورند، اما گزینه ۲ هم می‌تواند صحیح باشد.

۳- گزینه ۱» قانون مدنی، از ماده ۱۱ تا ۲۳ در بیان انواع اموال ضمن تقسیم آن به دو قسم منقول و غیرمنقول به مقررات مربوط به هر یک پرداخته است وفق ماده ۲۰ این قانون، کلیه دیون، از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است، ولو این که مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقوله باشد.

۴- گزینه ۲» مطابق ماده ۲۰ قانون مدنی، مال غیرمنقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود، اعم از این که استقرار آن ذاتی باشد یا به واسطه عمل انسان به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود، مانند: اراضی، ابنیه و ... حق انتفاع از اشیاء غیرمنقوله مانند حق عمری، سکنی، حق ارتفاق نسبت به ملک غیر مانند حق العبور، حق المجری و ... تابع اموال غیرمنقول هستند. وفق ماده ۲۰ قانون مدنی، کلیه دیون از قبیل قرض، ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است؛ لذا به لحاظ نص صریح قانونی، گزینه «۲» صحیح است.

۵- گزینه ۴» به موجب ماده ۱۷ قانون مدنی: «حیوانات و اشیایی که مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد، از قبیل گاو و گاومیش و ماشین و اسباب و ادوات زراعت و تخم و غیره و به طور کلی هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت لازم و مالک آن را به این امر تخصیص داده باشد از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال جزء ملک محسوب و در حکم مال غیرمنقول است و همچنین است تلمبه و گاو و یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا خانه و باغ اختصاص داده شده است».

۶- گزینه ۱» مطابق ماده ۲۰ قانون مدنی: «کلیه دیون از قبیل قرض، ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است، ولو این که مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقوله باشد». حق شرکاء «سهام شرکت» در موردی که شرکت دارای شخصیت حقوقی است، حقوق معنوی مانند حق تألیف نیز منقول هستند. در گزینه‌های یاد شده در بالا گزینه «۲» اموال غیرمنقول و سایر گزینه‌ها ۳ و ۴ نیز تابع اموال غیرمنقوله و در حکم اموال غیرمنقوله هستند که طراح سؤال برای این پرسش مطرح نموده است. گزینه «۱» به لحاظ تناسب با ماده ۲۰ صدرالذکر صحیح است.

۷- گزینه ۳» مطابق ماده ۲۰ قانون مدنی: کلیه دیون از قبیل قرض، ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره از جهت صلاحیت محاکم و در حکم منقول است؛ لذا در فرض پرسش پاسخ (۳) صحیح است و خواهان بایستی برای اقامه دعوی به طرفیت خوانده در محل اقامت وی (مدعی علیه) طرح دعوی نماید.

۸- گزینه ۳» مطابق ماده ۱۷ حقوق مدنی: «حیوانات و اشیایی که مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد، از قبیل گاو و گاومیش و ماشین و اسباب و ادوات زراعت و تخم و غیره و به طور کلی هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت لازم و مالک آن را به این امر تخصیص داده باشد از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال جزء ملک محسوب و در حکم مال غیرمنقول است و همچنین است تلمبه و گاو و یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا خانه و باغ اختصاص داده شده است».

۱۲- گزینه ۲» مطابق مواد ۱۸ و ۲۰ قانون مدنی: «حق انتفاع از اشیاء غیرمنقوله مثل حق عمری و سکنی و همچنین حق ارتفاع نسبت به ملک غیر از قبیل حق العبور و حق المجری و دعاوی راجع به اموال غیرمنقوله از قبیل تقاضای خلع ید و امثال آن تابع اموال غیرمنقول است». «کلیه دیون از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است، ولو اینکه یا عین مستأجره از اموال غیرمنقوله باشد».



فصل دوم

«مالکیت»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دوم

کله ۱- هزینه لازم جهت امکان انتفاع از مال دیگر:

(سراسری ۷۵)

(۲) با عدم شرط خلاف بر عهده منتفع است.

(۱) بر عهده طرفین است.

(۴) مطلقاً بر عهده منتفع است.

(۳) مطلقاً بر عهده مالک است.

کله ۲- اگر دو نفر زمینی را از اوقاف اجاره و در آن مشترکاً ساختمان دو طبقه‌ای را احداث نمایند، در صورتی که یکی از دو شریک سهم خود را بفروشد، شریک دیگر واجد حق شفعه ...

(سراسری ۷۵)

(۱) بوده و می‌تواند آن را اعمال نماید.

(۲) بوده، ولی اعمال آن متوقف بر اجازه شریک دیگر خواهد بود.

(۳) خواهد بود و در صورتی که اجازه اداره اوقاف را داشته باشد.

(۴) نمی‌باشد.

(سراسری ۷۵)

کله ۳- هرگاه مالک در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود...

(۱) در صورتی که تصرف او به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خود باشد، ملزم به جبران خسارت وارده نمی‌باشد.

(۲) در هر حال ملزم به جبران خسارت وارده نمی‌باشد.

(۳) همین که تصرف او به قدر متعارف باشد، ملزم به جبران خسارت نخواهد بود.

(۴) همین قدر که تصرف او برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خود باشد، ملزم به جبران خسارت وارده نخواهد بود.

(سراسری ۷۸)

کله ۴- در صورتی که منتفع از مال موضوع انتفاع سوء استفاده کند:

(۱) حق انتفاع زایل می‌شود.

(۲) حق انتفاع باطل می‌شود.

(۳) فقط ضامن خسارت وارده به مالک است.

(۴) مالک اختیار فسخ حق انتفاع را دارد.

(سراسری ۷۸)

کله ۵- حق عینی، حقی است ...

(۱) که در آن منافع مال موضوع حق به دارنده حق تعلق ندارد.

(۲) که در آن منافع مال موضوع حق به دارنده حق تعلق دارد.

(۳) مستقل و وابسته به حق دیگر

(۴) نسبی، که متضمن حق تعقیب و تقدم نمی‌باشد.

(آزاد ۸۰)

کله ۶- تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت نیست، اگر:

(۱) معلوم شود که مورد ادعا سابقاً متعلق به مدعی بوده است.

(۲) ثابت شود که مورد ادعا قبلاً در تصرف دیگری بوده است.

(۳) معلوم نشود که مدعی آن را به متصرف فروخته است.

(۴) متصرف اقرار کند که مورد ادعا سابقاً متعلق به مدعی بوده است.

(وکالت ۸۰)

کله ۷- اگر روی دیوار بین دو ملک فقط سر تیر مربوط به ساختمان یکی از مجاورین گذاشته شده باشد، این امر:

(۱) اماره قضایی است بر مشترک بودن دیوار بین مجاورین با حفظ حق صاحب سرتیر

(۲) اماره قانونی است بر اختصاص دیوار برای صاحب سر تیر

(۳) اماره قضایی است بر اختصاص دیوار برای صاحب سرتیر

(۴) اماره قانونی است بر مشترک بودن دیوار بین مجاورین، با حفظ حق صاحب سرتیر

(آزاد ۸۲)

کله ۸- کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر:

(۱) تصرف او متعارف باشد.

(۲) برای دفع ضرر از خود یا دیگری باشد.

(۳) برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خود باشد.

(۴) به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خود باشد.

(وکالت ۸۳)

کله ۹- اگر مجرای آب شخصی در خانه دیگری باشد و در مجرا خرابی به هم برسد، تعمیر مجرا به عهده کیست؟

(۱) هر دو که به اشتراک انجام می‌دهند.

(۲) اگر خرابی مجرا مانع عبور آب شود، تعمیر آن به عهده کسی است که آب می‌برد، ولی اگر خرابی سبب خسارت به خانه باشد، دفع ضرر به عهده مالک خانه است.

(۳) صاحب خانه

(۴) صاحب مجرای آب

ک ۱۰- زن و شوهری که با هم در محلی زندگی مشترک دارند، درباره مالکیت ااث خانه اختلاف پیدا می‌کنند و هیچ کدام نیز دلیلی بر مالکیت خود ندارند، اثاث مورد اختلاف ملک چه کسی محسوب می‌شود؟

(وکالت ۸۳)

- (۱) همه اثاث موجود مشترک محسوب است.
- (۲) همه اموال به شوهری که درآمد دارد تعلق می‌یابد.
- (۳) آنچه مورد استفاده اختصاصی مرد است به او تعلق دارد و سایر اثاثیه منحصرأ متعلق به زن است.
- (۴) آنچه مورد استفاده زن است به او تعلق دارد و آنچه شوهر به اختصاص استفاده می‌کند ملک او است و بقیه مشترک محسوب است.

(سراسری ۸۴)

ک ۱۱- براساس قانون مدنی اثبات مالکیت سابق مدعی ...

- (۱) از طریق بینه «گواهی» سبب بی‌اعتباری تصرف می‌شود.
- (۲) از طریق اقرار متصرف فعلی سبب بی‌اعتباری تصرف می‌شود.
- (۳) از هر طریق که باشد سبب بی‌اعتباری تصرف می‌شود.
- (۴) تأثیری در اعتبار تصرف ندارد.

(آزاد ۸۴)

ک ۱۲- اگر مجرای آب شخصی در خانه دیگری باشد و خرابی مجرا موجب خسارت خانه شود، دفع ضرر به عهده کیست؟

- (۱) به عهده صاحب خانه است.
- (۲) به عهده صاحب مجرا است.
- (۳) بالمناصفه به عهده هر دو نفر است.
- (۴) دادگاه با رسیدگی قضایی تعیین می‌کند که به عهده کیست.

(آزاد ۸۵)

ک ۱۳- در صورتی که دیوار مشترک خراب شود و یکی از دو شریک از تجدید بنا و اجازه تصرف در مبنای مشترک امتناع نماید، شریک دیگر می‌تواند:

- (۱) در مبنای مشترک تجدید بنای دیوار نماید و نصف هزینه‌های انجام شده را از شریک ممتنع مطالبه نماید.
- (۲) در مبنای مشترک تجدید بنای دیوار نماید، لکن حق مطالبه هزینه‌های انجام شده از شریک ممتنع نخواهد داشت.
- (۳) در حصه خاص خود تجدید بنای دیوار نماید.
- (۴) در مبنای مشترک تجدید بنای دیوار نماید و تمامی هزینه‌های انجام شده را از شریک ممتنع مطالبه کند.

(آزاد ۸۹)

ک ۱۴- در چه صورت دادگاه حکم به تعلق مال به متصرف فعلی مال می‌دهد؟

- (۱) در صورت اثبات مالکیت متصرف فعلی با سند رسمی.
- (۲) در صورتی که متصرف، اقرار به مالکیت سابق مدعی نکند.
- (۳) در صورتی که مدعی مالکیت بر مالکیت خود شاهد نداشته باشد.
- (۴) در صورتی که مدعی نتواند مالکیت سابق خود را ثابت کند.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دوم

۱- گزینه ۴» مطابق ماده ۴۹ قانون مدنی: مخارج لازمه برای نگهداری مالی که موضوع انتفاع است برعهده منتفع نیست، مگر این‌که خلاف آن شرط شده باشد. هرچند وفق این ماده قانونی هزینه نگهداری موضوع انتفاع با منتفع نمی‌باشد، لیکن هزینه‌های انتفاع، تسهیل و کمال بهره‌برداری از مال موضوع انتفاع به عهده منتفع بوده و مشارالیه می‌بایستی این‌گونه هزینه‌ها را تادیه نماید.

۲- گزینه ۴» مطابق ماده ۸۰۸ قانون مدنی: «هرگاه مال غیرمنقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصد بیع به شخص ثالثی منتقل کند، شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است به او بدهد و حصه مبیعه را تملک کند. این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفیع می‌گویند». این حق، ویژه املاک است و در اموال منقول اجراء نمی‌گردد. ضمن این‌که هرگاه، بنا و درخت بدون زمین فروخته شود حق شفعه نخواهد بود؛ لذا با فرض پرسش از آن جایی که شرکاء زمین مورد اشاره را از اواقف اجاره کرده‌اند و عین زمین متعلق به آنان نمی‌باشد، مشمول اجراء و اعمال حق مزبور نمی‌گردد. ماده ۸۰۹ قانون مدنی در این خصوص اعلام می‌دارد: «هرگاه بنا و درخت بدون زمین فروخته شود، حق شفعه نخواهد بود».

۳- گزینه ۱» در خصوص منع سوء استفاده از مالکیت و حدود عرفی آن، ماده ۱۳۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که بقدر متعارف، برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد». در واقع تصرف زیانبار در صورتی مجاز است که دو شرط (۱) قدر متعارف (۲) رفع حاجت و ضرر با هم جمع شوند. بدیهی است تجاوز از حکم این ماده نه تنها موجب مسئولیت مدنی است، بلکه به دادگاه این اختیار را می‌دهد که مالک را از تصرف باز دارد و منبع ضرر را از بین ببرد.

۴- گزینه ۳» حق انتفاع یکی از شاخه‌های مالکیت است و آن عبارت است از: حقی که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند. مانند حق عمری، رقبی و سکنی و همچنین حق استفاده از پارک یا رودخانه برای ماهی‌گیری که برای تفریح انجام می‌شود. مطابق ماده ۴۹ قانونی مدنی: مخارج لازمه برای نگهداری مالی که موضوع انتفاع است بر عهده منتفع نیست مگر این‌که خلاف آن شرط شده باشد، همچنین وفق ماده ۵۰ از همین قانون اگر موضوع انتفاع بدون تعدی و تفریط منتفع تلف شود مسئولیتی نخواهد داشت لیکن برابر ماده ۵۲ قانون مزبور منتفع در دو صورت ضامن تضررات مالک می‌باشد.

(۱) در صورتی که منتفع از مال موضوع انتفاع سوء استفاده کند. (۲) در صورتی که، شرایط مقرر از طرف مالک را رعایت نکند و این عدم رعایت موجب خسارتی بر موضوع حق انتفاع باشد (در صورت تعدی و تفریط).



۵- گزینه «۱» حق عینی، حقی است نسبت به مالی که متعلق آن عین خارجی باشد؛ مانند مالکیت عین و مالکیت منفعت برای مستأجر، مالکیت انتفاع برای مهمان نسبت به مأكولات و مالکیت حق مانند حق ارتفاق و حق وثیقه مانند حق مرتهن بر مال مرهونه. حق عینی در مقابل حق دینی استعمال می‌شود. (ماده ۷۸۶ قانون مدنی در خصوص (رهن تصرف) از این قبیل است).

۶- گزینه «۴» مطابق ماده ۳۷ قانون مدنی: هرگاه متصرف فعلی اقرار کند که مال، سابقاً متعلق به شخص دیگری (مدعی) بوده است، در این صورت اماره تصرف متصرف از اعتبار ساقط شده است، بنابراین در تعارض میان تصرف فعلی و مالکیت سابق، مالکیت سابق مقدم است. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۷- گزینه «۲» اماره قانونی اماره‌ای است که قانون‌گذار آن را دلیل بر امری دانسته است؛ یعنی قانون‌گذار گفته است که انجام یا اقدام به امری دلیل امر دیگری است. ماده‌های ۱۳۲۱ - ۱۳۲۴: امارات قضایی نیز اماره‌هایی هستند که در دادگاه و توسط قاضی با توجه به احوال خاص هر قضیه معلوم می‌شود؛ یعنی قاضی است که می‌گوید امری دلیل امر دیگری است بدون اینکه در قانون صراحتاً آمده باشد.

ماده‌ی ۱۱۰ قانون مدنی: ترصیف و وضع سر تیر از قراین اختصاص دیوار هستند و اماره قانونی هستند چون در قانون آمده است و بنا بر ماده ۱۱۲ قانون مدنی: مقصود بخش اخیر ماده ۱۱۲ قانون مدنی اثبات خلاف «اماره قانونی تصرف» است و به وسیله دلایل ماهوی یا موضوعی (مانند اقرار شهادت) صورت می‌گیرد. در واقع بدین وسیله حکومت دلیل بر اماره اعلام می‌شود.

۸- گزینه «۴» به موجب ماده ۱۳۲ قانون مدنی: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد».

۹- گزینه «۲» به موجب ماده ۱۰۰ قانون مدنی: «اگر مجرای آب شخصی در خانه‌ی دیگری باشد و در مجری خرابی بهم رسد به نحوی که عبور آب موجب خسارت خانه شود، مالک خانه حق ندارد صاحب مجری را به تعمیر مجری اجبار کند، بلکه خود او باید دفع ضرر از خود نماید چنانچه اگر خرابی مجری مانع عبور آب شود مالک خانه ملزم نیست که مجری را تعمیر کند، بلکه صاحب حق باید خود رفع مانع کند در این صورت برای تعمیر مجری می‌تواند داخل خانه یا زمین شود ولیکن بدون ضرورت حق ورود ندارد مگر به اذن صاحب ملک».

۱۰- گزینه «۴» به موجب ماده ۶۳ قانون اجرای احکام مدنی: «از اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده اختصاصی زن باشد متعلق به زن و آن چه مورد استفاده اختصاصی مرد باشد متعلق به وی و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترک بین آن‌ها محسوب می‌شود مگر این که خلاف آن ثابت گردد».

۱۱- گزینه «۲» مطابق ماده ۳۷ قانون مدنی، «اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقاً مال مدعی او بوده است در این صورت، مشارالیه نمی‌تواند برای رد ادعای مالکیت شخص مزبور به تصرف خود استناد کند، مگر این که ثابت نماید که ملک به ناقل صحیح به او منتقل شده است». در این خصوص مابین علمای حقوق اختلاف نظر است، لیکن نص صریح قانون دلالت بر تناسب گزینه «۲» با فرض پرسش دارد.

۱۲- گزینه «۲» مطابق ماده ۱۰۰ قانون مدنی، اگر مجرای آب شخصی در خانه دیگری باشد و خرابی مجرا موجب خسارت خانه شود، دفع ضرر بر عهده صاحب مجرا بوده و صاحب خانه مسئولیتی در رفع مانع ندارد.

۱۳- گزینه «۳» مطابق ماده‌ی ۱۱۵ قانون مدنی: «در صورتی که دیوار مشترک خراب شود و احد شریکین از تجدید بناء و اجازه تصرف در مبنای مشترک امتناع نماید، شریک دیگر می‌تواند در حصه خاص خود تجدید بنای دیوار را کند».

۱۴- گزینه «۲» مطابق ماده ۳۷ قانون مدنی: «اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقاً مال مدعی او بوده است، در این صورت مشارالیه نمی‌تواند برای رد ادعای مالکیت شخص مزبور به تصرف خود استناد کند، مگر اینکه ثابت نماید که ملک به ناقل صحیح به او منتقل شده است». با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

فصل سوم

«شاخه‌های مالکیت»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

کجه ۱- حق انتفاع از اموال غیرمنقول چه نوع مالی است:

(سراسری ۷۶)

- (۱) غیرمنقول تبعی
(۲) غیرمنقول حکمی
(۳) مال منقول است
(۴) مال غیرمنقول بر اثر عمل انسان

کجه ۲- اگر متولی نسبت به موقوفه مرتکب خیانت شود:

(سراسری ۷۶)

- (۱) حاکم به درخواست واقف حکم عزل او را صادر می‌کند.
(۲) حاکم او را عزل می‌کند.
(۳) حاکم ضم امین می‌کند.
(۴) منعزل می‌شود.

کجه ۳- آیا موقوفات دارای شخصیت حقوقی هستند؟

(سراسری ۷۷)

- (۱) خیر، مطلقاً.
(۲) بلی، مطلقاً.
(۳) موقوفات عام دارای شخصیت حقوقی هستند، ولی موقوفات خاص شخصیت حقوقی ندارند.
(۴) موقوفات در صورتی دارای شخصیت حقوقی هستند که به ثبت رسیده باشد.

کجه ۴- بیع مال وقف ممنوع است یا مجاز:

(سراسری ۷۸)

- (۱) مطلقاً ممنوع است.
(۲) مطلقاً مجاز است.
(۳) تنها برای اداره اوقاف ممکن است.
(۴) در صورتی مجاز است که موقوفه خراب شود یا خوف خرابی برود و عمران آن ممکن نباشد.

کجه ۵- هزینه‌های لازم برای نگهداری مال موضوع حق انتفاع ...

(سراسری ۷۹)

- (۱) علی‌الاصول بر عهده منتفع است.
(۲) علی‌الاصول بر عهده مالک است.
(۳) از درآمد ملک پرداخت می‌گردد.
(۴) مالک و منتفع باید به تساوی بپردازند.

کجه ۶- وقف بر نفس چه حکمی دارد؟

(سراسری ۷۹)

- (۱) صحیح است.
(۲) باطل است.
(۳) قابل فسخ است.
(۴) غیرنافذ است.

کجه ۷- کدامیک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

(سراسری ۸۰)

- (۱) اگر مالکی به نفع کسی در ملک خود حق انتفاعی به مدت ۱۰ سال برقرار کند، این حق انتفاع به طریقه رقبی برقرار گشته است.
(۲) حق انتفاع ممکن است تبعاً برای کسانی هم که در حین عقد به وجود نیامده‌اند، برقرار شود.
(۳) حق انتفاع فقط نسبت به مالی برقرار می‌شود که استفاده از آن با بقای عین ممکن باشد.
(۴) در صورتی که مالک برای حق انتفاع مدتی معین نکرده باشد، حبس مطلق بوده و حق مزبور تا فوت منتفع خواهد بود.

کجه ۸- کدامیک از عبارات زیر صحیح است؟

(آزاد ۸۰)

- (۱) فوریت قبض مورد وقف شرط صحت وقف است.
(۲) واقف پیش از قبض نمی‌تواند از وقف رجوع کند.
(۳) قبض مورد وقف شرط تحقق وقف است.
(۴) واقف پس از قبض می‌تواند از وقف رجوع کند.

کجه ۹- اسقاط حق دینی به مفهوم است.

(وکالت ۸۰)

- (۱) ابراء
(۲) اعراض
(۳) انتقال
(۴) اذن به بهره برداری از موضوع حق



(سراسری ۸۱)

۱۰- انتقال عینی که نسبت به آن حق انتفاع برقرار گشته است از طرف مالک به غیر:

(۱) ممکن نیست.

(۲) موجب بطلان حق انتفاع می‌شود.

(۳) نه تنها موجب بطلان حق انتفاع می‌شود، بلکه در هیچ صورتی نیز منتقل‌الیه اختیار فسخ معامله را نخواهد داشت.

(۴) موجب بطلان حق انتفاع نمی‌شود، ولی اگر منتقل‌الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت.

(سراسری ۸۱)

۱۱- حق انتفاع از یک باغ میوه که از طرف مالک برای مدت معینی برقرار می‌شود چه نام دارد؟

(۱) سکنی

(۲) عمری

(۳) رقبی

(۴) حبس مطلق

(سراسری ۸۱)

۱۲- کدام یک از عبارتهای زیر درباره‌ی وقف صحیح است؟

(۱) وقف هر گونه مالی جایز است.

(۲) فقط وقف مال غیرمنقول جایز است، اعم از این که مشاع باشد یا مفروض.

(۳) فقط وقف مال مفروضی جایز است که با بقاء عین بتوان از آن منتفع شد، اعم از این که منقول باشد یا غیرمنقول.

(۴) فقط وقف مالی جایز است که با بقاء عین بتوان از آن منتفع شد، اعم از این که منقول باشد یا غیرمنقول، مشاع باشد یا مفروض.

(آزاد ۸۱)

۱۳- اگر متولی، موقوفه را اجازه دهد و سپس فوت کند، عقد اجازه چه وضعی دارد؟

(۱) با فوت متولی اجازه نسبت به آینده باطل می‌شود.

(۲) بعد از فوت متولی عقد اجازه غیر نافذ می‌گردد و نفوذ آن منوط به اجازه متولی جدید است.

(۳) عقد اجازه صحیح است و تا پایان مدت به قوت خود باقی است.

(۴) متولی جدید حق فسخ اجازه را دارد.

(آزاد ۸۲)

۱۴- کدام گزینه صحیح است؟

(۱) مالکیت تبعی مالکیتی است که مالک بر ثمرات و متعلقات یک مال منقول و غیر منقول دارد.

(۲) مالکیت تبعی مالکیتی است که وراثت بعد از فوت مورث خود بر ماترک پیدا می‌کنند.

(۳) مالکیت تبعی مالکیتی است که مرتهن بر عین مرهونه پیدا می‌کند.

(۴) مالکیت تبعی مالکیتی است که مستأجر بر منافع عین مستأجره دارد.

(وکالت ۸۲)

۱۵- مال موقوفه در ملکیت:

(۱) واقف است.

(۲) دولت است.

(۳) شخص خاصی نیست.

(۴) موقوف علیهم است.

(وکالت ۸۲)

۱۶- هرگاه متولی، مال موقوفه را اجازه داده باشد در صورت فوت او:

(۱) اجازه صحیح است.

(۲) اجازه برای بقیه مدت باطل می‌گردد.

(۳) اجازه در صورتی صحیح است که با ملاحظه صرفه وقف باشد.

(۴) اجازه صحیح است، اما متولی بعدی، حق فسخ آن را دارد.

(سراسری ۸۳)

۱۷- سکنی چگونه حقی است؟

(۱) هر حق انتفاعی که به صورت عمری یا رقبی نباشد.

(۲) حق ارتفاقی است که بر محلی مسکونی تعلق می‌گیرد.

(۳) حق مالکیتی است که در اثر معامله‌ای بر محل سکونت ایجاد می‌گردد.

(۴) حق انتفاعی است که برای شخص بر مسکن متعلق به غیر و برای مدتی معین ایجاد می‌گردد.

(سراسری ۸۳)

۱۸- عقد وقف قبل از حصول قبض؟

(۱) باطل است.

(۲) محقق نمی‌شود.

(۳) غیر نافذ است.

(۴) به صورت جایز محقق است.

(سراسری ۸۳)

۱۹- حبس مطلق تا چه مدت دوام دارد؟

(۱) دائمی است.

(۲) تا فوت منتفع.

(۳) ده سال از تاریخ حبس.

(۴) تا زمان فوت مالک مگر این که مالک قبل از فوت رجوع کند.

(سراسری ۸۳)

۲۰- هرگاه مالکی برای مدتی نامعین حق انتفاع از ملک خود را به دیگری واگذار کند، چنین حقی چه نام دارد؟ و حکم آن چیست؟

(۱) چنین حقی رقبی نامیده می‌شود و صحیح است.

(۲) چنین حقی حبس مطلق بوده و صحیح است.

(۳) چنین حقی به دلیل نامعین بودن مدت فاقد اعتبار است.

(۴) چنین حقی غیر نافذ است که با تعیین میزان آن نافذ می‌گردد.



- ۲۱- هرگاه واقف شخصی را به عنوان متولی مال موقوفه تعیین نماید، شخص مزبور تا چند وقت حق قبول یا رد تولیت را دارد؟ (سراسری ۸۳)
- ۱) متولی حق ندارد در هیچ شرایطی تولیت را رد نماید.
 - ۲) متولی تا زمانی که تولیت را رد ننموده، می‌تواند آن را قبول کند.
 - ۳) متولی در هر حال حق دارد تولیت را قبول نماید ولو این که بعد از رد باشد.
 - ۴) هرگاه متولی تولیت را قبول کند، در صورت تغییر تصمیم می‌تواند استعفاء دهد.
- ۲۲- هرگاه مالک به قصد فرار از بدهی خود تنها ملک باقی مانده خویش را وقف نماید، حکم قانونی آن چیست؟ (سراسری ۸۳)
- ۱) باطل است.
 - ۲) صحیح است.
 - ۳) غیرنافذ است.
 - ۴) منفسخ است.
- ۲۳- وقف ملکی که در آن حق ارتفاق وجود دارد... (سراسری ۸۴)
- ۱) جایز است، بدون این که به حق مزبور خللی وارد شود.
 - ۲) به شرط قبول موقوف‌علیه، جایز است.
 - ۳) به شرط قبول صاحب حق، جایز است.
 - ۴) جایز نیست.
- ۲۴- وقف با قبول چه شخصی واقع می‌شود؟ (وکالت ۸۴)
- ۱) قبول طبقه اول از موقوف علیهم و قائم مقام آنها و در وقف بر غیرمحمصور و مصالح عامه حاکم قبول می‌کند.
 - ۲) قبول تمام موقوف علیهم
 - ۳) قبول متولی
 - ۴) قبول حاکم
- ۲۵- اگر مالی که حق انتفاع از آن به دیگری تعلق دارد، از طرف مالک فروخته شود، این انتقال چه اثری دارد؟ (وکالت ۸۴)
- ۱) انتقال عین از طرف مالک موجب بطلان حق انتفاع نمی‌شود، ولی اگر انتقال گیرنده جاهل باشد، اختیار فسخ معامله را دارد.
 - ۲) انتقال غیرنافذ و موکول به اجازه صاحب حق انتفاع است.
 - ۳) انتقال صحیح و در همه حال لازم است.
 - ۴) انتقال باطل است.
- ۲۶- در قرارداد واگذاری حق انتفاع، قبض ... (سراسری ۸۵)
- ۱) شرط خلاف مقتضای ذات عقد است.
 - ۲) شرط صحت است.
 - ۳) شرط لزوم است.
 - ۴) شرط نیست.
- ۲۷- اگر واقف دو متولی معین کرده باشد که به اتفاق وقف را اداره کنند و یکی از آن دو فوت کند، اداره امور وقف با کیست؟ (وکالت ۸۵)
- ۱) متولی زنده وقف را اداره می‌کند.
 - ۲) موضوع در حکم موردی است که وقف متولی ندارد و اداره آن با مقامات عمومی است.
 - ۳) بعد از فوت یکی از متولیان، حاکم، شخصی را ضمیمه می‌کند که با متولی زنده به اجتماع تصرف کنند.
 - ۴) اداره وقف با موقوف علیهم است.
- ۲۸- چنانچه در عقد وقف، واقف خود را متولی قرار دهد و قبل از آنکه مال موقوفه به تصرف موقوف علیهم داده شود، واقف فوت نماید: (وکالت ۸۵)
- ۱) عقد وقف غیرنافذ است.
 - ۲) عقد وقف صحیح است و نیاز به قبض موقوف علیهم نیست.
 - ۳) عقد وقف باطل می‌گردد.
 - ۴) وراثت واقف مکلفند مال موقوفه را به قبض موقوف علیهم بدهند.
- ۲۹- منافع موقوفات مجهول المصرف..... (وکالت ۸۵)
- ۱) صرف بریات عمومی می‌شود.
 - ۲) به اقرب به غرض واقف می‌رسد.
 - ۳) با اذن حاکم یا ماذون از قبل او به مصرف فقرا می‌رسد.
 - ۴) صرف تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی می‌شود.
- ۳۰- شخصی مال خود را وقف کرده است، اگر بدهی‌های او بیش از اموالش باشد، وقف چه وضعی دارد؟ (آزاد ۸۶)
- ۱) وقف باطل و بلااثر است.
 - ۲) صحت وقف منوط به اجازه طلبکاران است.
 - ۳) وقف صحیح است، ولی طلبکاران حق فسخ آن را دارند.
 - ۴) وقف صحیح و معتبر است و ارتباطی به طلبکاران ندارد.



(آزاد ۸۶)

که ۳۱- اگر واقف عین موقوفه را هم زمان با ایجاب و قبول به تصرف ندهد، وقف چه وضعی دارد؟

- (۱) وقف محقق نمی‌شود و هر زمان که به قبض داد وقف تحقق می‌یابد.
- (۲) وقف واقع نمی‌شود و هر زمان که به تصرف داده شود، وقف واقع می‌شود.
- (۳) فقط در وقف عام عقد واقع نمی‌شود و هر وقت که قبض انجام گرفت، وقف واقع می‌شود.
- (۴) در وقف اعم از عام و یا خاص ایجاب و قبول و قبض جزء ارکان عقد است و باید هم زمان با هم صورت گیرد و إلا وقف باطل است.

(آزاد ۸۷)

که ۳۴- در مورد مقایسه «مالکیت منفعت» با «حق انتفاع» کدام گزینه درست است؟

- (۱) در مالکیت منفعت، فی‌الواقع تفکیک مالکیت وجود دارد، در حالی که در مورد حق انتفاع، تفکیک مالکیت وجود ندارد.
- (۲) در مورد مالکیت منفعت، ذرات منافع در ملک مالک منافع ایجاد می‌شود، برعکس حق انتفاع
- (۳) مالکیت، امری مقول به تشکیک است و لذا حق انتفاع در مرتبه‌ای اخف از مالکیت منفعت قرار دارد.
- (۴) تمام موارد

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوروی فصل سوم

۱- گزینه «۱» حق انتفاع از اشیاء غیرمنقوله مانند حق عمری، رقبی و سکنی و همچنین حق ارتفاق نسبت به ملک غیر از قبیل حق العبور و حق المجری و دعاوی راجعه به اموال غیرمنقوله از قبیل تقاضای خلع ید و امثال آن تابع اموال غیرمنقول است و ماده ۱۸ قانون مدنی به آن اشاره دارد.

۲- گزینه «۳» ماده ۷۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «واقف می‌تواند تولیت یعنی اداره کردن امور موقوفه را مادام‌الحیاء یا در مدت معینی برای خود قرار دهد و نیز می‌تواند متولی دیگری معین کند...» در چنین صورتی، واقف یا حاکم نمی‌تواند کسی را که در ضمن عقد وقف متولی قرار داده است، عزل کند و اگر حق عزل شرط شده باشد و خیانت متولی ظاهر شود، حاکم ضم امین می‌کند.

۳- گزینه «۲» مطابق ماده ۵۵ قانون مدنی: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود»، مال موقوفه وفق ماده (۳) قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳: دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد.

۴- گزینه «۴» مطابق ماده ۵۵ قانون مدنی، وقف عبارت است از این‌که عین مال حبس و منافع آن تسبیل می‌شود. در تعریف اخیر، مقصود از «حبس عین»، جدا ساختن ملک از دارایی مالک و مصون داشتن آن از نقل و انتقال است. عین باید تاب و توان پایداری در مقابل انتفاع را داشته باشد، یعنی با بقاء عین بتوان از آن منتفع شد؛ زیرا وقف منفعت، دین و حق امکان‌پذیر نمی‌باشد. مطابق ماده ۸۸ از همین قانون فروش مال موقوفه در صورتی که خراب شود یا خوف آن باشد که منجر به خرابی گردد به طوری که انتفاع از آن ممکن نباشد، در صورتی جایز است که عمران آن متعذر باشد یا کسی برای عمران آن حاضر نشود؛ لذا با در نظر گرفتن ماده قانونی مورد اشاره و تطبیق با گزینه‌های مطروحه، گزینه «۴» صحیح می‌باشد.

۵- گزینه «۲» حق انتفاع عبارت است از حقی که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد، استفاده کند. اگر این حق، به موجب عقد از طرف مالک برای شخص، به مدت عمر خود یا عمر منتفع و یا عمر شخص ثالثی ایجاد شده باشد (عمری) و اگر از طرف مالک برای مدت معینی برقرار شده باشد (رقبی) و اگر عبارت از سکونت در مسکنی باشد، سکنی یا حق سکنی نامیده می‌شود. مطابق ماده ۴۹ قانون مدنی: «مخارج لازمه برای نگهداری مالی که موضوع انتفاع است بر عهده منتفع نیست، مگر این‌که خلاف آن شرط شده باشد». لیکن هزینه‌های انتفاع و آسان کردن و کمال بهره‌برداری به عهده منتفع است. با توجه به گزینه‌های موردنظر و تطبیق با ماده قانونی اخیرالذکر، گزینه «۲» صحیح می‌باشد.

۶- گزینه «۲» مطابق ماده ۵۵ قانون مدنی، «وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل می‌شود». بدین معنا که ملک یا مال از دارایی مالک منفک شده و از نقل و انتقال مصون می‌گردد و منفعت آن در راه خدا صرف می‌شود. وقف بر دو گونه (خاص) و (عام) است. وقف خاص آن است که، موقوف علیهم محصور باشند و خود آن‌ها عین موقوفه را قبض نمایند، لیکن در وقف عام، موقوف علیهم غیرمحصور هستند و متولی وقف عین موقوفه را قبض می‌نماید. مطابق ماده ۷۲ قانون مدنی: وقف بر نفس به این معنا که واقف خود را موقوف‌علیه یا جزء موقوف‌علیهم نماید... باطل است». لیکن مطابق ماده ۷۴ از همین قانون: در وقف بر مصالحه عامه، اگر خود واقف نیز مصداق موقوف‌علیهم واقع شود، می‌تواند منتفع گردد.

۷- گزینه «۴» حق انتفاع یکی از شاخه‌های مالکیت است که در اثر عمل حقوقی ایجاد شده و مالکیت به دیگران تعلق می‌یابد. ماده ۴۰ قانون مدنی می‌گوید: حق انتفاع عبارت از حقی است که، به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد، استفاده کند. هرگاه حق انتفاع به موجب عقد از طرف مالک برای شخص به مدت عمر خود یا عمر منتفع و یا عمر شخص ثالثی برقرار شده باشد، به آن (عمری) گویند. لذا گزینه «۱» صحیح می‌باشد. ضمن این که مطابق مواد ۴۵ و ۴۶ قانون مدنی، حق انتفاع تبعاً برای کسانی هم که در حین عقد به وجود نیامده‌اند، می‌تواند برقرار شود و همچنین این حق فقط نسبت به مالی برقرار می‌شود که با استفاده از آن، بقای عین ممکن باشد. به همین دلیل گزینه‌های ۲ و ۳ نیز صحیح هستند، لیکن مطابق ماده ۴۴ از همین قانون حبس مطلق تا فوت مالک ایجاد می‌گردد، نه منتفع؛ از این رو گزینه «۴» صحیح نمی‌باشد.

۸- گزینه «۳» مطابق ماده ۵۹ قانون مدنی: اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد، وقف محقق نمی‌شود و هر وقت به قبض داد، وقف تحقق پیدا می‌کند. ایراد گزینه ۱ آن است که مطابق ماده ۶۰ قانون مدنی، در قبض مورد وقف، فوریت شرط نیست.

۹- گزینه «۱» به موجب ماده ۲۸۹ قانون مدنی: «ابراء عبارت از این است که داین از حق خود به اختیار صرفنظر نماید».

۱۰- گزینه «۴» ماده ۴۰ قانون مدنی حق انتفاع را تعریف کرده و در مباحث قبلی نیز در خصوص آن توضیحاتی ارائه گردید. حال در فرض سؤال اگر عین ملک که نسبت به آن حق انتفاع ایجاد شده از طرف مالک به غیر منتقل شود، تکلیف چیست؟ آیا این امر موجب بطلان حق انتفاع می‌گردد. همان گونه که مشخص است اگر مالک عین را به منتفع انتقال دهد یا منتفع حق خود را به مالک بدهد، حق انتفاع زایل می‌شود. اما مطابق ماده ۵۳ قانون مدنی: انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان حق انتفاع نمی‌شود، ولی اگر منتقل‌الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت.

۱۱- گزینه «۳» اگر چنانچه حق انتفاع به موجب عقد از طرف مالک برای شخص، به مدت عمر خود یا عمر منتفع و یا عمر شخص ثالثی برقرار شده باشد، (عمری) و اگر این حق برای مدت معینی برقرار شود (رقبی) و اگر حق مزبور عبارت از سکونت در مسکنی باشد به آن (سکنی) گویند. همچنین مطابق ماده ۴۴ قانون مدنی: در صورتی که مالک برای حق انتفاع مدتی تعیین نکرده باشد، حبس مطلق بوده و حق مزبور تا فوت مالک خواهد بود.

۱۲- گزینه «۴» مطابق ماده ۵۵ قانون مدنی: وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود. مقصود از حبس نیز جدا ساختن ملک از دارایی مالک و مصون داشتن آن از نقل و انتقال است. ضمن این که تسبیل منفعت نیز به این معنا است که منفعت در راه خدا صرف شود. برابر ماده ۵۸ از همین قانون: فقط وقف مالی جایز است که با بقاء عین بتوان از آن منتفع شد اعم از این که منقول باشد یا غیرمنقول، مشاع باشد یا مفروض، به همین دلیل هم وقف دین و منفعت باطل است. لذا با توجه به نص صریح قانون، گزینه «۴» صحیح می‌باشد.

۱۳- گزینه «۳» متولی نماینده‌ی موقوفه محسوب می‌شود؛ بنابراین اگر متولی با رعایت صرفه‌ی وقف مال موقوفه را اجاره دهد، مطابق ماده ۴۹۹ قانون مدنی با فوت متولی اجاره منحل نمی‌شود؛ چرا که عقد اجاره در واقع میان موقوفه (شخص حقوقی) و مستأجر منعقد گردیده است و هنگامی که اجاره با فوت طرفین آن منحل نشود به طریق اولی فوت نماینده‌ی یکی از آنها خللی به صحت اجاره وارد نمی‌آورد. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۱۴- گزینه «۱» مطابق ماده ۳۲ قانون مدنی: مالکیت تبعی عبارت است از مالکیت شخص بر ثمرات و متعلقات اموال، خواه ثمرات مزبور طبیعی باشند و یا مصنوعی. ایراد گزینه ۳ آن است که این گزینه، مبین تعریف حق عینی تبعی است نه مالکیت تبعی.



۱۵- گزینه «۳» به موجب ماده ۵۵ قانون مدنی: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود».

۱۶- گزینه «۳» به موجب ماده ۴۹۹ قانون مدنی: «هرگاه متولی با ملاحظه صرفه وقف مال موقوفه را اجاره دهد، اجاره به فوت او باطل نمی‌گردد».

۱۷- گزینه «۴» مطابق ماده ۴۳ قانون مدنی اگر حق انتفاع عبارت از سکونت در مسکنی باشد، سکنی یا حق سکنی نامیده می‌شود و این حق ممکن است به طریق عمری یا رقبی برقرار شود. با توجه به تعریف اخیرالذکر از حق سکنی و تطبیق آن با ۴ گزینه مطروحه چنین استنباط می‌گردد که هیچ‌یک از آن‌ها نمی‌تواند جامع و مانع و تعریف مذکور باشد، لیکن تعریف مطروحه در گزینه «۴» تا حدودی منطقی‌تر به نظر می‌رسد.

۱۸- گزینه «۲» در اثر قبض عین موقوفه ماده ۵۹ قانون مدنی اظهار می‌دارد: اگر واقف عین موقوفه را، به تصرف وقف ندهد وقف محقق نمی‌شود و هر وقت به قبض داد وقف تحقق پیدا می‌کند. ضمن این‌که وقف مالی که قابل اقباض نیست، خواه قابل قبض نبوده طبیعی باشد یا در نتیجه اوضاع و احوال، باطل است. همچنین قبض به دلیل آن‌که یک عمل حقوقی محسوب می‌شود، باید به اذن واقف انجام شود. لذا با توجه به صراحت ماده مذکور، گزینه «۲» صحیح است و قبض شرط صحت عقد وقف می‌باشد.

۱۹- گزینه «۴» در صورتی‌که مالک برای حق انتفاع مدتی معین نکرده باشد، حبس مطلق بوده و حق مزبور تا فوت مالک خواهد بود، مگر این‌که مالک قبل از فوت خود رجوع کند. در واقع می‌توان گفت: حبس مطلق عقدی است جایز و با مرگ مالک و منتفع منحل می‌شود.

۲۰- گزینه «۲» با عنایت به این‌که این سؤال نیز مشابه سؤال قبلی است، گزینه «۲» صحیح می‌باشد.

۲۱- گزینه «۲» مطابق ماده ۷۶ قانون مدنی: کسی که واقف او را متولی قرار داده می‌تواند بدو تولیت را قبول یا رد کند و اگر قبول کرد، دیگر نمی‌تواند رد نماید و اگر رد کرد مثل صورتی است که از اصل متولی قرار داده نشده باشد. با ملاحظه ماده قانونی یاد شده، تعیین متولی برای موقوفه ایقاع است و قبول و رد متولی در لزوم تصدی متولی و نفوذ اراده واقف درباره او مؤثر است و نصب متولی عقد محسوب نمی‌شود.

۲۲- گزینه «۳» مطابق ماده ۶۵ قانون مدنی: «صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف شده باشد، منوط به اجازه دیان است». مقصود از علت در این ماده علت نهایی یا انگیزه واقف است که اگر اضرار به دیان باشد، وقف غیرنافذ است و باید قصد اضرار به طلبکار و فرار از تأدیه دین اثبات شود.

۲۳- گزینه «۱» مطابق ماده ۶۴ قانون مدنی: مالی را که منافع آن موقتاً متعلق به دیگری است، می‌توان وقف نمود و همچنین وقف ملکی که در آن حق ارتفاق موجود است، جایز است بدون این‌که به حق مزبور خللی وارد آید. ارتفاق در اصطلاح مدنی و فقهی عبارت است از: حقی که برای شخص در ملک دیگری ایجاد می‌شود، مانند حق عبور آب از ملک غیر، این حق ممکن است معوض، رایگان و یا تابع قرارداد باشد. با توجه به این‌که وقف ملکی که در آن حق ارتفاق موجود است، بدون ورود خلل به حق مزبور جایز است.

۲۴- گزینه «۱» به موجب ماده ۵۶ قانون مدنی: «وقف واقع می‌شود به ایجاب از طرف واقف به هر لفظی که صراحتاً دلالت بر معنی آن کند و قبول طبقه‌ی اول از موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آن‌ها در صورتی که محصور باشند، مثل وقف بر اولاد و اگر موقوف علیهم غیرمحمصور یا وقف بر مصالح عامه باشد در این صورت قبول حاکم شرط است».

۲۵- گزینه «۱» به موجب ماده ۵۳ قانون مدنی: «انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان حق انتفاع نمی‌شود، ولی اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت».

۲۶- گزینه «۲» در حق انتفاع و حقوق عینی، قبض شرط صحت است.

۲۷- گزینه «۳» به موجب ماده ۷۷ قانون مدنی: «هرگاه واقف برای دو نفر یا بیشتر به طور استقلال تولیت قرار داده باشد، هر یک از آن‌ها فوت کند دیگری یا دیگران مستقلاً تصرف می‌کنند و اگر به نحو اجتماع قرار داده باشد، تصرف هر یک بدون تصویب دیگری یا دیگران نافذ نیست و بعد از فوت یکی از آن‌ها حاکم شخصی را ضمیمه آنکه باقیمانده است، می‌نماید که مجتمعاً تصرف کنند».

۲۸- گزینه «۲» به موجب ماده ۵۹ قانون مدنی: «اگر واقف عین موقوفه را به صرف وقف ندهد، وقف محقق نمی‌شود و هر وقت به قبض داد، وقف تحقق پیدا می‌کند». طبق مقررات قانون مدنی، در مواردی که واقف خود را متولی وقف قرار دهد، نیاز به قبض موقوف علیهم نیست.

۲۹- گزینه «۴» به موجب ماده ۹۱ قانون مدنی: به موجب ماده‌ی ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف ۱۳۶۳: «در آمد موقوفات مجهول‌المصرف و موقوفاتی که به صیغه مبرات مطلقه وقف شده، قابل مصرف در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه‌ی معارف اسلامی و عمران موقوفات می‌باشد زیر نظر سازمان به مصرف می‌رسد». در وقف عام اگر مصرف مجهول باشد، وقف باطل نیست (ماده ۹۱ قانون مدنی). ولی مجهول ماندن مصرف وقف در وقف خاص سبب بطلان وقف می‌شود، چون در حکم وقف بر مجهول است و به موجب ماده ۷۱ قانون مدنی: وقف بر مجهول صحیح نیست، یعنی باطل است.

۳۰- گزینه «۲» به استناد ماده ۶۵ قانون مدنی.

«صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف واقع شده باشد، منوط به اجازه دیان است».

منظور از علت، علت نمایی یا انگیزه واقف است، که اگر اضرار به دیان باشد، وقف غیرنافذ است.

معامله به قصد فرار از دین (حقیقی)، مستنبطه از ماده‌ی ۴ قانون نحوه‌ی اجرایی محکومیت‌های مالی مصوب ۷۷/۸/۱۰ بین دو طرف، صحیح و در مقابل طلبکار، غیرقابل استناد است، ولی وقف به قصد فرار از دین مطابق ماده ۶۵ ق.م. غیرنافذ است. با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۳۱- گزینه «۱» به استناد ماده‌ی ۵۹ قانون مدنی.

«اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد، وقف محقق نمی‌شود و هر وقت به قبض داد، وقف تحقق پیدا می‌کند». مرگ واقف پیش از قبض دادن وقف سبب بطلان آن می‌شود. با این توضیح و با توجه به نص ماده مذکور ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۳۴- گزینه «۴» به استناد ماده ۲۹ قانون مدنی.

«ممکن است اشخاص نسبت به اموال علاقه‌های ذیل را دارا باشند: ۱- مالکیت (اعم از عین یا منفعت)

۲- حق انتفاع ۳- حق ارتفاع به ملک غیر. مطابق ماده ۲۹ قانون مدنی مالکیت منفعت (بند یک) و حق انتفاع (بند ۲) دو مفهوم جداگانه می‌باشند. در مالکیت منفعت، شخصی مالک عین و دیگری مالک منفعت است، در حالی که در حق انتفاع (از ملک غیر و نه از مباحات) عین و منفعت، متعلق به یک شخص می‌باشد. در مالکیت منفعت، ذرات منفعت در ملک مالک منفعت ایجاد می‌شود، ولی در حق انتفاع (از ملک غیر) ذره‌های منفعت در ملک مالک عین به وجود می‌آید. حق انتفاع را می‌توان درجه ضعیف‌تری از مالکیت منفعت به شمار آورد.

حقوق خانواده



فصل اول

«کلیات نکاح»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل اول

کج ۱- می‌دانیم عقد نکاح نمونه بارز عقود است که در آنها شخصیت طرف علت عمده عقد می‌باشد، حال اگر در همین عقد نکاح در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف فاقد وصف مذکور بوده است، عقد نکاح چه سرنوشتی خواهد داشت؟ (سراسری ۷۷)

- (۱) نکاح باطل است. (۲) نکاح غیر نافذ است. (۳) نکاح منفسخ است. (۴) طرف مقابل حق فسخ نکاح را خواهد داشت.

کج ۲- دختری به مردی به طور مطلق وکالت می‌دهد تا او را به نیابت تزویج کند وکیل دختر را برای خود عقد می‌کند، وضع این نکاح چگونه است؟ (وکالت ۷۷)

- (۱) فضولی و غیرنافذ است. (۲) فضولی و باطل است. (۳) با اطلاق وکالت درست و نافذ است. (۴) نکاح از طرف موکل قابل ابطال است.

کج ۳- کدام یک از عقود ذیل باطل است؟ (وکالت ۷۷)

- (۱) اجاره معلق (۲) بیع معلق (۳) نکاح معلق (۴) هبه معلق

کج ۴- اشتباه در وصف اساسی همسر (سراسری ۸۰)

- (۱) اگر شرط شده باشد، عقد نکاح را باطل می‌گرداند. (۲) اگر شرط شده باشد، عقد نکاح را غیرنافذ می‌سازد. (۳) حتی اگر شرط شده باشد، تأثیری بر سرنوشت عقد نکاح ندارد. (۴) حتی اگر شرط شده باشد موجب خیار فسخ است نه بطلان.

کج ۵- هرگاه در نکاح شرط خیار شده باشد، شرط و نکاح است. (سراسری ۸۰)

- (۱) باطل - باطل (۲) باطل - صحیح (۳) باطل - غیرنافذ (۴) صحیح - صحیح

کج ۶- زنی قصد ازدواج دائم با مردی دارد. مرد به تصور اینکه مقصود زن ازدواج موقت است قبولی خود را اعلام می‌کند. در این صورت: (وکالت ۸۰)

- (۱) رابطه آنها تابع احکام خواستگاری است. (۲) رابطه زوجیت موقت بین آنها برقرار می‌شود. (۳) رابطه زوجیت دائم بین آنها برقرار می‌شود. (۴) هیچ گونه رابطه‌ای بین آنها برقرار نمی‌شود.

کج ۷- کدام یک از عبارتهای زیر صحیح است؟ (سراسری ۸۲)

- (۱) زوجه حق استفاده از نام خانوادگی همسر خود را ندارد. (۲) زوجه فقط می‌تواند با رعایت حق تقدم از نام خانوادگی همسر خود استفاده کند. (۳) زوجه فقط در صورت کسب مجوز از دادگاه می‌تواند از نام خانوادگی همسر خود استفاده کند. (۴) زوجه می‌تواند مادام که در قید زوجیت است با موافقت همسر خود از نام خانوادگی او بدون رعایت حق تقدم استفاده کند.

کج ۸- زن و مردی با یکدیگر توافق نموده‌اند که در تاریخ معینی ازدواج کنند، قسمتی از مهریه هم که برای موقع ازدواج مقرر شده به زن پرداخت گردیده است، در موعد مقرر مرد حاضر به ازدواج نشده، زن چه اقدام قانونی می‌تواند علیه او به عمل آورد؟ (آزاد ۸۲)

- (۱) می‌تواند مرد را از طریق دادگاه ملزم به ازدواج نماید. (۲) می‌تواند بقیه‌ی مهر را از مرد مطالبه کند. (۳) هیچ اقدام قانونی برای وی میسر نیست. (۴) می‌تواند به علت امتناع شوهر از ازدواج مطالبه خسارت نماید.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل اول

۱- گزینه «۴» مطابق ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی: «هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود...».

۲- گزینه «۱» مطابق ماده ۱۰۷۲ قانون مدنی: در صورتی که وکالت به‌طور اطلاق داده شود وکیل نمی‌تواند موکله را برای خود تزویج کند، مگر اینکه این‌ها صریحاً به او داده شده باشد.

۳- گزینه «۳» مطابق ماده ۱۰۶۸ قانون مدنی: «تعلیق در عقد موجب بطلان است».

۴- گزینه «۴» هر چند مطابق ماده ۲۰۱ قانون مدنی: اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد، مگر در مواردی که شخصیت طرف عقد عمدی عقد بوده باشد، لیکن در فرض مسئله و اشتباه در وصف اساسی همسر، حتی اگر شرط شده باشد موجب خیار فسخ است نه بطلان آن؛ زیرا ماده ۱۱۲۸ در این خصوص اعلام می‌دارد: هرگاه در یکی از طرفین «نکاح» صفت خاصی شرط شده باشد و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود ...

۵- گزینه «۲» مطابق ماده ۱۰۶۹ قانون مدنی: «شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است»؛ زیرا مطابق بند (۳) ماده ۲۳۲ از همین قانون شرط خیار برای فسخ نکاح از شروط نامشروع می‌باشد که خود باطل است، لیکن مفسد عقد نکاح نیست.

۶- گزینه «۴» به موجب ماده ۱۹۴ قانون مدنی: الفاظ و اشارات و اعمال دیگر که متعاملین به وسیله آن انشاء معامله می‌نمایند باید موافق باشد، به نحوی که احد طرفین همان عقدی را قبول کند که طرف دیگر قصد انشاء آن را داشته است و إلاً معامله باطل خواهد بود.

۷- گزینه «۴» مطابق ماده ۴۲ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶: «زوجه می‌تواند با موافقت همسر خود تا زمانی که در قید زوجیت می‌باشد از نام خانوادگی همسر خود بدون رعایت حق تقدم استفاده کند و در صورت طلاق ادامه استفاده از نام خانوادگی موکول به اجازه همسر خواهد بود».

۸- گزینه «۳» مطابق ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی: «هریک از زن و مرد مادام که عقد نکاح، جاری نشده است می‌تواند از وصلت امتناع کند و عقد نامزدی را فسخ نماید و طرف دیگر به هیچ وجه نمی‌تواند او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت فسخ نامزدی، مطالبه‌ای خسارت نماید».



فصل دوم

«اهلیت»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دوم

(سراسری ۷۶)

کدام ۱- زنی که، شوهر او غایب مفقودالاثر بوده و حاکم او را طلاق داده است،

(۱) باید از تاریخ طلاق عده وفات نگهدارد.

(۲) باید عده طلاق را نگهدارد.

(۳) باید ۴۵ روز عده نگهدارد.

(سراسری ۷۷)

کدام ۲- اگر ضمن عقد نکاح شرط شود که یکی از زوجین از جانب همسر دیگر وکیل در اداره اموال باشد، این شرط چه نوع شرطی است؟

(۱) شرط فعل

(۲) شرط صفت

(۳) شرط نتیجه

(۴) هم شرط فعل و هم شرط نتیجه است.

(سراسری ۷۹)

کدام ۳- اقامتگاه زن شوهردار چگونه اقامتگاهی است؟ اقامتگاه ...

(۱) ناشی از وابستگی

(۲) اولیه یا اصلی

(۳) ناشی از شغل

(۴) اختیاری یا اکتسابی

(سراسری ۸۱)

کدام ۴- نکاح با دختر خواهر زن بدون اجازه زن است.

(۱) باطل

(۲) غیر نافذ

(۳) قابل فسخ

(۴) همه صحیح

(وکالت ۸۱)

کدام ۵- آیا زن می‌تواند پیش از نزدیکی با شوهر در تمام مهر تصرف کند؟

(۱) زن پیش از نزدیکی حق تصرف در مهر را ندارد.

(۲) زن در نکاح منقطع حق تصرف ندارد و در نکاح دائم مجاز است.

(۳) زن پیش از نزدیکی نیز مالک تمام مهر است و می‌تواند در آن تصرف کند.

(۴) زن پیش از نزدیکی مالک نیمی از مهر است و فقط می‌تواند در آن نیم تصرف کند.

(وکالت ۸۱)

کدام ۶- هرگاه در عقد نکاح شرط شود که اگر مهر در مدت معین پرداخت نگردد نکاح باطل باشد:

(۱) عقد باطل نیست، اما مهر و شرط، باطل است.

(۲) عقد و مهر صحیح، اما شرط باطل است.

(۳) عقد و شرط باطل است.

(۴) هیچ کدام باطل نیست.

(سراسری ۸۴)

کدام ۷- نکاح در کدام مورد به علت مضاهره ممنوع ابدی است؟

(۱) نکاح خواهرزن

(۲) نکاح در حال احرام با علم به حرمت

(۳) نکاح با زن مطلقه در دوران عده رجعیه

(۴) نکاح با زنی که سابقاً همسر نوه مرد بوده است.

(آزاد ۸۴)

کدام ۸- مطابق قانون مدنی در چه صورتی شوهر می‌تواند زن خود را از کار کردن منع کند؟

(۱) شوهر به هیچ وجه نمی‌تواند زن خود را از اشتغال به کار منع کند

(۲) فقط در صورتی می‌تواند منع کند که شغل منافات با حیثیات خانوادگی داشته باشد.

(۳) در صورتی می‌تواند منع کند که شغل زن منافاتی با مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد.

(۴) در صورتی می‌تواند منع کند که حقوقی را که زن دریافت می‌کند به او بپردازد.

(سراسری ۸۵)

کدام ۹- آیا زنی که با موافقت شوهر حق استفاده از نام خانوادگی شوهر را داشته است بعد از طلاق نیز می‌تواند از آن استفاده کند؟

(۱) حق استفاده دارد مگر این که شوهر مخالفت خود را با آن اعلام نماید.

(۲) ادامه استفاده منوط به اجازه دارنده حق تقدم است.

(۳) استفاده بعد از طلاق موکول به اجازه شوهر است.

(۴) حق استفاده ندارد.

(آزاد ۸۵)

کدام ۱۰- در مورد ماهیت حقوقی هدایای نامزدی، کدام یک از گزینه‌های ذیل تناسب دارد؟

(۱) این هدایا هبه معلق است به انعقاد نکاح.

(۲) این هدایا هبه منجز است با تعلیق انفساخ عقد به عدم تحقق نکاح.

(۳) این هدایا امانت قانونی هستند که در فرض انعقاد نکاح تبدیل به ملکیت می‌شوند.

(۴) این هدایا امانت مالکانه است، معلق به انعقاد نکاح.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دوم

۱- گزینه «۱» عده مطابق ماده ۱۱۵ قانون مدنی عبارتست از: «مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است، نمی‌تواند شوهر دیگری اختیار کند». مثلاً عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است. هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالثر باشد، زن او می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند. در این صورت دادگاه نیز با رعایت مقررات مربوطه زوجه را طلاق می‌دهد و مدت عده این طلاق به اندازه عده وفات است و از تاریخ وقوع آن توسط نماینده دادگاه صادرکننده حکم طلاق آغاز می‌شود بدین معنا که زوجه شخص مفقودالثر مکلف است چهار ماه و ده روز عده وفات نگاه دارد.

۲- گزینه «۳» قانون مدنی ایران، مطابق ماده ۲۳۴ و ۲۳۶ قانون مدنی. اقسام شروط صحیحه را به شرح ذیل احصاء نموده است:
الف - شرط صفت ب - شرط نتیجه ج - شرط فعل اثباتاً یا نفیاً

شرط صفت عبارت است از، شرط راجع به کیفیت یا کمیت مورد معامله. شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود و در صورتی که حصول آن نتیجه موقوف به سبب خاصی نباشد، آن نتیجه به نفس اشتراط، حاصل شود. شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود.

۳- گزینه «۱» مطابق ماده ۱۰۵ قانون مدنی: اقامتگاه زن شوهردار اقامتگاه شوهر است. معذک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد، همچنین زنی که با رضایت شوهر خود و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده، می‌تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد. با وحدت ملاک از ماده قانونی اخیر و قانونی بودن اقامتگاه زوجه، گزینه (۱) صحیح بوده و اقامتگاه وی ناشی از وابستگی به زوج می‌باشد و اصولاً تابع اقامتگاه شوهر است.

۴- گزینه «۲» مطابق ماده ۱۰۴۹ قانون مدنی: «هیچ‌کس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد، مگر با اجازه‌ی زن خود». مقصود از اجازه در این ماده قانونی، اذن است و در این ماده هیچ‌گونه تفاوتی بین نکاح دائم و منقطع وجود ندارد. با توجه به این‌که وقوع عقد بدون اجازه زن غیرنافذ است و اجازه زن بعد از نکاح نیز آن را از آغاز نافذ می‌کند.

۵- گزینه «۳» به موجب حاشیه شماره ۲ ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی و ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی و حاشیه شماره ۲ آن ماده: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید».

تبصره: چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه‌ی زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد، محاسبه و پرداخت خواهد شد، مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند.
آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۶- گزینه «۲» به موجب ماده ۱۰۸۱ قانون مدنی: «اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود، نکاح و مهر صحیح، ولی شرط باطل است».

۷- گزینه «۴» «مُصاهره» در اصطلاح فقهی و مدنی به رابطه‌ای اطلاق می‌شود که به سبب نکاح بین زوجین و اقرباء آنها ایجاد می‌شود. مانند: نکاح بین مرد و مادر و جدات زن او، از هر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعی، به موجب بند ۲ ماده ۱۰۴۷ قانون مدنی مواردی که به واسطه مصاهره ممنوع دائمی و ابدی می‌گردد را مفصلاً بیان نموده است و به لحاظ تعریف یاد شده از مصاهره و انطباق با گزینه‌های مطروحه، گزینه «۴» صحیح می‌باشد، هر چند گزینه‌های ۲ و ۳ نیز وفق مادتين ۱۰۵۳ و ۱۰۴۸ ذکر گردیده و منع نکاح با خواهرزن تا زمان انحلال نکاح با خود او باقی است و تا پایان عده طلاق رجعی از بین نمی‌رود.

۸- گزینه «۳» به استناد ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند».

۹- گزینه «۳» مطابق ماده ۴۲ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶: «زوجه می‌تواند با موافقت همسر خود تا زمانی که در قید زوجیت می‌باشد، از نام خانوادگی همسر خود بدون رعایت حق تقدم استفاده کند و در صورت طلاق ادامه استفاده از نام خانوادگی موقوف به اجازه همسر خواهد بود».

۱۰- گزینه «۲» مطابق ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی: هر یک از نامزدها می‌تواند در صورت به هم خوردن نامزدی، هدایایی را که به طرف دیگر یا ابوبین او برای وصلت منظور داده است، مطالبه نماید؛ بنابراین به محض دادن هدیه به نامزد، او مالک آن می‌گردد (هبه‌ی منجز)، پس از به هم خوردن نامزدی به نظر نمی‌رسد که عقد هبه مزبور خود به خود منفسخ گردد، بلکه مطابق ظاهر ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی، نامزد، حق فسخ هبه را دارد. پس گزینه ۲ نیز با توجه به ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی، صحیح نیست، ولی چون این عقیده توسط استادان بزرگ حقوق مدنی پذیرفته شده است، می‌توان از آن پیروی نمود.

فصل سوم

«آثار نکاح»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

- کله ۱-** در صورتی که نکاح قبل از نزدیکی به علت خضاء مرد منفسخ شود، زن مستحق دریافت
(۱) نصف مهرالمسمی می‌باشد. (۲) مهریه نمی‌باشد. (۳) مهرالمتعه می‌باشد. (۴) تمامی مهرالمسمی می‌شود. (سراسری ۷۶)
- کله ۲-** در چه صورت زن بعد از انعقاد عقد ازدواج مستحق تمام یا بخشی از مهر نخواهد بود؟ هر گاه:
(۱) در عقد نکاح دایم مهر تعیین نشود و زن قبل از نزدیکی فوت کند. (۲) طرفین بر عدم مهر توافق کرده باشند و عقد به طلاق انجامد. (۳) در عقد نکاح منقطع بحثی از مهر در عقد نشده باشد. (۴) مهری که در عقد تعیین شده، مستحق للغیر درآید. (سراسری ۷۶)
- کله ۳-** اگر ضمن عقد نکاح شرط شود که یکی از زوجین از جانب همسر دیگر وکیل در اداره اموال باشد این شرط چه نوع شرطی است؟
(۱) شرط فعل (۲) شرط صفت (۳) شرط نتیجه (۴) هم شرط فعل و هم شرط نتیجه است. (سراسری ۷۷)
- کله ۴-** چنانچه می‌دانیم عقد نکاح نمونه بارز عقود است که در آنها شخصیت طرف علت عمده عقد می‌باشد، حال اگر در همین عقد نکاح در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف فاقد وصف مذکور بوده است، عقد نکاح چه سرنوشتی خواهد داشت؟
(۱) نکاح باطل است. (۲) نکاح غیر نافذ است. (۳) نکاح منفسخ است. (۴) طرف مقابل حق فسخ نکاح را خواهد داشت. (سراسری ۷۷)
- کله ۵-** زوجه در صورتی مستحق مهرالمتعه است که:
(۱) مهر در عقد نکاح تعیین، ولی مهریه مالیت نداشته باشد. (۲) عقد نکاح بدون ذکر مهر منعقد و یکی از زوجین فوت نماید. (۳) عقد نکاح بدون ذکر مهر منعقد و شوهر قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی قصد طلاق داشته باشد. (۴) عقد نکاح بدون ذکر مهر منعقد، ولی مهرالمسمی کمتر از مهرالمثل تعیین شود. (سراسری ۷۸)
- کله ۶-** اگر در نکاح دائم مهر تعیین نشده باشد و قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی شوهر فوت کند، زن
(۱) استحقاق مهرالمثل را دارد. (۲) استحقاق نصف مهرالمثل را دارد. (۳) مستحق مهرالمتعه است. (۴) مستحق هیچ مهری نیست. (سراسری ۷۹)
- کله ۷-** عده وفات در مورد زن حامل به چه میزان است؟
(۱) در هر حال چهار ماه و ده روز (۲) در حال تا روز وضع حمل (۳) عده زن حامله کمترین مدت وضع حمل چهار ماه و ده روز است. (۴) چهار ماه و ده روز، مگر این که مدت حمل بیش از چهار ماه و ده روز از تاریخ فوت باشد که در این صورت تا وضع حمل است. (سراسری ۷۹)
- کله ۸-** کدام یک از گزینه‌های زیر در رابطه با نفقه زوجه صحیح نیست؟
(۱) میزان نفقه بستگی به تمکن و دارایی زوج دارد. (۲) نفقه بستگی به تمکین زن دارد. (۳) بستگی به نوع نکاح از موقت و دائم دارد. (۴) بستگی به شئون و وضعیت خانوادگی زوجه دارد. (سراسری ۷۹)
- کله ۹-** هرگاه در نکاح شرط خیار شده باشد، شرط و نکاح است.
(۱) باطل - باطل (۲) باطل - صحیح (۳) باطل - غیرنافذ (۴) صحیح - صحیح (سراسری ۸۰)
- کله ۱۰-** مهرالمتعه ویژه چه موردی است؟
(۱) در نکاح دائم، در صورتی که مهر در عقد ذکر نشده باشد و طلاق پیش از نزدیکی واقع شود. (۲) در نکاح دائم، در صورتی که مهر در عقد ذکر نشده باشد، اعم از این که طلاق پیش از نزدیکی یا بعد از آن واقع شود. (۳) نکاح منقطع و پس از نزدیکی. (۴) نکاح منقطع و در صورتی که بذل مدت پیش از نزدیکی اتفاق می‌افتد. (سراسری ۸۰)

۱۱- کدام یک از عبارات‌های زیر صحیح نیست؟

(سراسری ۸۱)

- (۱) در عقد انقطاع، زن حق نفقه ندارد.
 (۲) در عده وفات زن حق نفقه ندارد.
 (۳) مطلقه رجعی در زمان عده حق نفقه ندارد.
 (۴) اگر عده از جهت فسخ نکاح باشد، زن حق نفقه ندارد.

۱۲- اگر در طلاق خلع فدیهای که زن باید به شوهر بدهد، قبل از تسلیم تلف شود، طلاق چه وضعی دارد؟

(آزاد ۸۱)

- (۱) طلاق صحیح است، زن مکلف است مثل یا قیمت فدیہ را به شوهر بدهد.
 (۲) طلاق قابل رجوع می‌گردد.
 (۳) تلف از مال شوهر است؛ چون قاعده تلف مبیع قبل از قبض در این مورد اجرا نمی‌شود.
 (۴) طلاق منفسخ می‌گردد.

۱۳- کدام یک از عبارات‌های زیر در خصوص مهر صحیح است؟

(سراسری ۸۲)

- (۱) مهرالسنة همان مهرالمسمی است.
 (۲) عدم ذکر مهر در عقد منقطع، موجب بطلان عقد است.
 (۳) عدم ذکر مهر در عقد دائم، موجب بطلان عقد است.
 (۴) در نکاح دائم، مهر نبایستی از یک میزان متعارف فراتر رود.

۱۴- زنی پس از عقد ازدواج حاضر به رفتن به منزل شوهر نشده است، اقامتگاه او کجاست؟

(آزاد ۸۲)

- (۱) محل سکونت شوهر است.
 (۲) محل اشتغال و کار خود زن است.
 (۳) محل اشتغال و کار شوهر است.
 (۴) محل سکونت زن است.

۱۵- در نکاح دائم اگر مهر تعیین نشده باشد و قبل از نزدیکی زوج فوت کند، تکلیف مهر چیست؟

(آزاد ۸۳)

- (۱) زن مستحق مهر المثل است.
 (۲) زن مستحق هیچ گونه مهری نیست.
 (۳) مستحق مهرالمتعه است.
 (۴) چون فوت قبل از نزدیکی بوده زن مستحق نصف مهرالمثل است.

۱۶- اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین، نکاح باطل خواهد بود، شرط چه اثری دارد؟

(وکالت ۸۴)

- (۱) نکاح و مهر و شرط نافذ است.
 (۲) نکاح و مهر صحیح و شرط باطل است.
 (۳) نکاح صحیح و مهر و شرط باطل است.
 (۴) نکاح و مهر صحیح و مشروطه له حق فسخ دارد.

۱۷- اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده باشد و شوهر پیش از نزدیکی و تعیین مهر بمیرد، زن مستحق چه مهری است؟

(وکالت ۸۴)

- (۱) زن مستحق مهرالمثل است.
 (۲) زن مستحق هیچ مهری نیست.
 (۳) زن مستحق مهرالمتعه است.
 (۴) زن مستحق نصف مهرالمثل است.

۱۸- آیا نفقه زنی که در عده فسخ نکاح است به عهده شوهر است؟

(وکالت ۸۴)

- (۱) زن در عده فسخ نکاح نفقه ندارد.
 (۲) نفقه زن در عده فسخ نکاح بر عهده شوهر است.
 (۳) زن حق نفقه ندارد، مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه دارد.
 (۴) زن حق نفقه ندارد، مگر در صورت حمل از شوهر که تا پایان عده نفقه او بر عهده شوهر است.

۱۹- دادن حق طلاق بدون قید و شرط به زن:

(سراسری ۸۵)

- (۱) باطل است؛ چون نامشروع است.
 (۲) صحیح است؛ زیرا با مقتضای ذات عقد تعارض ندارد.
 (۳) صحیح است؛ زیرا مطابق با مقتضای اطلاق عقد است.
 (۴) باطل و مبطل است؛ زیرا خلاف مقتضای ذات عقد است.

۲۰- چنانچه زنی در زمان وجود و استمرار عقد ازدواج خواهرش با شناخت قبلی از این امر، به عقد ازدواج همسر او درآید؛ در این‌جا چه مهری

(آزاد ۸۵)

به او تعلق می‌گیرد؟

- (۱) همان مهرالمسمی
 (۲) مهرالمتعه
 (۳) چنانچه فعل زناشویی با او واقع شود، مهرالمثل
 (۴) هیچ مهری تعلق نمی‌گیرد

۲۱- فسخ نکاح قبل از نزدیکی موجب سقوط مهریه است، مگر این‌که علت فسخ...

(سراسری ۸۶)

- (۱) عنین باشد.
 (۲) جنون باشد.
 (۳) تخلف از شرط صفت باشد.
 (۴) نابینایی از هر دو چشم باشد.

۲۲- اگر شوهر در مدت عده طلاق رجعی بمیرد، حکم عده زن چگونه خواهد بود؟

(سراسری ۸۶)

- (۱) باقی‌مانده عده طلاق رجعی را نگاه می‌دارد.
 (۲) عده طلاق رجعی قطع و عده وفات نگاه می‌دارد.
 (۳) عده وفات را با کسر ایام عده طلاق رجعی نگاه می‌دارد.
 (۴) باقی‌مانده عده طلاق رجعی به علاوه عده وفات را نگاه می‌دارد.



(سراسری ۸۶)

۲۳- در صورت فسخ نکاح دائم عده زن...

- (۱) منتفی است. (۲) سه ماه است. (۳) چهار ماه و ده روز است. (۴) سه طهر است.

(سراسری ۸۶)

۲۴- اگر زن براساس حکم موت فرضی شوهرش طلاق بگیرد و پس از وقوع طلاق، شوهر مراجعت نماید کدام عبارت صحیح است؟

- (۱) شوهر نسبت به طلاق صادره حق رجوع ندارد. (۲) اگر قبل از شوهر کردن زن برگردد، نسبت به طلاق حق رجوع دارد. (۳) اگر قبل از انقضاء عده برگردد، نسبت به طلاق حق رجوع دارد. (۴) در هر صورت، شوهر حق رجوع به طلاق را دارد.

(سراسری ۸۶)

۲۵- اگر در طلاق خلع، شرط شود که زن بدون رجوع به فدیّه، شوهر حق رجوع داشته باشد وضعیت شرط و طلاق چگونه است؟

- (۱) شرط باطل و طلاق صحیح است. (۲) طلاق باطل و شرط صحیح است. (۳) شرط و طلاق هر دو صحیح است. (۴) شرط و طلاق هر دو باطل هستند.

(آزاد ۸۶)

۲۶- اگر نکاح دائم بعد از نزدیکی فسخ شود، تکلیف مهریه چیست؟

- (۱) زن استحقاق مهر ندارد. (۲) فقط در صورتی که علت فسخ عنین باشد زن مستحق نصف مهریه است. (۳) زن مستحق تمام مهریه است. (۴) فقط در صورتی که فسخ به درخواست مرد باشد، زن استحقاق تمام مهریه را دارد.

(وکالت ۸۶)

۲۷- در نکاح دائم در صورت فوت زوج قبل از واقعه، هرگاه مهر معین شده باشد:

- (۱) هیچ مهری به زوجه تعلق نمی‌گیرد. (۲) نصف مهرالمسمی به زوجه تعلق می‌گیرد. (۳) تمام مهریه به زوجه تعلق می‌گیرد. (۴) مهرالمتعه به زوجه تعلق می‌گیرد.

(سراسری ۸۷)

۲۸- درباره ماهیت طلاق به حکم دادگاه کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) طلاق رجعی است. (۲) طلاق بائن است. (۳) فسخ نکاح محسوب می‌شود. (۴) در صورت تمکین شوهر رجعی، وگرنه فسخ محسوب می‌شود.

(وکالت ۸۷)

۲۹- اگر مهر زن عین معین باشد و نسبت به آن شرط خیار شده باشد، پس از فسخ تکلیف مهر چیست؟

- (۱) زن مستحق مثل یا قیمت مهر در زمان فسخ است. (۲) زن مستحق مهرالمثل است. (۳) زن مستحق بدل (مثل یا قیمت) مهر در روز پرداخت (یوم‌الاداء) می‌باشد. (۴) شرط باطل است و زن مستحق عین مهر است.

(سراسری ۸۸)

۳۰- از نظر قانون مدنی در تعیین مهرالمثل، کدام ضابطه تعیین‌کننده است؟

- (۱) عرف محل (۲) وضعیت خانوادگی زن (۳) ویژگی‌های شخصی و خانوادگی، وضع زنان هم‌ردیف، عرف محل و ... (۴) حال زن از حیث شرافت خانوادگی و وضعیت او نسبت به امثال، اقربان و اقارب.

(آزاد ۸۹)

۳۱- اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین، نکاح باطل خواهد بود:

- (۱) نکاح و مهر صحیح، ولی شرط باطل است. (۲) نکاح صحیح و مهر و شرط باطل هستند. (۳) نکاح، مهر و شرط هر سه صحیح هستند. (۴) نکاح، مهر و شرط هر سه باطل هستند.

(آزاد ۸۹)

۳۲- شرط «عدم ریاست زوج بر خانواده» شرطی است؟

- (۱) باطل و مبطل (۲) باطل (۳) صحیح (۴) غیرنافذ

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

۱- گزینه «۲» خصاء یا اختگی، مطابق بند «۱» ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی یکی از عیوب مانع از ایفاء وظیفه زناشویی در مرد است که موجب حق فسخ برای زن می‌شود. در صورت فسخ نکاح پیش از نزدیکی زن حق مهر ندارد. ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی می‌گوید: «هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ عتق باشد که در این صورت، با وجود فسخ نکاح، زن مستحق نصف مهر است».

۲- گزینه «۱» وفق ماده ۱۰۸۸ قانون مدنی: «اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد، زن مستحق هیچگونه مهری نیست».

۳- گزینه «۳» قانون مدنی ایران، مطابق ماده ۲۳۴ اقسام شروط صحیحه را به شرح ذیل احصاء نموده است:

الف - شرط صفت ب - شرط نتیجه ج - شرط فعل اثباتاً یا نفیاً
 شرط صفت عبارتست از: شرط راجع به کیفیت یا کمیت مورد معامله.
 شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود.
 شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعل بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارج شرط شود.

۴- گزینه «۴» مطابق ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی: «هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود.....».

۵- گزینه «۳» مطابق ماده ۱۰۷۸ و ۱۰۸۲ و ۱۰۸۵ قانون مدنی: هر چیزی را که مالیت داشته باشد و قابل تملک هم باشد، می‌توان مهر قرار داد و به مجرد عقد زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد بنماید. ضمن این‌که زن می‌تواند تا مهر به وی تسلیم نشده، از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر این‌که مهریه او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود و شوهر حق ندارد پرداخت مهر را موقوف به تمکین کند و حق حبس ندارد. مهریه مطابق قانون مدنی ایران به ۳ دسته تقسیم می‌شود:

(۱) مهرالمسمی، مهری است که در عقد نکاح معین شده و یا تعیین آن به عهده شخص ثالثی گذاشته شده است. (۲) مهرالمثل، مهری است که پس از وقوع نزدیکی و قبل از تراضی بر مهر معین حسب شرافت و اوضاع و احوال زوجه به وی تعلق می‌گیرد. (۳) مهرالمتععه، مهری است که زوج به زن مطلقه خود که باوی نزدیکی نکرده است می‌دهد. مطابق ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی هرگاه در عقد مهر ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالمتععه است و اگر بعد از آن طلاق دهد، مستحق مهرالمثل خواهد بود.

۶- گزینه «۴» اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آن‌ها نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود. لیکن اگر در نکاح دائم، شوهر قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی فوت کند، زوجه مستحق هیچ مهری نخواهد بود. ماده ۱۰۸۸ مدنی می‌گوید: «اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد، زن مستحق هیچ‌گونه مهری نیست».

۷- گزینه «۴» (عده) در فقه و حقوق مدنی به مدتی گفته می‌شود که در آن مدت زوجه‌ای که ازدواج او از طریق طلاق، وفات، فسخ نکاح یا بذل مدت منحل شده، نمی‌تواند شوهر دیگری اختیار کند. مطابق ماده ۱۱۵۱ قانون مدنی. عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است، مگر این‌که زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است. عده وفات نیز «چه در عقد دائم و چه در منقطع» چهار ماه و ده روز است. در فرض سؤال: اگر زن حامله باشد مطابق قسمت اخیر ماده ۱۱۵۴ قانون مزبور: عده وفات تا موقع وضع حمل است، مشروط بر این‌که فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد و الا مدت عده همان چهار ماه و ده روز است؛ لذا با توجه به گزینه‌های مطروحه و انطباق با ماده قانونی اخیرالذکر، گزینه «۴» صحیح است.

۸- گزینه «۱» مطابق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی: «نفقه عبارت است از همه‌ی نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل، مسکن، البسه، نان، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». تکلیف مرد به دادن نفقه ناشی از حکم قانون است و قابل اسقاط نمی‌باشد و زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به دادگاه مراجعه نماید. ضمن این‌که پرداخت نفقه زن مشروط به فقر یا تمکن مرد نیست. همچنین در عقد منقطع یا موقت، زن حق نفقه ندارد، مگر این‌که شرط شده باشد یا آن‌که عقد مبنی بر آن جاری شده باشد؛ لذا با عنایت به این‌که پرداخت نفقه به زن نیز وفق ماده ۱۱۰۸ بستگی به تمکین زن دارد، گزینه ۱ صحیح است.



۹- **گزینه «۲»** مطابق ماده ۱۰۶۹ قانون مدنی: «شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است؛» زیرا مطابق بند (۳) ماده ۲۳۲ از همین قانون و شرط خیار برای فسخ نکاح از شروط نامشروع می‌باشد که خود باطل است، لیکن مفسد عقد نکاح نیست.

۱۰- **گزینه «۱»** مطابق ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی «هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالتمعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد، مستحق مهرالمثل خواهد بود». ضمن این که الزام با تأدیه مهرالتمعه ویژه نکاح دائم است و در نکاح منقطع اجرا نمی‌شود (در نکاح منقطع طلاق نداریم).

۱۱- **گزینه «۳»** در دوران طلاق رجعی، با این که طلاق واقع شده است، زوجه می‌تواند از شوهر نفقه بگیرد و مانند دوران زناشویی باید تعلیمات شوهر را درباره زندگی مشترک و خانوادگی بپذیرد. و مرد نیز می‌تواند در زمان عده به زن رجوع نماید؛ مانند طلاق زوجه غایب مفقودالاثر که به لحاظ وضع خاص شوهر رجعی محسوب می‌شود؛ لذا گزینه «۳» صحیح می‌باشد و ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی نیز بر این مطلب تأکید نموده است.

۱۲- **گزینه «۲»** مطابق حاشیه ۳ ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی: در صورتی که عین فدیة پیش از تسلیم تلف شود، فدیة منحل است و طلاق قابل رجوع، ولی هرگاه زن آن را تلف کند، شوهر می‌تواند مثل یا قیمت آن را از او بگیرد. همچنین است در صورتی که ثالث آن را تلف کرده باشد. از لحاظ حقوقی طلاق خلع عبارت است از یک ایقاع «طلاق» به همراه یک عقد معوض. عوضین این عقد، تملیک فدیة از سوی زن و اسقاط حق رجوع از سوی مرد است. قاعده در عقود معوض آن است که هرگاه یکی از دو عوض از بین برود عوض دیگر نمی‌تواند باقی باشد؛ بنابراین اگر فدیة قبل از تسلیم تلف شود، اسقاط حق رجوع، منحل می‌گردد و طلاق مجدداً قابل رجوع می‌شود.

۱۳- **گزینه «۲»** مهر یا صدق مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌گردد و مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود. تعیین مهر و مقدار آن منوط به تراضی طرفین است و اگر در عقد نکاح، مهریه معین شده یا تعیین آن به عهده شخص ثالث باشد به آن مهرالمسمی گویند، لیکن مهرالسنة مهری است که، پیامبر (ص) برای دخترش فاطمه (ع) تعیین کرده و این مهر ۵۰۰ درهم بوده است. مطابق ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی، اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده باشد نکاح صحیح است، لیکن مطابق ماده ۱۰۹۵ همین قانون: در نکاح منقطع، عدم ذکر مهر در عقد موجب بطلان است.

۱۴- **گزینه «۱»** مطابق بند ۱ ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی در نظم حقوق کنونی: اقامتگاه زن شوهردار، علی‌الاطلاق اقامتگاه شوهر است. در بند ۲ همان ماده، دو مورد از حکم بند ۱، استثنا شده است. ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی، حکم صریحی راجع به اقامتگاه زن ناشزه بیان ننموده است؛ بنابراین بنابر اطلاق بند ۱ ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی. اقامتگاه زن ناشزه، همان اقامتگاه شوهر او است.

۱۵- **گزینه «۲»** به استناد ماده ۱۰۸۸ قانون مدنی: «... اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد، زن مستحق هیچ گونه مهری نیست».

۱۶- **گزینه «۲»** به موجب ماده ۱۰۸۱ قانون مدنی: «اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر، در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است».

۱۷- **گزینه «۲»** به موجب ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی: «اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد، نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آن‌ها نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق مهر المثل خواهد بود».

به موجب ماده ۱۰۸۸ قانون مدنی: «در مورد ماده‌ی قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد، زن مستحق هیچ گونه مهری نیست».

۱۸- **گزینه «۳»** به موجب ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی: «نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است، مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد، لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد، زن حق نفقه ندارد، مگر در صورت حامله شدن از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت».

۱۹- **گزینه «۲»** مطابق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی: طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای ذات عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند؛ مثل این که زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه سازد. شایان دقت است وکالتی که به زن اعطاء می‌گردد ممکن است مطلق و بدون قید و شرط باشد تا او بتواند هرگاه بخواهد خود را طلاق دهد.

۲۰- **گزینه «۴»** مطابق ماده ۱۰۹۹ قانون مدنی: هرگاه نکاح باطل بوده و زن جاهل به این امر باشد، در صورت نزدیکی، زن مستحق مهرالمثل است. از مفهوم این ماده به خوبی برمی‌آید که هرگاه زن عالم به فساد نکاح باشد، حتی در صورت وقوع نزدیکی، زن مستحق هیچ مهری نخواهد بود.

۲۱- **گزینه «۱»** ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی درخصوص مهر، در صورت فسخ نکاح پیش از نزدیکی اعلام می‌دارد: هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود، زن حق مهر ندارد، مگر در صورتی که، موجب فسخ، عنن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح، زن مستحق نصف مهر است. عنن، بیماری است در مرد که قوه نشر آلت تناسلی وی را تا حدی ضعیف می‌کند که مانع نزدیکی می‌شود، و ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی آن را از موارد فسخ نکاح دانسته است.

۲۲- گزینه ۲: برابر ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی، عده عبارت است از: «مدتی که، تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند». در طلاق رجعی شوهر می‌تواند در مدت نکاح رجوع نماید. در فرض مسئله: عقیده مشهور آن است که هرگاه نگاهداری دو عده واجب می‌شود تداخل آن دو مجاز است و ضرورتی ندارد که زن دو عده پیاپی و جداگانه نگاه دارد.

۲۳- گزینه ۴: مطابق ماده ۱۱۵۱ قانون مدنی: عده فسخ نکاح نیز همانند عده طلاق سه طهر است، مگر این‌که زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است.

۲۴- گزینه ۳: در خصوص بازگشت شوهر پس از طلاق ماده ۱۰۳۰ قانون مدنی اعلام می‌دارد: «اگر شخص غایب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضاء مدت عده مراجعت نماید نسبت به طلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضاء مدت مزبور حق رجوع ندارد». مدت عده این طلاق به اندازه عده وفات است و از تاریخ وقوع طلاق به وسیله نماینده دادگاه صادرکننده حکم موت فرضی آغاز می‌شود.

۲۵- گزینه ۴: مطابق ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی: طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد، در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد طلاق بگیرد، اعم از این‌که مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد. در این نوع از طلاق، شوهر حق ندارد در زمان عده رجوع کند، مگر پس از رجوع زن به فدیة و این حکم از قوانین امری است و طرفین نمی‌توانند بر خلاف آن تراضی نمایند. ضمن این‌که رجوع زن به فدیة نیز در صورتی ممکن است که شوهر توان آگاهی یافتن از رجوع زن و امکان رجوع از طلاق را داشته باشد. در این نوع از طلاق آن‌چه زن در ازای طلاق به شوهر می‌دهد فدیة یا عوض نامیده می‌شود که شوهر در اثر طلاق خلع به محض وقوع طلاق مالک آن می‌شود. همچنین در این نوع طلاق زن می‌بایستی به عوض رجوع کند، وگرنه شرط باطل و مبطل عقد می‌گردد.

۲۶- گزینه ۳: به استناد ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی: «هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود، زن حق مهر ندارد، مگر در صورتی که موجب فسخ، عنن باشد که در این صورت، با وجود فسخ نکاح، زن مستحق نصف مهر است». مفهوم مخالف این ماده، این می‌شود که فسخ نکاح بعد از نزدیکی، موجب سقوط حق زن بر مهر نمی‌شود و زن مستحق تمام مهر است.

۲۷- گزینه ۳: مطابق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید». به موجب ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی نیز هرگاه طلاق پیش از نزدیکی واقع شود، مالکیت نصف مهر به شوهر باز می‌گردد. حکم اخیر ویژه طلاق است و در سایر موارد اجرا نمی‌شود. چنانکه هرگاه شوهر یا زن قبل از نزدیکی فوت کنند، مالکیت نیمی از مهر به شوهر باز نمی‌گردد.

۲۸- گزینه ۲: مطابق حاشیه ۲ ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی: در طلاقی که به درخواست زن، دادگاه حکم به آن داده است، شوهر در زمان عده حق رجوع ندارد، هر چند که طبیعت طلاق رجعی باشد؛ لذا طلاق بائن محسوب می‌شود.

۲۹- گزینه ۲: بر طبق ماده ۱۰۶۹ قانون مدنی: «شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است، ولی در نکاح دائم شرط خیار نسبت به صدق جایز است، مشروط بر اینکه مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلاً مهر ذکر نشده باشد».

۳۰- گزینه ۳: وفق قسمت اخیر ماده ۱۰۸۷ ق.م.ا. «... اگر قبل از تراضی بر مهر، «بعد از عقد» بین زوجین نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود». زیرا هرگاه در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد و نزدیکی و مواقعه نیز صورت گرفته باشد، زن استحقاق دریافت مهرالمثل را دارد و در تعیین آن حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال، اقارب و همچنین عرف معمول محل و ... در نظر گرفته می‌شود. لذا گزینه (۳) صحیح می‌باشد و ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی نیز بر آن تأکید دارد. (گزینه ۳ با توجه به قید (ویژگی‌های شخصی) کامل تر می‌باشد).

۳۱- گزینه ۱: مطابق ماده ۱۰۸۱ قانون مدنی: «اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود، نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است».

۳۲- گزینه ۲: ریاست مرد بر خانواده از امور مربوط به نظم عمومی می‌باشد که شرط خلاف آن نامشروع و مطابق ماده ۲۲۲ قانون مدنی باطل است؛ لذا گزینه ۲ صحیح می‌باشد.



فصل چهارم

«فسخ نکاح»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل چهارم

(سراسری ۷۵)

کج ۱- در حقوق موضوعه ایران، برای انحلال نکاح غایب مفقودالاثر و زوجه او، ...

- (۱) امر حاکم به زوجه برای نگاه داشتن عده بی‌آنکه نیازی به طلاق باشد کافی است.
- (۲) باید مدت ۴ سال از زمان غیبت سپری شود و حاکم با احراز این امر، حکم طلاق صادر نماید.
- (۳) علاوه بر آن که باید پیش از مراجعه زن به دادگاه مدت چهار سال از غیبت شوهر گذشته باشد، دادگاه باید با انتشار آگهی و استمداد از مطلعین به جستجوی شوهر بپردازد و اگر پس از انقضای مدت مقرر قانونی از او خبری به دست نیامد به صدور حکم طلاق مبادرت ورزد.
- (۴) فقط گذشت ۴ سال از مدت غیبت کفایت می‌کند.

(سراسری ۷۶)

کج ۲- در صورتی که نکاح قبل از نزدیکی به علت خصاء مرد منفسخ شود، زن مستحق دریافت ...

- (۱) نصف مهرالمسمی می‌باشد. (۲) مهریه نمی‌باشد. (۳) مهرالمتعه می‌باشد. (۴) تمامی مهرالمسمی می‌شود.

(سراسری ۸۱)

کج ۳- کدام یک از عبارات‌های زیر صحیح نیست؟

- (۱) جنون در زن هرگاه بعد از عقد هم حادث شود، موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود.
- (۲) جنون در مرد هرگاه بعد از عقد هم حادث شود، موجب حق فسخ برای زن خواهد بود.
- (۳) جنون زن به شرط استقرار، اعم از این که مستمر یا ادواری باشد برای مرد موجب حق فسخ خواهد بود.
- (۴) جنون مرد به شرط استقرار، اعم از این که مستمر یا ادواری باشد برای زن موجب حق فسخ خواهد بود.

(سراسری ۸۶)

کج ۴- فسخ نکاح قبل از نزدیکی موجب سقوط مهریه است، مگر این که علت فسخ...

- (۱) عنن باشد. (۲) جنون باشد. (۳) تخلف از شرط صفت باشد. (۴) نابینایی از هر دو چشم باشد.

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل چهارم

۱- گزینه «۳» مطابق قانون مدنی ایران: هر کس از غیبت او مدت بالنسبه مدید گذشته و از او به هیچ‌وجه خبری نباشد، غائب مفقودالاثر نامیده می‌شود. در صورتی که از تاریخ آخرین خبری که از حیات چنین شخصی رسیده و مدتی گذشته و عادتاً نیز زنده نمی‌ماند، دادگاه مبادرت به صدور حکم فوت فرضی وی می‌نماید. ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی در خصوص انحلال نکاح این‌گونه افراد مرور زمان چهار ساله را برگزیده و به زوجه اختیار داده است که با گذشت مدت مذکور از غیبت همسر خود با رعایت ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی تقاضای طلاق کند. در این صورت، دادگاه هنگامی می‌تواند حکم موت فرضی غایب را صادر کند که در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران در سه دفعه متوالی به آگاهی عموم برسد تا اگر از چنین شخصی مطلع هستند، به محکمه اطلاع دهند و هرگاه یک سال از تاریخ اولین اطلاعیه بگذرد و حیات غایب ثابت نشود، حکم موت فرضی صادر می‌شود.

۲- گزینه «۲» خصاء یا اختگی مطابق بند «۱» ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی، یکی از عیوب مانع از ایفاء وظیفه زناشویی در مرد است که موجب حق فسخ برای زن می‌شود. در صورت فسخ نکاح پیش از نزدیکی زن حق مهر ندارد. ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی می‌گوید: «هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ عنن باشد که در این صورت، با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است».

۳- گزینه «۲» مطابق ماده ۱۱۲۱ قانون مدنی، «جنون هر یک از زوجین به شرط استقرار اعم از این که مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است». پس جنون هر یک از زوجین به عنوان عیب مشترک، از موجبات فسخ نکاح به شمار می‌آید، لیکن مطابق ماده ۱۱۲۵ همین قانون: جنون شوهر چه قبل از نکاح و چه بعد از نکاح عارض شود، موجب خیار فسخ برای زن است، اما جنون زن هنگامی موجب فسخ برای مرد است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته باشد.

۴- گزینه «۱» ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی درخصوص مهر، در صورت فسخ نکاح پیش از نزدیکی اعلام می‌دارد: هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود، زن حق مهر ندارد، مگر در صورتی که، موجب فسخ، عنن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است. عنن، بیماری است در مرد که قوه نشر آلت تناسلی وی را تا حدی ضعیف می‌کند که مانع نزدیکی می‌شود و ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی آن را از موارد فسخ نکاح دانسته است.

فصل پنجم

«قربان»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل پنجم

- ۱- اگر یک نفر که مستحق نفقه است پدر، مادر و اولاد بلافصل داشته باشد، نفقه او به عهده کیست؟ (سراسری ۷۶)
- (۱) پدر و مادر و اولاد به تساوی پرداخت می‌کنند.
(۲) پدر و مادر باید متناسباً بپردازند.
(۳) پدر و اولاد باید نفقه را بپردازند.
(۴) همگی باید به نسبت سهم‌الارث خود پرداخت کنند.
- ۲- کدام یک از موارد زیر از مصادیق تعهد طبیعی است؟ نفقه (سراسری ۸۰)
- (۱) زوجه برای زمان گذشته (۲) زوجه برای زمان آینده (۳) اقارب برای زمان گذشته (۴) اقارب برای زمان آینده
- ۳- اگر زوجین تبعه دولت واحد نبوده و در کشور ایران مقیم باشند، روابط مالی آنها تابع قانون کدام دولت است؟ (وکالت ۸۲)
- (۱) تابع قانون دولت متبوع زن است.
(۲) تابع قانون کشور ایران است.
(۳) تابع قانون دولت متبوع شوهر است.
(۴) هر کدام تابع قانون دولت متبوع خویش می‌باشند.
- ۴- نفقه اولاد در صورت فوت پدر با کیست؟ (وکالت ۸۳)
- (۱) مادر
(۲) اجداد پدری و مادری
(۳) اجداد پدری و مادر به طور مساوی
(۴) اجداد پدری با رعایت الأقرب فالاقرب
- ۵- هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر زن را طلاق دهد، به زن چه نوع مهری تعلق می‌گیرد؟ (وکالت ۸۳)
- (۱) مهرالمتعه در صورت عدم نزدیکی و مهرالمثل در صورت وقوع طلاق بعد از نزدیکی.
(۲) مهرالمتعه به توافق معین می‌شود.
(۳) مهرالمتعه.
(۴) مهرالمثل.
- ۶- کدام گزینه صحیح است؟ (آزاد ۸۴)
- (۱) نفقه عبارت است از مسکن، لباس، غذا و اثاث البیت که با وضعیت زن متناسب باشد.
(۲) نفقه عبارت است از مسکن، لباس، و غذا که با امکانات شوهر متناسب باشد.
(۳) نفقه عبارت است از مسکن، لباس، غذا و هزینه کلیه مسافرت‌های زن.
(۴) نفقه عبارت است از لباس، مسکن و غذا مشروط بر آن که زن درآمدی نداشته باشد.
- ۷- اگر پدری برای حضانت فرزند صغیر خود وصی تعیین کرده باشد، در حالی که جد پدری و مادر طفل زنده باشند؛ حضانت با کیست؟ (آزاد ۸۶)
- (۱) حضانت با وصی منصوب از طرف پدر طفل است.
(۲) حضانت با جد پدری است.
(۳) حضانت با مادر طفل است.
(۴) جد پدری و مادر مشترکاً حضانت را به عهده دارند.
- ۸- از نظر قانون مدنی ایران، دعوی نفی ولد: (وکالت ۸۶)
- (۱) هرگز مسموع نیست.
(۲) قبل از انقضاء دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد مسموع است.
(۳) قبل از انقضاء پنج ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد مسموع است.
(۴) همیشه مسموع است.



باسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل پنجم

۱- گزینه «۳» کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند به وسیله اشتغال به شغلی وسایل معیشت خود را فراهم نماید. در فرض پرسش هرگاه یک نفر هم در خط عمودی صعودی مانند پدر و مادر و هم در خط عمودی نزولی اقارب داشته باشد از حیث الزام به انفاق در درجه‌ی مساوی هستند ماده ۱۲۰۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «نفقه او را باید اقارب مزبور به حصه مساوی تأدیه کنند»؛ بنابراین اگر مستحق نفقه پدر، مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید پدر و اولاد او متساویاً تأدیه کنند.

۲- گزینه «۳» در عقد دائم، نفقه زن به عهده شوهر است و در موارد غیبت یا استنکاف شوهر از پرداخت نفقه «چنانچه زن از همسر خود تمکین نموده باشد و شوهر نیز استطاعت مالی در تأدیه نفقه داشته باشد به محکمه مراجعه نماید در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و وی را محکوم به پرداخت آن می‌کند ضمن این‌که نفقه ابوبین نیز با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است، لیکن مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی، زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه گذشته خود هم اقامه دعوی نماید، ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه نفقه نمایند. به موجب م ۲۶۶ قانون مدنی در مورد تعهداتی که برای متعهد له قانوناً حق مطالبه نمی‌باشد اگر متعهد به میل خود آن را ایفا کند دعوای استرداد او مسموع نخواهد بود.

۳- گزینه «۳» به موجب ماده ۹۶۳ قانون مدنی: «اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند، روابط شخصی و مالی بین آن‌ها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود».

۴- گزینه «۴» به موجب ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی: «نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق به عهده‌ی اجداد پدری است. با رعایت الاقرب فالاقرب در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آن‌ها نفقه بر عهده مادر است. هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقرابت مساوی باشند، نفقه را باید حصه‌ی مساوی تأدیه کنند».

۵- گزینه «۱» به موجب ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی: «هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد، زن مستحق مهر المته است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهر المثل خواهد بود».

۶- گزینه «۱» به استناد ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی اصلاحی ۱۳۸۱/۸/۱۹: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل: مسکن، البسه، غذا، ...». با این توضیح، ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۷- گزینه «۳» به استناد ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی: «در صورت فوت یکی از ابوبین، حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود، هرچند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد». هرگاه طفل، هم مادر و هم جد پدری داشته باشد، ولایت قهری با جد پدری و حضانت با مادر است. همچنین مطابق ماده ۱۱۸۹ نصب وصی در این فرض توسط پدر صحیح نیست.

۸- گزینه «۲» مطابق ماده ۱۱۶۲ قانون مدنی: «در مورد مواد قبل، دعوی نفی ولد باید در مدتی که عادتاً پس از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل برای امکان اقامه‌ی دعوی کافی می‌باشد اقامه گردد و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضاء دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل مسموع نخواهد بود».

ادش



فصل اول

«در اخذ به شفعه»

تست‌های طبقه بندی شده کنکوری فصل اول

- کج ۱- اگر دو نفر زمینی را از اوقاف اجاره و در آن مشترکاً ساختمان دو طبقه‌ای را احداث نمایند، در صورتی که یکی از دو شریک سهم خود را بفروشد، شریک دیگر واجد حق شفعه**
- (۱) بوده و می‌تواند آن را اعمال نماید.
(۲) بوده ولی اعمال آن متوقف بر اجازه شریک دیگر خواهد بود.
(۳) خواهد بود و در صورتی که اجازه اداره اوقات را داشته باشد.
(۴) نمی‌باشد.
- (سراسری ۷۵)
- کج ۲- ماده ۸۱۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «حق شفعه را نمی‌توان فقط نسبت به یک قسمت از بیع اجرا نمود ...» منظور این ماده این است که: (وکالت ۸۰)**
- (۱) اگر بخشی از سهم مشترک بین دو نفر به وسیله مالک از طریق بیع منتقل گردد، حق شفعه نسبت به آن بخش ایجاد نمی‌گردد.
(۲) اگر تمام سهم مشاع مشترک بین دو نفر به وسیله مالک از طریق بیع منتقل گردید و شرایط اخذ به شفعه نیز فراهم بود، نمی‌توان حق شفعه را نسبت به بعضی از مبیع اجرا نمود.
(۳) اگر تمامی سهم مشاع مشترک بین دو نفر به دو نفر یا بیشتر فروخته شد، ولو اینکه شرایط اخذ شفعه جمع باشد در این وضعیت نمی‌توان اخذ به شفعه نمود.
(۴) اگر بخشی از ملک مشاع به وسیله مالک منتقل شود، حق شفعه نسبت به بعض دیگر آن ملک ایجاد نمی‌شود.
- کج ۳- اگر بعد از اخذ به شفعه و قبل از تسلیم به شفیع مال مورد شفعه در دست مشتری تلف شود، تلف به عهده چه کسی است؟ (وکالت ۸۱)**
- (۱) تلف از مال شفیع است.
(۲) تلف بالمناصفه بر عهده شریک و مشتری است.
(۳) تلف بر عهده مشتری است؛ زیرا مال در دست او تلف شده است.
(۴) تلف از مال شریک است؛ زیرا فروشنده اصلی اوست و تلف قبل از قبض از مال وی می‌باشد.
- (سراسری ۸۳)
- کج ۴- منظور از اخذ به شفعه چیست؟**
- (۱) شریک گرفتن در یک مال است.
(۲) حق تملک حصه یکی از چند شریک است.
(۳) اعمال حق تملک یک یا چند جانبه حصه فروخته شده تنها شریک دیگر از مال غیرمنقول مشاع است.
(۴) حق تملک یک جانبه حصه فروخته شده شریک دیگر مال مشاع غیرمنقول قابل تقسیم است.
- (آزاد ۸۴)
- کج ۵- اگر مال مورد شفعه مستحق للغير در آید چه کسی در مقابل شفیع ضامن است؟**
- (۱) مشتری ضامن است، مشروط بر آن که مورد شفعه به تصرف او داده شده باشد
(۲) مشتری در هر حال ضامن است
(۳) بایع در هر حال ضامن است
(۴) چون اخذ به شفعه بیع نیست، ضمان درک آن مصداق ندارد
- (سراسری ۸۵)
- کج ۶- در برابر شفیع چه کسی ضامن درک مبیع است؟**
- (۱) بایع
(۲) مشتری
(۳) بایع و مشتری
(۴) هیچ‌کس
- (وکالت ۸۵)
- کج ۷- نماآتی که قبل از اخذ به شفعه در مبیع حاصل می‌شود از آن کیست؟**
- (۱) به شفیع تعلق دارد.
(۲) به مشتری تعلق دارد.
(۳) نماء متصل به شفیع و نماء منفصل به مشتری تعلق دارد.
(۴) نماء متصل به شفیع و نماء منفصل به مشتری تعلق دارد، ولی مشتری می‌تواند بنایی را که کرده یا درختی را که کاشته قلع کند.
- (آزاد ۹۰)
- کج ۱۲- حق شفعه**
- (۱) با موت شفیع قابل ارث نیست.
(۲) فوری نیست.
(۳) بعد از موت شفیع به ارث می‌رسد.
(۴) در بیع خیاری ثابت نیست.



پاسخنامه تست‌های طبقه بندی شده کنکوری فصل اول

۱- **گزینه «۴»** مطابق ماده ۸۰۸ قانون مدنی: «هرگاه مال غیرمنقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصد بیع به شخص ثالثی منتقل کند، شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است به او بدهد و حصه مبیعه را تملک کند. این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفیع می‌گویند». این حق، ویژه املاک است و در اموال منقول اجراء نمی‌گردد. ضمن این که هرگاه، بنا و درخت بدون زمین فروخته شود حق شفعه نخواهد بود؛ لذا با فرض پرسش از آن جایی که، شرکاء زمین مورد اشاره را از اوقاف اجاره کرده‌اند و عین زمین متعلق به آنان نمی‌باشد، مشمول اجراء و اعمال حق مزبور نمی‌گردد. ماده ۸۰۹ قانون مدنی در این خصوص اعلام می‌دارد: «هرگاه بنا و درخت بدون زمین فروخته شود حق شفعه نخواهد بود».

۲- **گزینه «۲»** به موجب ماده ۸۱۵ قانون مدنی: شفیع نمی‌تواند در تملک سهم فروخته شده تبعیض قائل شود و مثلاً به خریدار بگوید که من نصف ملک را از تو می‌گیرم؛ یعنی حق شفعه را فقط در مورد نصف ملک اعمال می‌کنم، شفیع یا باید حق شفعه را نسبت به کل ملک اعمال کند و تمام ملک را از خریدار بگیرد یا اینکه از حق شفعه صرف نظر کند. حتی اگر حق شفعه به موجب ماده ۸۲۳ قانون مدنی بعد از موت شفیع به وارث یا وراث او منتقل شود باز هم با وجود اینکه وارثان حق شفعه را به نسبت سهم خود به ارث می‌برند، نمی‌توانند تبعیضی قائل شود و باید این حق را به طور جمعی اعمال کنند.

۳- **گزینه «۱»** به موجب ماده ۸۱۸ قانون مدنی: «مشتری نسبت به عیب و خرابی و تلفی که قبل از اخذ به شفعه در ید او حادث شده باشد ضامن نیست و همچنین است بعد از اخذ به شفعه و مطالبه، در صورتی که تعدی یا تفریط نکرده باشد». مشتری بعد از اخذ به شفعه مانند امین است و تنها در صورت تقصیر مسئول خسارات وارده به مال می‌باشد.

۴- **گزینه «۳»** مطابق ماده ۸۰۸ قانون مدنی: هرگاه مال غیرمنقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصد بیع به شخص ثالثی منتقل کند شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است به او بدهد و حصه مبیعه را تملک کند. این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفیع گویند. این حق ویژه املاک است و در اموال منقول راه نمی‌یابد. هر چند مطابق تعریف یاد شده، گزینه «۴» صحیح است، لیکن منظور طراح سؤال اعمال این حق است، نه تعریف و شرایط آن؛ لذا گزینه «۳» صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

۵- **گزینه «۱»** به استناد ماده ۸۱۷ قانون مدنی: «در مقابل شریکی که به حق شفعه تملک می‌کند، مشتری ضامن درک است نه بایع، لیکن، اگر در موقع اخذ به شفعه مورد شفعه هنوز به تصرف مشتری داده نشده باشد، شفیع حق رجوع به مشتری نخواهد داشت». با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۶- **گزینه «۲»** مطابق قسمت اخیر ماده ۸۰۸ قانون مدنی صاحب حق شفعه را شفیع گویند و مطابق ماده ۸۱۷ از همین قانون در مقابل شریکی که به حق شفعه تملک می‌کند، مشتری ضامن درک است نه بایع؛ در واقع اگر مبیع یا ثمن در فرض پرسش مستحق‌الغیر درآید بایع ضامن نبوده و صرفاً مشتری ضامن درک است.

۷- **گزینه «۴»** مطابق ماده ۸۱۹ قانون مدنی: «نما آتی که قبل از اخذ به شفعه در مبیع حاصل می‌شود، در صورتی که منفصل باشد مال مشتری و در صورتی که متصل باشد مال شفیع است ولی مشتری می‌تواند بنائی را که کرده یا درختی را که کاشته، قلع کند». نظیر این حکم در اقاله و فسخ نیز موجود می‌باشد.

۱۲- **گزینه «۳»** مطابق ماده ۸۲۳ قانون مدنی: «حق شفعه بعد از موت شفیع به وارث یا وراث او منتقل می‌شود».

فصل دوم

«در وصایا»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دوم

کله ۱- شخص ثلث از اموال خود را برای دانشگاه وصیت می‌نماید پس از وصیت مجنون می‌گردد. وصیت او دارای چه حکمی می‌باشد؟ (سراسری ۷۷)

(۱) وصیت او صحیح است.

(۲) وصیت او باطل است.

(۳) در صورتی که ورثه اجازه دهند صحیح است.

(۴) در صورتی که جنون موصی ادامه پیدا نماید و متصل به فوت باشد باطل است.

کله ۲- اگر مورثی دارای دو پسر بوده که یکی از آن‌ها در زمان حیات او فوت کرده و از خود ۳ پسر صغیر باقی گذارده باشد که مورث به عنوان ولی قهری این نوادگان صغیر خودش را تحت تکفل خود گرفته بوده است، ولی اندکی بعد بی‌آنکه وصیتی کرده باشد از بد حادثه به مرگ ناگهانی بدرود زندگی گوید سرنوشت ترکه او چه خواهد بود؟ (سراسری ۸۰)

(۱) ۳ نواده مورث در ارث جد خود قائم مقام پدر متوفای خویش می‌گردند و در نتیجه نیمی از ترکه به پسر بازمانده و نیم دیگر به آن ۳ نواده می‌رسد که این نیم را به گونه‌ای برابر میان خود تقسیم می‌کنند.

(۲) ثلث ترکه یعنی مقداری که مورث می‌توانسته مورد وصیت قرار دهد به ۳ نواده او دو ثلث دیگر آن به پسر بازمانده وی می‌رسد.

(۳) تمام ترکه به پسری می‌رسد که، پس از مرگ مورث زنده بود و به آن ۳ نواده صغیری که بر اثر فوت پدرشان تحت تکفل مورث قرار گرفته بوده‌اند چیزی نمی‌رسد.

(۴) ترکه به طور مساوی به چهار قسمت میان پسر بازمانده و مورث و ۳ نواده‌ای که از پسر متوفای خود دارد تقسیم می‌شود.

کله ۳- برطبق قانون مدنی، وصیت عهدی از لحاظ ماهیت حقوقی چگونه عملی می‌باشد؟ (سراسری ۸۰)

(۱) ایقاع

(۲) عقد جایز

(۳) عقد لازم

(۴) عقدی که نسبت به موصی لازم و نسبت به وصی جایز است.

کله ۴- اگر موصی له وصیت را پس از فوت موصی قبول کند:

(۱) اگر موصی به را قبض نکرده باشد می‌تواند وصیت را رد کند.

(۲) هیچگاه نمی‌تواند وصیت را رد کند.

(۳) می‌تواند وصیت را رد کند، اگر چه موصی را به قبض کرده باشد.

(۴) اگر پیش از وصیت موصی را در تصرف او باشد نمی‌تواند وصیت را رد کند.

کله ۵- در چه شرایطی صغیر را می‌توان وصی قرار داد؟ (آزاد ۸۰)

(۱) می‌توان به اتفاق کبیر وصی قرار داد، به شرط اینکه ممیز باشد و صغیر به محض فوت موصی به اتفاق کبیر حق اجرای وصایا را خواهد داشت.

(۲) می‌توان با اتفاق کبیر وصی قرار داد، به شرط آنکه صغیر خویشاوند بلافصل موصی باشد.

(۳) می‌توان به اتفاق کبیر وصی قرار داد، در این صورت صغیر تا بلوغ و رشد حق دخالت در اجرای وصایای موصی را نخواهد داشت.

(۴) به هیچ وجه نمی‌توان وصی قرار داد.

کله ۶- اگر بعد از انشاء وصیت تملیکی موصی محجور شود، وصیت چه وضعی دارد؟ (آزاد ۸۱)

(۱) وصیت باطل می‌شود؛ چون هنوز قبول موصی له ضمیمه آن نشده است.

(۲) وصیت غیر نافذ است و نیاز به تنفیذ نماینده قانونی محجور دارد.

(۳) وصیت صحیح است.

(۴) توسط نماینده قانونی محجور قابل رجوع است.

کله ۷- وصیت به مال غیر چه حکمی دارد؟ (وکالت ۸۱)

(۱) صحیح است.

(۲) مطلقاً باطل است.

(۳) صحیح است، ولی صاحب مال حق فسخ وصیت را دارد.

(۴) تا زمانی که صاحب مال اجازه نکرده، غیر نافذ و بعد از اجازه نافذ می‌شود.



(وکالت ۸۲)

۸- کدام یک از اشخاص زیر می‌تواند برای صغیر وصی معین کند؟

- (۱) فقط پدر
(۲) پدر یا جد پدری و یا قیم
(۳) پدر یا مادر یا اجداد یا جدات
(۴) هر یک از پدر یا جد پدری بعد از وفات دیگری

(وکالت ۸۲)

۹- اگر موصی به کلی باشد تعیین مصداق با کیست؟

- (۱) با دادگاه است.
(۲) با موصی له (لهم) است.
(۳) با ورثه موصی است.
(۴) با خود موصی است.

(وکالت ۸۳)

۱۰- در صورتی که چند تن به اجتماع وصی بر ثلث باشند و یکی از آنان فوت کند، این حادثه چه اثری بر وصایت دارد؟

- (۱) اجرای وصایت به مقام‌های عمومی واگذار می‌شود.
(۲) وصایت از بین می‌رود و بقیه اوصیا نیز حق دخالت ندارند.
(۳) وصایت از بین نمی‌رود و جمع باقی مانده به وصایت عمل می‌کنند.
(۴) وصایت از بین نمی‌رود و به جای وصی متوفی، امینی به جمع باقی مانده اضافه می‌شود.

(سراسری ۸۴)

۱۱- اگر «موصی به» محصول یک سال باغ موصی باشد، وصیت ...

- (۱) صحیح است.
(۲) به واسطه مجهول بودن موصی به باطل است.
(۳) به واسطه موجود نبودن موصی به باطل است.
(۴) به واسطه عین نبودن موصی به باطل است.

۱۲- شخصی نسبت به باغی که تصور می‌کرده مالک آن است وصیت نموده، پس از فوت او معلوم شده که باغ متعلق به دیگری است، وصیت از لحاظ حقوقی چه وضعی دارد؟

(آزاد ۸۴)

- (۱) وصیت باطل است.
(۲) غیر نافذ است و در صورت تنفیذ مالک صحیح می‌شود.
(۳) اگر وصیت بر مصالح عامه باشد، تنفیذ مالک مؤثر است.
(۴) وصیت برای مالک باغ واقع شده و نسبت به او مؤثر است.

(آزاد ۸۴)

۱۳- اگر شخصی وصیت کند که ثلث اموال او بعد از فوتش متعلق به برادر و خواهرش باشد، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) ثلث اموال به اعتبار دارایی موصی در زمان وصیت محاسبه می‌شود.
(۲) مبنای محاسبه ثلث زمان قبول موصی لهم است.
(۳) ثلث به اعتبار دارایی موصی در زمان فوت او محاسبه می‌گردد.
(۴) پس از محاسبه ثلث در زمان فوت موصی، دو سهم متعلق به برادر و یک سهم متعلق به خواهر می‌باشد.

(وکالت ۸۴)

۱۴- هرگاه وصیتی برای فقرا شود، قبول آن چگونه است؟

- (۱) قبول وصیت با حاکم است.
(۲) قبول شرط نیست.
(۳) قبول وصیت با تمام فقرا است.
(۴) قبول وصیت با فقرای شهر محل وقوع وصیت است.

(سراسری ۸۵)

۱۵- در وصیت تملیکی، موصی له در چه زمانی باید اهلیت تملک داشته باشد؟

- (۱) در زمان فوت موصی.
(۲) در زمان انشای وصیت.
(۳) در زمان قبول وصیت، خواه بعد از فوت موصی یا قبل از فوت موصی.
(۴) در زمان انشاء وصیت و زمان فوت موصی و زمان قبول وصیت پس از فوت موصی.

۱۶- هرگاه شخص در مرض متصل به موت، اراده انشایی خود را دایر بر تملیکات رایگان از اموال خود به اشخاص دیگر ابراز نموده و این اراده را اجرا هم بنماید؛ کدام یک از گزینه‌های ذیل از نظر موازین حاکم بر حقوق مدنی ایران درست است؟

(آزاد ۸۵)

- (۱) موارد مزبور در حکم وصیت بوده و از ثلث مال محسوب می‌شود.
(۲) موارد مزبور در حکم تصرفات حال حیات بوده و از اصل مال محسوب می‌شود.
(۳) فقط به قید تصریح شخص، موارد مزبور از اصل مال محسوب می‌شود.
(۴) موارد مزبور از اصل مال محسوب شده، ولی بعد از تصفیه ترکه و احتساب ثلث و ادای دیون، از ترکه خالص احتساب می‌شود.

(وکالت ۸۵)

۱۷- در موردی که اوصیاء به اجتماع به انجام دادن کاری مأمور شوند و یکی از آنان فوت کند؛ این حادثه چه اثری در وصایت دارد؟

- (۱) اجرای وصایت با مقام‌های عمومی است.
(۲) امینی به جمع باقی اضافه می‌شود و این جمع کامل به وصایت عمل می‌کنند.
(۳) جمع باقی مانده به وصایت عمل می‌کنند.
(۴) وصایت قابل اجرا نیست و بقیه اوصیاء حق دخالت ندارند.

که ۱۸- اگر وصی برطبق وصایای موصی رفتار نکند...

(سراسری ۸۶)

- (۱) مسئول خسارت وارده است، ولی قابل عزل نیست.
(۲) خسارت وارده را جبران می‌کند و دادگاه حق عزل او را دارد.
(۳) خود به خود عزل شده محسوب است و مسئول خسارت وارده است.
(۴) مسئول جبران خسارت وارده است و قیم حق عزل او را دارد.

که ۱۹- در عقد وصیت تملیکی اگر میان ایجاب، فوت موصی، قبول موصل له و تقسیم ترکه فاصله باشد آثار وصیت از چه تاریخی ثابت می‌شود؟

(سراسری ۸۷)

- (۱) ایجاب موصی (۲) فوت موصی (۳) قبول موصی له (۴) تقسیم ترکه توسط وارث

پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل دوم

۱- گزینه «۱» موصی در انتخاب موصی به، تا ثلث $\frac{1}{3}$ ترکه آزاد است و می‌تواند آن را مشاع در کل ترکه یا بعضی از اموال کند یا به تملیک مال معین اختصاص دهد. وفق ماده ۸۴۳ قانون مدنی: «وصیت به زیاده بر ثلث ترکه نافذ نیست، مگر به اجازه وراثت...» و همچنین به موجب حاشیه ۱ ماده ۸۳۵ قانون مدنی اهلیت موصی در زمان انشاء وصیت معتبر است و ضرورتی ندارد تا زمان مرگ او باقی بماند.

۲- گزینه «۳» مطابق ماده ۹۱۰ قانون مدنی: «هرگاه میت اولاد داشته باشد گرچه یک نفر باشد اولاد، اولاد او ارث نمی‌برد». لذا با توجه به این که اقرب به میت ابد را محروم می‌کند و همچنین فقد وصیت‌نامه به نظر می‌رسد گزینه «۳» صحیح باشد.

۳- گزینه «۱» مطابق ماده ۸۳۴ قانون مدنی: در وصیت عهده قبول شرط نیست، لیکن وصی می‌تواند مادام که موصی زنده است وصایت را رد کند و اگر قبل از فوت وصی رد نکرد بعد از آن حق ندارد، اگرچه جاهل بر وصایت باشد؛ لذا وصیت عهده به لحاظ شرط نبودن قبول، ایقاع محسوب می‌گردد. ایقاع در اصطلاح مدنی و فقهی عملی است قضایی و یک‌طرفه که به صرف قصد انشاء و رضای یک طرف منشاء اثر حقوقی شود بدون این که تأثیر یک جانبه قصد و رضای یاد شده ضرری به غیر داشته باشد مانند طلاق و ابراء.

۴- گزینه «۱» مطابق ماده ۸۳۰ قانون مدنی: نسبت به موصی له رد یا قبول وصیت بعد از فوت موصی معتبر است. هرچند گزینه ۴ نیز در بدو امر، صحیح به نظر می‌رسد، ولی با توجه به نص ماده ۸۳۰ قانون مدنی، که قبض موصی به را پس از قبول موصی له مطرح نموده و به قبض پیش از قبول اشاره‌ای نکرده است، به نظر می‌رسد گزینه ۱ بر گزینه ۴ ترجیح دارد.

۵- گزینه «۳» به موجب ماده ۸۵۶ قانون مدنی: «صغیر را می‌توان به اتفاق یک نفر کبیر وصی قرار داد. در این صورت اجرای وصایا با کبیر خواهد بود تا موقع بلوغ و رشد صغیر».

۶- گزینه «۳» مطابق ماده ۸۳۵ قانون مدنی: موصی باید نسبت به مورد وصیت جایز التصرف باشد. ایراد گزینه ۲ آن است که اهلیت موصی در زمان انشاء ملاک است، نه پس از آن.

۷- گزینه «۲» به موجب ماده ۸۴۱ قانون مدنی: «موصی به باید ملک موصی باشد و وصیت به مال غیر، ولو با اجازه مالک باطل است».

۸- گزینه «۴» به موجب ماده ۸۶۰ قانون مدنی: غیر از پدر و جد پدری کس دیگر حق ندارد بر صغیر وصی معین کند.

۹- گزینه «۳» به موجب ماده ۸۴۷ قانون مدنی: «اگر موصی به کلی باشد، تعیین فرد با ورثه است، مگر اینکه در وصیت طور دیگر مقرر شده باشد».

۱۰- گزینه «۴» به موجب ماده ۸۵۴ قانون مدنی: «موصی می‌تواند یک یا چند نفر وصی معین نماید، در صورت تعدد اوصیاء باید مجتمعاً عمل به وصیت کنند، مگر در صورت تصریح به استقلال هریک».



۱۱- گزینه «۱» وصیت‌کننده را موصی و مورد وصیت را موصی به گویند. وصیت به منافع ترکیه از اقسام اموالی است که قابلیت وجود را دارد و در آینده به وجود می‌آید و وصیت به آن نافذ است؛ مانند نتاج حیوانات و میوه درخت ماده ۸۴۲ قانون مدنی اعلام می‌دارد: «ممکن است مالی را که، هنوز موجود نشده است وصیت نمود».

۱۲- گزینه «۱» به استناد ماده ۸۴۱ قانون مدنی: «موصی به باید ملک موصی باشد و وصیت به مال غیر، ولو با اجازه‌ی مالک، باطل است». بنابراین وصیت به مال غیر (برای خود) باطل است، حتی اگر مالک نیز راضی باشد ولی وصیت برای غیر مطابق ماده ۲۴۷ قانون مدنی، غیرنافذ است.

۱۳- گزینه «۳» به استناد ماده ۸۴۵ قانون مدنی: «میزان ثلث به اعتبار دارایی موصی در حین وفات معین می‌شود، نه به اعتبار دارایی او در حین وصیت». ایراد گزینه ۴ آن است که مطابق ماده ۸۵۳ قانون مدنی در صورتی که موصی لهما محصور باشند، موصی به، بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود؛ بنابراین در تقسیم موصی به، مقررات ارث رعایت نمی‌شود.

۱۴- گزینه «۲» به موجب ماده ۸۲۸ قانون مدنی: «هرگاه موصی‌له غیر محصور باشد مثل اینکه وصیت برای فقراء یا امور عالم المنفعه شود، قبول شرط نیست».

۱۵- گزینه «۲» مطابق ماده ۸۵۰ قانون مدنی: موصی‌له باید موجود باشد و بتواند مالک چیزی بشود که برای او وصیت شده است و اهلیت تملک وی در زمان انشاء وصیت معتبر است و در زمان تملک نیز وجود داشته باشد.

۱۶- گزینه «۲» به نظر برخی از فقهاء، مرض متصل به موت در مورد تصرفات تبرعی منجز از اسباب حجر محسوب شده و اختیار مریض در مورد اینگونه تصرفات، همانند وصیت، محدود به ثلث دارایی می‌باشد ولی این منع در حقوق موضوعی ایران پذیرفته نشده و به نظر می‌رسد که مرض متصل به موت از نظر قانون مدنی با توجه به مواد ۸۴۳ و ۱۲۰۷ از اسباب حجر به شمار نمی‌آید.

۱۷- گزینه «۲» مطابق ماده ۸۵۴ قانون مدنی: «موصی می‌تواند یک یا چند نفر وصی معین نماید، در صورت تعدد اوصیاء باید مجتمعاً عمل به وصیت کنند، مگر در صورت تصریح به استقلال هر یک».

۱۸- گزینه «۳» مطابق ماده ۱۱۹۱ قانون مدنی: اگر وصی منصوب از طرف ولی قهری به نگاهداری یا تربیت مولی‌علیه و یا اداره امور او اقدام نکند یا امتناع از انجام وظائف خود نماید منزل می‌شود. بدین معنا که اگر وصی از انجام وظایف خود امتناع نماید خود به خود عزل می‌شود و همچنین به موجب ماده ۸۵۹ قانون مدنی وصی باید بر طبق وصایای موصی رفتار کند و الا ضامن است و منزل می‌شود.

۱۹- گزینه «۳» در فرض پرسش و تحقق تملیک ماده ۸۲۷ قانون مدنی و حاشیه ۲ همان ماده می‌گوید: «تملیک به موجب وصیت محقق نمی‌شود، مگر با قبول موصی‌له پس از فوت موصی» در عقد وصیت تملیکی، وصیت‌کننده را موصی و کسی که وصیت به نفع او شده است را موصی‌له گویند. اگر میان ایجاب، فوت موصی و ... فاصله افتد از زمان قبول موصی‌له، آثار وصیت ثابت می‌شود و هیچ ارتباطی به موارد مطروحه ندارد.



فصل سوم

«در ارث»

تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

کله ۱- اگر شخصی فوت نماید و وارثی غیر از زوجه نداشته باشد چه مقدار از ترکه به زوجه انتقال می‌یابد؟ (سراسری ۷۵)

(۱) $\frac{1}{8}$ (۲) $\frac{1}{4}$ (۳) $\frac{1}{2}$ (۴) همه موارد

کله ۲- با توجه به مقررات قانون مدنی، در چه مواردی کلاله امی به قرابت ارث می‌برند؟ (سراسری ۷۶)

(۱) کلاله امی در تمامی صور به فرض ارث می‌برد. (۲) در صورتی که با کلاله ابوینی جمع شده باشند.
(۳) در صورتی که با اجداد امی جمع شده باشند. (۴) در صورتی که با اجداد جمع شده باشند.

کله ۳- هرگاه بعد از صدور حکم موت فرضی، غایب مفقودالاثر پیدا شود، حکم اموال او که بین ورثه تقسیم شده است چیست؟ (سراسری ۷۸)

(۱) منافع اموال متعلق به ورثه و عین آن‌ها از آن غایب است.
(۲) غایب حقی نسبت به اموال مزبور ندارد.
(۳) آنچه از اعیان یا عوض یا منافع اموال موجود است، باید مسترد شود.
(۴) اموال یا مثل یا قیمت آن‌ها در صورت تلف به غایب داده می‌شود.

کله ۴- هرگاه پدر بعد از لعان رجوع کند؛ آیا پدر و فرزند و ارحام آن‌ها از یکدیگر ارث می‌برند یا خیر؟ (سراسری ۷۸)

(۱) پسر هم از پدر و هم از ارحام او ارث می‌برد.
(۲) فقط پسر از ارحام پدر ارث می‌برد.
(۳) پسر از ارحام پدر و ارحام پدر از او ارث می‌برند.
(۴) پسر از پدر ارث می‌برد، لیکن از ارحام پدر و همچنین پدر و ارحام پدری از پسر ارث نمی‌برند.

کله ۵- چه کسانی بدون این که ارث ببرند ممکن است حاجب مادر قرار گیرند؟ (سراسری ۷۹)

(۱) دو برادر امی (۲) چهار خواهر امی
(۳) یک برادر و دو خواهر امی (۴) دو برادر یا یک برادر و دو خواهر یا چهار خواهر امی

کله ۶- اگر ترکه میت قبل از ادای دیون وی تقسیم شده باشد، تقسیم چه حکمی دارد؟ (سراسری ۷۹)

(۱) چون قبل از پرداخت دیون، حق ورثه بر ترکه مستقر شده تقسیم باطل است.
(۲) چون طلبکار از ترکه طلب دارد و ترکه هم در دست همه وراث است، همگی آنان متضامناً مسئول پرداخت دین هستند.
(۳) تقسیم صحیح است و طلبکار باید به هر یک از ورثه به نسبت سهم او رجوع کند.
(۴) تقسیم قابل ابطال است و طلبکار می‌تواند درخواست ابطال آن را بنماید.

کله ۷- چه کسانی فقط به فرض ارث می‌برند؟ (سراسری ۸۰)

(۱) تنها پدر و مادر (۲) تنها زوج و زوجه
(۳) دختر، دخترها، خواهر و خواهرهای ابی و یا ابوینی (۴) زوج، زوجه، مادر

کله ۸- هرگاه وارث متوفی منحصراً یک نفر خاله ابی و یک نفر دایی امی و دو نفر خاله ابوینی باشد؛ در این صورت ماترک متوفی به شرح ذیل: (وکالت ۸۰)

(۱) دایی امی $\frac{1}{3}$ و خاله‌ها همگی $\frac{2}{3}$ را بالسویه تقسیم می‌کنند.

(۲) $\frac{1}{6}$ ترکه متعلق به دایی امی و بقیه بالسویه بین سه خاله تقسیم می‌شود.

(۳) دایی امی $\frac{1}{6}$ و دو نفر خاله ابوینی دو سوم و یک نفر خاله ابی، بقیه ترکه را بین خود تقسیم می‌کنند.

(۴) با بودن خاله‌های ابوینی، خاله ابی ارث نمی‌برد و ترکه بین دایی امی و دو نفر خاله ابوینی بالسویه تقسیم می‌شود.



۹- شخصی فوت نموده و وراثت حین الفوت وی عبارتند از: یک عموی امی و دو عموی ابویینی و دو عمه ابویینی. ماترک او به شرح ذیل تقسیم می‌شود:

(وکالت ۸۰)

(۱) عموی امی $\frac{1}{6}$ ماترک و بقیه ترکه بین وراثت دیگر به نسبت ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌شود.

(۲) عموی امی $\frac{1}{6}$ ماترک را می‌برد و مابقی آن بین وراثت دیگر به طور مساوی تقسیم می‌شود.

(۳) عموی امی $\frac{1}{3}$ ماترک را می‌برد و مابقی آن بین وراثت دیگر به طور مساوی تقسیم می‌شود.

(۴) ماترک بین وراثت به نسبت ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌شود.

(سراسری ۸۱)

۱۰- از اشخاص زیر کدام یک گاه به فرض و گاه به قرابت ارث می‌برند؟

(۱) زوج (۲) مادر (۳) پدر (۴) زوجه

(آزاد ۸۱)

۱۱- کدام گزینه صحیح نیست؟

(۱) وارثی که ترکه را قبول کرده، همیشه می‌تواند آن را رد کند

(۲) اگر بعضی از ورثه ترکه را قبول و بعضی رد کنند، بعد از تحریر هم می‌توانند قبول یا رد نمایند

(۳) وارثی که ترکه را قبول نموده تا زمانی که در آن تصرف نکرده است می‌تواند رد کند

(۴) رد ترکه باید در مدت یک ماه از تاریخ اطلاع وارث به فوت مورث به عمل آید

(آزاد ۸۱)

۱۲- شخصی فوت کرده؛ وراثت او عبارتند از جد پدری، یک خواهر ابی و یک برادر امی ترکه او چگونه بین ورثه تقسیم می‌شود؟

(۱) $\frac{1}{6}$ ماترک متعلق به برادر امی است و مابقی بین وراثت دیگر به تساوی تقسیم می‌شود.

(۲) $\frac{1}{3}$ متعلق به برادر امی و $\frac{2}{3}$ باقیمانده بین جد و خواهر ابی به نسبت ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌شود.

(۳) $\frac{1}{3}$ متعلق به برادر امی و $\frac{1}{3}$ متعلق به دو وارث دیگر به نسبت ذکور دو برابر اناث می‌باشد و بقیه ترکه به همین نسبت بین تمامی وراثت تقسیم می‌گردد.

(۴) $\frac{1}{6}$ ترکه متعلق به برادر امی و بقیه بین دو وارث دیگر به نسبت ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌شود.

(وکالت ۸۱)

۱۳- کدام گزینه صحیح نیست؟

(۱) وارثی که ترکه را قبول کرده همیشه و در هر حال می‌تواند آن را رد کند.

(۲) وارثی که ترکه را قبول کرده تا زمانی که در آن تصرف نکرده می‌تواند آن را رد کند.

(۳) رد ترکه باید در مدت یک ماه از تاریخ اطلاع وارث از فوت مورث به عمل آید.

(۴) اگر بعضی از ورثه ترکه را قبول و بعضی رد کنند، ترکه باید تحریر شود و بعد از تحریر حق رد یا قبول را دارند.

(وکالت ۸۱)

۱۴- شخصی فوت کرده ورثه او عبارتند از جد پدری، یک خواهر ابویینی، یک برادر ابی و یک برادر و خواهر امی ترکه چگونه بین وراثت تقسیم می‌شود؟

(۱) $\frac{1}{6}$ ترکه سهم برادر و خواهر امی است که بین آنان بالسویه تقسیم می‌گردد و $\frac{5}{6}$ دیگر سهم بقیه وراثت است که ذکور دو برابر اناث می‌برد.

(۲) برادر ابی ارث نمی‌برد، و نصف ترکه متعلق به برادر و خواهر امی است و نصف دیگر سهم جد پدری و خواهر ابویینی است که سهم ذکور دو برابر اناث است.

(۳) $\frac{1}{3}$ ترکه سهم برادر و خواهر امی است که بالسویه بین آنان تقسیم می‌شود $\frac{2}{3}$ بقیه سهم جد پدری و خواهر ابویینی است که جد دو برابر خواهر ابویینی سهم می‌برد، برادر ابی هم از ارث محروم است.

(۴) $\frac{1}{3}$ ترکه سهم خواهر و برادر ابویینی است که برادر دو برابر خواهر ارث می‌برد و $\frac{2}{3}$ بقیه بین جد پدری و خواهر ابویینی به نسبت ذکور دو برابر اناث تقسیم می‌شود، برادر ابی ارث نمی‌برد.



کج ۱۵- اگر میت اعمام یا احوال ابوینی داشته باشد ...

(سراسری ۸۲)

- (۱) اعمام یا احوال ابی ارث نمی‌برند.
- (۲) سهم‌الارث اعمام یا احوال ابوینی نصف می‌شود.
- (۳) اعمام یا احوال هم با آنان به صورت مساوی ارث می‌برند.
- (۴) اعمام یا احوال ابی حاجب حرمانی اعمام یا احوال ابوینی خواهند بود.

کج ۱۶- هرگاه قبل از پرداخت دیون متوفی ورثه نسبت به اعیان ترکه معامله نمایند، آن معامله مطابق قانون مدنی چه حکمی دارد؟

(آزاد ۸۳)

- (۱) باطل و بلااثر است
- (۲) مادام که دیون متوفی تأدیه نشده غیر نافذ است
- (۳) صحیح است، اما ورثه باید به نسبت سهم‌الارث خود طلب دیان را بپردازند
- (۴) معامله صحیح است، در صورتی که ورثه بدهی متوفی را نپردازند دیان حق فسخ آن را خواهند داشت.

کج ۱۷- اگر مدیون فوت کند و شخص ثالثی پس از فوت، بدهی او را بپردازد:

(آزاد ۸۳)

- (۱) دین ساقط می‌شود، و ورثه باید به نسبت سهم‌الارث خود آنچه را که ثالث پرداخته به او بپردازند
- (۲) دین ساقط می‌شود، و ثالث حق مطالبه آنچه را که پرداخته است ندارد
- (۳) دین ساقط می‌شود، و اگر ترکه متوفی تقسیم نشده باشد، آنچه را که ثالث پرداخته از ترکه به او پرداخت می‌شود
- (۴) چون با فوت مدیون اهلیت او برای دارا شدن هر نوع حقی از بین می‌رود، پرداخت بلااثر است

کج ۱۸- اگر اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تأخر مجهول باشد، توارث چگونه

(وکالت ۸۳)

اجرا می‌شود؟

- (۱) هر دو از هم ارث می‌برند.
- (۲) هیچ یک از دیگری ارث نمی‌برد.
- (۳) آنکه تاریخ فوتش معلوم است از دیگری ارث می‌برد.
- (۴) آنکه تاریخ فوتش مجهول است از دیگری ارث می‌برد.

کج ۱۹- در چه صورت قتل مورث از موانع ارث است؟

(وکالت ۸۳)

- (۱) قتل عمد که به مباشرت و انفراد باشد.
- (۲) قتل عمد که به مباشرت باشد، خواه به انفراد یا به شرکت دیگری.
- (۳) قتل عمد، اعم از این که به مباشرت باشد یا به تسبیب و منفرداً باشد یا به شرکت دیگری.
- (۴) مطلق قتل، مانع از ارث است؛ خواه عمدی باشد یا شبه عمد یا غیر عمد، به مباشرت باشد یا به تسبیب.

کج ۲۰- هرگاه متوفی پدر و مادر و یک دختر داشته باشد، فرض دختر در این حالت چه اندازه است؟

(وکالت ۸۳)

(۱) دو ثلث از ترکه

(۲) نصف از ترکه

(۳) یک ثلث از ترکه

(۴) دختر به فرض ارث نمی‌برد و پس از وضع فرض پدر و مادر، بقیه به او تعلق دارد.

کج ۲۱- هرگاه متوفی، اخوه ابوینی و ابی و امی داشته باشد، کدام گروه در زمره وارثان او هستند؟

(وکالت ۸۳)

- (۱) اخوه ابوینی
- (۲) اخوه ابوینی و امی
- (۳) اخوه ابوینی و ابی
- (۴) هر سه گروه ابوینی و ابی و امی

کج ۲۲- هرگاه خویشاوندان متوفی عبارت باشند از جده ابی، جد امی، دو خواهر ابوینی و یک برادر ابی، کدام گزینه صحیح است؟

(سراسری ۸۴)

- (۱) جد امی با وجود جده ابی از ارث محروم است و تمام ماترک به جده ابی و خواهران می‌رسد.
- (۲) جده ابی و جد امی با وجود خواهر و برادر از ارث محروم و تمام ماترک به دو خواهر می‌رسد.
- (۳) یک ششم دارایی متعلق به جد امی و باقی به تساوی بین خویشاوندان ابی و ابوینی تقسیم می‌شود.
- (۴) یک سوم دارایی متعلق به جد امی و باقی ترکه به تساوی بین دو خواهر ابوینی و جده ابی تقسیم شده و برادر ابی از ارث محروم است.

کج ۲۳- هرگاه ترکه میت پیش از ادای دیون تقسیم شود و سپس تعدادی از ورثه معسر شوند ...

(سراسری ۸۴)

- (۱) طلبکار باید تا دارا شدن وراث معسر صبر کند.
- (۲) طلبکار باید علیه وراث معسر اقامه دعوی کند.
- (۳) حق طلبکار نسبت به سهم وراث معسر ساقط می‌شود.
- (۴) طلبکار می‌تواند برای سهم معسر یا معسرین نیز به وراث دیگر رجوع کند.

(سراسری ۸۴)

۲۴- کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) اگر پسر میت قبل از او فوت کرده باشد، فرزندان پسر فوت شده به همراه سایر وراث طبقه اول ارث می‌برند.
- (۲) در صورت نبودن هیچ وارث دیگر به غیر از زوج، شوهر تمام ترکه زن متوفای خود را می‌برد.
- (۳) اگر وارث میت منحصر به دایی و خاله باشد ترکه میان آن دو به طور مساوی تقسیم می‌شود.
- (۴) اگر شوهر در زمان عده زن مطلقه رجعیه بمیرد زوجه از او ارث می‌برد.

(آزاد ۸۴)

۲۵- اگر متوفی دارای یک دایی و یک خاله و یک عمو و یک عمه باشد، ماترک او چگونه تقسیم می‌شود؟

- (۱) یک سوم ترکه به دایی و خاله و دو سوم به عمو و عمه تعلق دارد که سهم ذکور دو برابر اناث است
- (۲) یک ششم ترکه متعلق به دایی و خاله و بقیه متعلق به عمو و عمه است که به تساوی بین آنان تقسیم می‌گردد
- (۳) یک سوم ترکه متعلق به خاله و دایی که بین آنها به تساوی تقسیم می‌گردد و بقیه متعلق به عمو و عمه است که سهم عمو دو برابر عمه است
- (۴) نصف ماترک متعلق به عمو و عمه و نصف آن متعلق به دایی و خاله است که سهم عمو دو برابر عمه است و دایی و خاله به تساوی ارث می‌برند

(آزاد ۸۴)

۲۶- اگر کسی اقرار به نفع متوفی نماید آن اقرار چه وضعی دارد؟

- (۱) اقرار باطل است چون متوفی فاقد اهلیت است
- (۲) اقرار به نفع متوفی درباره ورثه وی مؤثر است
- (۳) اقرار به نفع متوفی در صورتی درباره ورثه مؤثر است که آنان اقرار به تصدیق نمایند
- (۴) اقرار برای متوفی فقط نسبت به مقر مؤثر است و نسبت متوفی و ورثه اثری ندارد

(وکالت ۸۴)

۲۷- حمل با چه شرایطی وارث محسوب می‌شود؟

- (۱) در صورتی ارث می‌برد که زنده متولد شود.
- (۲) در صورتی ارث می‌برد که زنده متولد شود و به زندگی ادامه دهد.
- (۳) در صورتی حمل ارث می‌برد که نطفه او هنگام مرگ منعقد شده باشد.
- (۴) در صورتی ارث می‌برد که نطفه او هنگام مرگ مورث منعقد شده باشد و زنده هم متولد شود، اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد.

(وکالت ۸۴)

۲۸- در صورتی که متوفی دارای پدر و مادر و دو برادر ابوینی باشد سهم مادر از ترکه چه اندازه است؟

- (۱) سهم مادر دو سوم از ترکه است.
- (۲) سهم مادر یک دوم از ترکه است.
- (۳) مادر یک ششم از ترکه را می‌برد.
- (۴) مادر یک سوم از ترکه را به ارث می‌برد.

(سراسری ۸۵)

۲۹- کلاله امی در چه صورت قرابت بر است؟

- (۱) در صورتی که با اخوه ابی جمع گردد.
- (۲) در صورتی که با جد جمع گردد.
- (۳) کلاله امی همیشه فرض بر است.
- (۴) در صورتی که با برادر و خواهر ابوینی جمع گردد.

(سراسری ۸۵)

۳۰- اگر پدر پس از انجام تشریفات لعان از لعان رجوع نماید؛ کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) هیچ‌کدام از یکدیگر ارث نمی‌برند.
- (۲) فقط فرزند از پدر ارث می‌برد.
- (۳) پدر و فرزند از یکدیگر ارث می‌برند.
- (۴) فقط فرزند از پدر و اقوام پدری ارث می‌برد.

(سراسری ۸۵)

۳۱- خویشاوندان متوفی منحصر به پدر، مادر و یک دختر است؛ کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) سدس ترکه سهم هر یک از ابوین و مابقی متعلق به دختر است.
- (۲) ثمن ترکه سهم مادر، ربع ترکه سهم پدر و مابقی متعلق به دختر است.
- (۳) سدس ترکه سهم مادر، ربع ترکه سهم پدر و مابقی متعلق به دختر است.
- (۴) سدس ترکه سهم هر یک از ابوین و نصف آن سهم دختر و مابقی میان آنها به همین نسبت تقسیم می‌شود.

۳۲- در موردی که در عقد بیع زمین، ذوالخیار (صاحب حق خیار) قبل از اعمال و اجرای حق فسخ خود وفات یابد و یکی از وراث او زوجه باشد؛

(آزاد ۸۵)

کدام یک از گزینه‌های ذیل درست است؟

- (۱) در صورتی که متوفی، زمین را فروخته باشد، حق فسخ به زوجه او به ارث نمی‌رسد.
- (۲) در صورتی که متوفی زمین را خریده بوده باشد، حق فسخ به زوجه او به ارث می‌رسد.
- (۳) حق فسخ مطلقاً به عنوان ارث به زوجه نمی‌رسد. زیرا زوجه از اصل زمین ارث نمی‌برد.
- (۴) حق فسخ مطلقاً به زوجه نیز به ارث می‌رسد.



۳۳- چنانچه وراثت یک متوفی، عبارت از پدر و مادر و یک دختر باشد، الباقی ترکه پس از کسر سهام فرضی هر یک، چگونه تقسیم می‌شود؟ (آزاد ۸۵)

- (۱) $\frac{3}{5}$ به دختر و $\frac{1}{5}$ به هر کدام از والدین داده می‌شود
 (۲) $\frac{3}{5}$ به پدر و مادر و $\frac{1}{5}$ به دختر داده می‌شود
 (۳) $\frac{1}{2}$ به دختر، $\frac{1}{6}$ به پدر و $\frac{1}{6}$ نیز به مادر داده می‌شود
 (۴) $\frac{1}{2}$ به دختر و $\frac{1}{2}$ نیز به پدر و مادر داده می‌شود

۳۴- هرگاه پدر و پسری همزمان یکی در اثر هدم و دیگر به علت غرق بمیرند، در مورد وضع وراثت آنان کدام یک از گزینه‌های ذیل درست است؟ (آزاد ۸۵)

- (۱) هر کدام از ماترک دیگری ارث می‌برند
 (۲) هیچکدام از ماترک یکدیگر ارث نمی‌برند
 (۳) به قید وحدت زمان فوت، از یکدیگر ارث می‌برند
 (۴) در مسأله وراثت این دو از اموال یکدیگر در شرایط مزبور، نوع حادثه مؤثر نیست

۳۵- وراثت «فرض بر»، «قربان بر» و گاه به فرض و گاه قربان بر به ترتیب عبارتند از: (سراسری ۸۶)

- (۱) پدر، مادر و خواهر (۲) پدر، برادر و زن (۳) خواهر، برادر و مادر (۴) زن، برادر و خواهر

۳۶- تصرفات حقوقی ورثه در اعیان ترکه قبل از تأدیه دیون متوفی ... (سراسری ۸۶)

- (۱) غیر نافذ است. (۲) باطل است. (۳) صحیح و ضمان آور است. (۴) منوط به رأی دادگاه است.

۳۷- کدام گزینه صحیح است؟ (آزاد ۸۶)

- (۱) وارثی که ترکه را قبول کرده، مادام که در آن تصرف نکرده است می‌تواند رد کند.
 (۲) پس از قبول ترکه رد آن از طرف وارث ممکن نیست.
 (۳) پس از رد ترکه وارث نمی‌تواند آن را قبول کند.
 (۴) قبول یا رد ترکه حق وارث است، می‌تواند پس از قبول و تصرف در ترکه آن را رد نماید.

۳۸- هر گاه بعد از تقسیم ماترک بین ورثه معلوم گردد که متوفی مدیون به اشخاص ثالث بوده است: (وکالت ۸۶)

- (۱) تقسیم باطل می‌شود.
 (۲) تقسیم معتبر و صحیح بوده، لکن طلبکاران حق فسخ تقسیم را دارند.
 (۳) تقسیم معتبر بوده و طلبکاران می‌توانند به هر یک از وراثت به نسبت سهم او رجوع کنند.
 (۴) تقسیم معتبر و صحیح بوده، لکن ورثه تا قبل از اداء دیون متوفی، مجاز به فروش و یا تصرف مالکانه نسبت به مقسومه خود نمی‌باشند.

۳۹- ورثه متوفی عبارتند از پدر و مادر، و وارث دیگری ندارد سهم الارث هر یک عبارتند از: (وکالت ۸۶)

- (۱) سهم الارث هر کدام $\frac{1}{6}$ از ماترک است و به فرض و مابقی ترکه به قربان بین آنها تنصیف می‌شود.
 (۲) به طور کلی سهم الارث مادر $\frac{1}{3}$ و پدر $\frac{2}{3}$ از ماترک است.
 (۳) هر کدام $\frac{1}{3}$ از ماترک را به فرض ارث می‌برند و مابقی به قربان بین آنها به طور مساوی تقسیم می‌شود.
 (۴) سهم الارث مادر و پدر هر کدام $\frac{1}{6}$ است به فرض و مابقی به قربان به پدر می‌رسد.

۴۰- اگر وراثت متوفی یک عمه، یک دایی و شوهر او باشند ترکه او چگونه تقسیم می‌شود؟ (سراسری ۸۷)

- (۱) نصف ترکه به شوهر، ثلث آن به دایی و سدس آن به عمه تعلق می‌گیرد.
 (۲) نصف ترکه به شوهر، نصف دیگر آن نیز بالسویه به دایی و عمه تعلق می‌گیرد.
 (۳) نصف ترکه به شوهر، ثلث آن به عمه و سدس آن به دایی تعلق می‌گیرد.
 (۴) نصف ترکه به شوهر و نصف دیگر آن به دایی و همه به نسبت ذکور دو برابر اناث تعلق می‌گیرد.



۴۱- چنانچه وراثت متوفی عبارت باشند از: سه برادر امی، دو برادر ابی، جدّه ابی، حد اقی، و زوجه: در خصوص سهم الارث اصناف وراثت، کدام گزینه صحیح است؟ (آزاد ۸۷)

$$(۴) \frac{1}{6}, \frac{2}{3}, \frac{1}{3}$$

$$(۳) \frac{1}{4}, \frac{1}{6}, \frac{2}{3}, \frac{1}{6}$$

$$(۲) \frac{5}{12}, \frac{1}{4}, \frac{1}{3}$$

$$(۱) \frac{1}{4}, \frac{1}{6}, \frac{2}{3}, \frac{1}{3}$$

(سراسری ۸۸)

۴۲- «حجب حرمانی» چیست؟

- (۱) محروم شدن مادر از ارث به واسطه برادران میت.
- (۲) محروم شدن ورثه از ارث به واسطه وصیت مورث.
- (۳) محرومیت کامل ورثه و فرزندان او از ارث به واسطه فوت قبل از مرگ مورث.
- (۴) محرومیت کامل یک ورثه به واسطه وجود وارث در طبقه یا درجه مقدم.

۴۳- زوج به همسر خود نسبت زنا داده است و نیز فرزند خود را نفی کرده و بر ارتکاب زنا بینة اقامه کرده است؛ اثر حقوقی این اثبات چیست؟ (سراسری ۸۸)

- (۱) اسقاط حد قذف و قطع رابطه توارث میان پدر و فرزند.
- (۲) اسقاط حد قذف.
- (۳) قطع رابطه توارث میان پدر و فرزند.
- (۴) اسقاط حد قذف و قطع رابطه توارث میان زن و شوهر و پدر و فرزند.

(سراسری ۸۸)

۴۴- در کدام گزینه قتل مانع از ارث است؟

- (۱) مورث جنین بوده و وارث سبب سقط جنین شده است.
- (۲) برادری به تصور این که اسلحه خالی است به سوی برادرش شلیک نموده و او کشته شده است.
- (۳) فرزندی پدرش را مورد اصابت قرار داده و پدر در بیمارستان به علت سکتة قلبی در گذشته است.
- (۴) پدری برای اثبات مهارت خود شیء روی سر فرزندش را نشانه رفته و به پسر اصابت کرده و کشته شده است.

(سراسری ۸۸)

۴۵- کدام عبارت در تعریف رد صحیح است؟

- (۱) اعطای مازاد حصه صاحبان فرض به صاحبان فرض.
- (۲) اعطای مازاد حصه صاحبان فرض به صاحبان قرابت در طبقات بعد.
- (۳) اعطای مازاد حصه صاحبان فرض به صاحبان قرابت یا صاحبان فرض.
- (۴) اعطای مازاد حصه صاحبان فرض به صاحبان قرابت در همان طبقه یا طبقات بعد.

۴۶- چنانچه خویشان متوفی عبارت باشند از: دو برادر ابی، جد و جدّه ابی، جد و جدّه امی و کلاله امی متعدّد، با توجه به مبانی وراثت، کدامیک از گزینه‌های ذیل در خصوص سهم الارث اصناف وراثت درست است؟ (آزاد ۸۸)

$$(۴) \frac{1}{3}, \frac{1}{6}, \frac{1}{6}, \frac{1}{3}$$

$$(۳) \frac{1}{3}, \frac{1}{6}, \frac{1}{2}$$

$$(۲) \frac{1}{3}, \frac{1}{3}, \frac{1}{3}$$

$$(۱) \frac{1}{3} \text{ و } \frac{2}{3}$$

(وکالت ۸۸)

۴۷- اشخاصی که گاهی به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند عبارتند از:

- (۱) پدر، مادر، زوج، زوجه و کلاله امی
- (۲) پدر، خواهر، خواهرهای ابوینی یا ابی، کلاله امی و زوج
- (۳) پدر، مادر، خواهر و خواهرهای ابی یا ابوینی و کلاله امی
- (۴) پدر، دختر و دخترها، خواهر و خواهرهای ابی یا ابوینی و کلاله امی

۴۸- اگر مردی که دارای اولاد است فوت کند و کل ترکه او سی و دو میلیون تومان باشد، کدام عبارت در خصوص سهم هر یک از چهار همسر او از ماترک صحیح است؟ (سراسری ۸۹)

(۴) چهار میلیون تومان

(۳) سه میلیون تومان

(۲) دو میلیون تومان

(۱) یک میلیون تومان

۴۹- یک پدر و پسر بدون احراز تقدم و تأخر در حادثه زلزله فوت نموده‌اند. همسران آن دو تنها وارثان آن دو هستند. ترکه این دو متوفی چگونه تقسیم می‌شود؟ (سراسری ۸۹)

- (۱) ترکه پدر به همسرش و ترکه پسر هم به همسرش داده می‌شود.
- (۲) ترکه پدر به همسرش و ترکه پسر به مادر و همسرش داده می‌شود.
- (۳) ترکه پدر به همسر و پسرش و ترکه پسر به همسر، مادر و پدرش داده می‌شود.
- (۴) ترکه پدر به همسرش و ترکه پسر به پدر، مادر و همسرش داده می‌شود.

(آزاد ۸۹)

۵۰- زوجة متوفی.....

- (۱) از عین منقول $\frac{1}{8}$ و اعیانی غیر منقول ارث می‌برد
 (۲) از عین منقول و $\frac{1}{8}$ قیمت اموال غیر منقول ارث می‌برد
 (۳) از عین منقول و $\frac{1}{8}$ قیمت اعیانی غیر منقول ارث می‌برد
 (۴) از عین منقول و $\frac{1}{8}$ عین غیر منقول ارث می‌برد

۵۱- شخصی فوت نموده و ماترک وی معادل یکصد میلیون تومان و بدهی وی ده میلیون تومان است. ورثه بدون پرداخت بدهی، اموال را میان خود تقسیم کرده‌اند:

(وکالت ۸۹)

- (۱) در صورتی تقسیم درست است که ورثه از وجود بدهی ناآگاه باشند.
 (۲) بستانکار در صورت امتناع ورثه از پرداخت بدهی، حق دارد از دادگاه ابطال تقسیم را درخواست کند.
 (۳) بستانکار در هر حال می‌تواند ابطال تقسیم را از دادگاه درخواست کند و طلب خود را از ماترک به دست آورد.
 (۴) خواه ورثه از وجود طلب آگاه باشند یا بعد از تقسیم معلوم شود که بر متوفی دینی بوده است، تقسیم درست است و بستانکار باید برای دریافت طلب خود به هر یک از ورثه به نسبت سهم او رجوع کند.

۵۲- شخصی فوت کرده و یک قطعه زمین ۱۵۰۰ متری به ورثه او که سه نفر هستند رسیده و یکی از سه وارث صغیر است:

(وکالت ۸۹)

- (۱) تقسیم با حضور سرپرست صغیر در دادگاه انجام می‌شود.
 (۲) تقسیم این قطعه زمین تا رسیدن صغیر به سن رشد ممنوع است.
 (۳) اداره ثبت محل وقوع ملک با درخواست سرپرست صغیر و دو وارث دیگر زمین را تقسیم می‌کند.
 (۴) دادگاه بدون نیاز به نصب سرپرست برای صغیر با حضور دیگر ورثه حکم به تقسیم این ملک می‌دهد.

۵۳- اگر زن از شوهر متوفای خود فرزندان داشته باشد، به میزان زیر ارث می‌برد:

(وکالت ۸۹)

- (۱) یک هشتم از بهای اموال منقول و غیرمنقول.
 (۲) یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از بهای اموال غیرمنقول.
 (۳) یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از عین اموال غیرمنقول، اعم از عرصه و اعیان.
 (۴) یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیرمنقول، اعم از عرصه و اعیان.

۵۴- ورثه متوفی منحصر به یک زوج و یک دایی و یک عمو است

(وکالت ۸۹)

- (۱) ربع ترکه به زوج داده می‌شود و باقیمانده به نسبت ثلث و دو ثلث بین دایی و عمو تقسیم می‌شود.
 (۲) ربع ترکه به زوج و دو ثلث به عمو و باقیمانده به دایی داده می‌شود.
 (۳) ربع ترکه به زوج داده می‌شود و باقیمانده بین دایی و عمو بالسویه تقسیم می‌شود.
 (۴) ربع ترکه به زوج و ثلث ترکه به دایی و باقیمانده به عمو داده می‌شود.

۵۵- «تحقق ارث» و «استقرار مالکیت ورثه»، نسبت به ترکه متوفی به ترتیب منوط است به:

(وکالت ۹۰)

- (۱) موت حقیقی یا فرضی مورث، قبول ترکه از ناحیه ورثه.
 (۲) موت حقیقی یا فرضی مورث، موت حقیقی یا فرضی مورث.
 (۳) پرداخت دیون و حقوق متعلقه به ترکه، قبول ترکه از طرف ورثه.
 (۴) موت حقیقی یا فرضی مورث، پس از ادای حقوق و دیونی که به ترکه تعلق گرفته است.

۵۶- کلاله امی در چه صورتی به قرابت ارث می‌برد؟

(وکالت ۹۰)

- (۱) در صورتی که با جد جمع شود.
 (۲) کلاله امی همیشه فرض بر است.
 (۳) در صورتی که با اخوه ابی جمع شود.
 (۴) در صورتی که با برادر و خواهر ابوینی جمع شود.

۵۷- در صورتی که وراثت متوفی منحصر به یک نفر دایی امی و یک نفر خاله ابی و دو نفر خاله ابوینی باشند؛ در این صورت ماترک متوفی به شرح زیر تقسیم می‌شود:

(وکالت ۹۰)

- (۱) یک سوم ترکه متعلق به دایی امی و بقیه بالسویه بین خاله‌های ابوینی تقسیم می‌شود.
 (۲) یک ششم ترکه متعلق به دایی امی و بقیه بالسویه بین هر سه خاله تقسیم می‌شود.
 (۳) یک ششم ترکه متعلق به دایی امی و بقیه بالمناصفه بین دو خاله ابوینی تقسیم می‌گردد.
 (۴) یک ششم ترکه به دایی امی می‌رسد بقیه بین سایرین به قاعده ذکور دو برابر انث تقسیم می‌شود.



پاسخنامه تست‌های طبقه‌بندی شده کنکوری فصل سوم

۱- گزینه «۲» برابر ماده ۹۴۹ قانون مدنی: «در صورت نبودن هیچ وارث دیگری به غیر از زوج یا زوجه، شوهر تمام ترکه زن متوفات خود را می‌برد، لیکن، زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود». همچنین مطابق ماده ۹۰۰ از قانون مذکور، زوجه یا زوجه‌ها در صورت فوت شوهر بدون اولاد $\frac{1}{4}$ از ترکه را به ارث می‌برند. حالیه با عنایت به نص صریح قانون گزینه «۲» صحیح است و زوجه صرفاً نصیب مفروض خود را می‌برد.

۲- گزینه «۴» مقصود از کلاله، خویشان در خط اطراف و به ویژه خواهران و برادران و فرزندان آنها هستند. مطابق ماده ۸۹۷ قانون مدنی: کلاله امی جزء اشخاصی هستند که گاهی به فرض و گاهی نیز به قرابت ارث می‌برند. مطابق ماده ۹۲۴ قانون مدنی: «هرگاه میت اجداد و کلاله با هم داشته باشد، دو ثلث ترکه به وراثی می‌رسد که از طرف پدر قرابت دارند و در تقسیم آن، حصه ذکور دو برابر انثا خواهد بود و یک ثلث به وراثی می‌رسد که از طرف مادر قرابت دارند و بین خود بالسویه تقسیم می‌کنند...».

۳- گزینه «۲» مطابق ماده ۱۰۱۱ قانون مدنی: «غایت مفقودالاثَر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد...» به چنین شخصی در فقه «غایب مفقودالاثَر» گویند. در خصوص چنین افرادی که، از تاریخ آخرین خبر حیاتشان مدتی گذشته و عادتاً نیز زنده نمی‌مانند به موجب حکم صادره از مرجع قضایی صالحه، موت فرضی صادر می‌شود و ماترک آنها بین وراث تقسیم می‌گردد. حال در فرض پرسش هرگاه پس از صدور حکم موت فرضی و مراجعت غایب آیا ماترک تقسیم شده به وی مسترد می‌شود یا خیر. وفق ماده ۱۰۲۷ قانون مذکور، بعد از صدور حکم فوت فرضی نیز اگر غایب پیدا شود کسانی که اموال او را به عنوان وراثت تصرف کرده‌اند باید آنچه را که از اعیان یا عوض یا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غایب موجود می‌باشد مسترد دارند.

۴- گزینه «۴» لعان، نوعی از رسیدگی کیفری است در مورد استناد زنا از طرف زوج به زوجه و نفی انتساب فرزندی که ملحق به فراش او است. بدین صورت که، زوج چهار مرتبه نزد قاضی بگوید: به خدا سوگند که در استناد زنا از راستگویانم سپس به دستور قاضی می‌گوید: اگر دروغ گفته باشم لعنت خدا بر من ... و پس از این مراسم زوجه به زوج حرام شده و فرزند مورد لعان هم منتسب به زوج نخواهد بود. مطابق ماده ۸۸۳ قانون مدنی: «هرگاه پدر بعد از لعان رجوع کند پسر از او ارث می‌برد، لیکن از ارحام پدری و همچنین پدر و ارحام پدری از پسر ارث نمی‌برند» و این در حالی است که مطابق ماده ۸۸۲ از همین قانون: بعد از لعان زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند. شایان دقت است: فرزند مورد لعان از مادر و خویشان مادری خود و همچنین مادر و خویشان مادری از وی ارث می‌برند.

۵- گزینه «۴» حَجَب در اصطلاح فقهی حالت وراثی است به واسطه بودن وارث دیگر از ارث بردن کلاً یا جزئاً محروم می‌شود. و بر دو قسم است: (۱) حَجَب جرمانی؛ بدین معنا که وارث از اصل ارث محروم می‌شود؛ مثل برادرزاده که، به واسطه بودن برادر یا خواهر متوفی از ارث محروم می‌شود. (۲) حَجَب نقصانی، آن است که فرض وارث از حد اعلی به حد ادنی نازل می‌شود مثل تنزل حصه شوهر از نصف به ربع، در صورتی که برای زوجه اولاد باشد. و فرض مسئله نیز در خصوص حجب نقصانی مطرح شده است و مطابق بند (ب) ماده ۸۹۲ قانون مدنی: «وقتی که برای میت چند برادر و یا خواهر باشد در این صورت، مادر میت از بردن بیش از یک سدس ($\frac{1}{6}$) محروم می‌شود مشروط بر این که اولاً: لااقل دو برادر یا یک برادر با دو خواهر یا چهار خواهر باشند و ...». لذا فرض مادر که، ثلث $\frac{1}{3}$ است با وجود اشخاص مورد اشاره به $\frac{1}{6}$ تنزل و کاهش می‌یابد.

۶- گزینه «۳» ماده ۶۰۶ قانون مدنی در خصوص تقسیم ترکه قبل از اداء دیون اعلام می‌دارد: «هرگاه ترکه میت قبل از اداء دیون تقسیم شود و یا بعد از تقسیم معلوم شود که بر میت دینی بوده است طلبکار باید به هر یک از وراث به نسبت سهم او رجوع کند...»؛ از مفاد قسمت ابتدایی ماده مذکور چنین مستفاد می‌گردد که وجود دین تأدیه نشده در ترکه باعث بطلان تقسیم آن نمی‌شود و مسئولیت وراث جانشین متوفی یا مورث می‌شود؛ لذا گزینه‌های ۱ و ۴ به لحاظ اعلام بطلان چنین وضعیتی صحیح نبوده و با توجه به این، مسئولیت وراث در برابر طلبکار یا طلبکاران تضامنی نمی‌باشد.

۷- گزینه «۴» مطابق ماده ۸۹۴ قانون مدنی، صاحبان فرض اشخاصی هستند که، سهم آنان از ترکه معین است و در مقابل آنان، صاحبان قرابت قرار دارند. ماده ۸۹۶ اشخاصی را که به فرض ارث می‌برند عبارت از: مادر، زوج، زوجه می‌داند که، سهم آنان از ترکه معین و معلوم است.

۸- «هیچکدام از گزینه‌ها صحیح نمی‌باشد». گزینه صحیح آن است که یک ششم ترکه سهم دایی‌امی و ما بقی متعلق به دو خاله ابوینی است و خاله ابی به واسطه بودن خاله‌های ابوینی از ارث محروم می‌باشد.

طبق ماده‌ی ۹۳۴ قانون مدنی: «اگر وراثت میت، دایی و خاله‌ی ابی یا ابوینی یا دایی و خاله‌امی باشند، طرف‌امی، اگر یکی باشد سدس ترکه را می‌برد و اگر متعدد باشند، ثلث آن را می‌برند و بین خود بالسویه تقسیم می‌کنند، و مابقی مال دایی و خاله‌های ابوینی یا ابی است که آن‌ها هم بین خود بالسویه تقسیم می‌نمایند؛ بنابراین در این مسأله یک ششم، سهم دایی‌امی است و مابقی، بین دو خاله‌ی ابوینی به تساوی تقسیم می‌شود و خاله‌ی ابی نیز مطابق ماده ۹۳۰ قانون مدنی از ارث محروم می‌باشد. پس ملاحظه می‌شود هر چهار گزینه این سؤال، نادرست می‌باشد.

۹- گزینه «۱» به موجب ماده ۹۳۲ قانون مدنی: در صورتی که اعمام امتی و اعمام ابوینی یا ابی با هم باشند عمو یا عمه‌ی امی اگر تنها باشد سدس ترکه به او تعلق می‌گیرد و اگر متعدد باشند ثلث ترکه، و این ثلث را ما بین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و باقی ترکه به اعمام ابوینی یا ابی می‌رسد که در تقسیم، ذکور دو برابر اناث می‌برد.

۱۰- گزینه «۳» مطابق ماده ۸۹۳ قانون مدنی: وراثت بعضی به فرض، بعضی به قرابت و بعضی گاه به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند. صاحبان فرض اشخاصی هستند که سهم آنان از ترکه معین است و صاحبان قرابت کسانی هستند که سهم آن‌ها معین نیست. اشخاصی که به فرض و گاه به قرابت ارث می‌برند موضوع ماده ۸۹۷ قانون مدنی است که عبارتند از: پدر، دختر و دخترها، خواهر و خواهرهای ابی یا ابوینی و کلاله‌امی. با توجه به موارد مطروحه گزینه «۳» صحیح است و سایر گزینه‌ها صرفاً به فرض ارث می‌برند.

۱۱- گزینه «۱» مطابق ماده ۲۴۷ قانون امور حسبی: وراثتی که ترکه را قبول کرده است، مادامی که تصرف در ترکه نکرده می‌تواند رد نماید؛ بنابراین وراثتی که ترکه را قبول کرده، اختیار رد همیشگی آن را ندارد و این اختیار محدود به زمان می‌باشد. گزینه ۲ با توجه به ماده‌ی ۲۴۶ قانون امور حسبی صحیح است، گزینه ۳ با توجه به ماده‌ی ۲۴۷ قانون امور حسبی صحیح است و گزینه ۴ با توجه به ماده‌ی ۲۵۰ قانون امور حسبی صحیح می‌باشد.

۱۲- گزینه «۴» مطابق مواد ۹۲۴ و ۹۲۷ قانون مدنی: فرض برادر امی (چون واحد است) $\frac{1}{6}$ ترکه می‌باشد. خواهر ابی، چون منحصر به فرد نیست و همراه با جد پدری می‌باشد، از شمول ماده ۸۹۹ قانون مدنی خارج می‌باشد و مشمول مواد ۹۲۴ و ۹۲۷ قانون مدنی می‌گردد؛ بنابراین $\frac{5}{6}$ باقی‌مانده به قرابت، متعلق به جد پدری و خواهر ابی است که سهم جد دو برابر خواهر می‌باشد.

۱۳- گزینه «۱» مطابق ماده ۲۴۷ قانون مدنی: «وراثتی که ترکه را قبول کرده است، مادامی که تصرف در ترکه نکرده می‌تواند رد نماید».

۱۴- گزینه «۳» به موجب ماده ۹۲۴ قانون مدنی: هرگاه میت، اجداد و کلاله با هم داشته باشند دو ثلث ترکه به وراثتی می‌رسد که از طرف پدر قرابت دارند و در تقسیم آن حصه ذکور دو برابر اناث خواهد بود و یک ثلث به وراثتی می‌رسد که از طرف مادر قرابت دارند و بین خود بالسویه تقسیم می‌نمایند، لیکن اگر خویش مادری فقط یک برادر یا یک خواهر امی باشد، فقط سدس ترکه به او تعلق خواهد گرفت.

۱۵- گزینه «۱» مطابق ماده ۹۳۰ قانون مدنی: اگر میت اعمام یا احوال ابوینی داشته باشد اعمام یا احوال ابی ارث نمی‌برند. در صورت نبودن اعمام یا احوال ابوینی، اعمام یا احوال ابی حصه آن‌ها را می‌برند.

۱۶- گزینه «۲» به استناد ماده ۸۷۱ قانون مدنی: «هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند، مادام که دیون متوفی تأدیه نشده است، معاملات مزبور نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را بر هم زنند». به نظر می‌رسد منظور این ماده از اصطلاح «برهم زدن» که به معنی فسخ معامله می‌باشد رد معامله‌ی غیرنافذ است، نه فسخ آن.



۱۷- گزینه «۲» به استناد ماده ۲۶۷ قانون مدنی: «ایفاء دین از جانب غیرمدیون هم جایز است، اگرچه از طرف مدیون اجازه نداشته باشد، و لیکن کسی که دین دیگری را اداء می‌کند، اگر با اذن باشد، حق مراجعه‌ی به او دارد و الا حق رجوع ندارد.»

در فرضی که شخص ثالث به حکم قانون یا اخلاق ناگزیر از پرداخت دین دیگری شود حق رجوع به او را دارد و ماده ۲۶۷ قانون مدنی ناظر به موردی است که دیگری به میل و رضا دین مدیون را می‌پردازد.

همچنین چونکه در سؤال مشخص نیست، آیا ثالث مأذون بوده است یا خیر، مطابق اصل عدم، شخص ثالث مأذون نمی‌باشد و حق مطالبه آنچه را که پرداخته است ندارد.

۱۸- گزینه «۴» به موجب ماده ۸۷۴ قانون مدنی: «اگر اشخاصی که بین آن‌ها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آن‌ها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تأخر مجهول باشد، فقط آنکه تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می‌برد.»

۱۹- گزینه «۳» به موجب ماده ۸۸۰ قانون مدنی: «قتل از موانع ارث است؛ بنابراین کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث او ممنوع می‌شود اعم از اینکه قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفرداً باشد یا به شرکت دیگری.»

۲۰- گزینه «۲» به موجب ماده ۸۹۹ قانون مدنی: «فرض سه وارث نصف ترکه است:

۱- شوهر در صورت نبودن اولاد برای متوفاه اگر چه از شوهر دیگر باشد.

۲- دختر اگر فرزند منحصر باشد. ۳- خواهر ابوینی یا ابی تنها در صورتی که منحصر به فرد باشد.»

۲۱- گزینه «۲» به موجب ماده ۹۱۸ قانون مدنی: اگر میت اخوه ابوینی داشته باشد، اخوه ابی ارث نمی‌برند، در صورت نبودن اخوه ابوینی، اخوه ابی حصه ارث آن‌ها را می‌برند. اخوه ابوینی و أخوه ابی هیچ کدام اخوه اُمی را از ارث محروم نمی‌کنند.

۲۲- گزینه «۴» مطابق ماده ۹۱۸ قانون مدنی: «اگر میت اخوه ابوینی داشته باشد اخوه ابی ارث نمی‌برند. در صورت نبودن اخوه ابوینی، اخوه ابی حصه ارث آن‌ها را می‌برند. اخوه ابوینی و اخوه ابی هیچ کدام اخوه اُمی را از ارث محروم نمی‌کند.» در فرض پرسش و با رعایت ماده قانونی اخیرالذکر برادر ابی با وجود دو خواهر ابوینی از ارث محروم می‌گردد لذا از ترک متوفی جده ابی، جد اُمی و دو خواهر ابوینی ارث می‌برند. و از آن جایی که وفق ماده ۹۲۳ قانون مدنی ارث جد اُمی ثلث از ماترک است، مابقی ترکه بین جده ابی و دو خواهر ابوینی بالسویه تقسیم می‌شود.

۲۳- گزینه «۴» وجود دین اداء نشده در ترکه باعث بطلان تقسیم آن نمی‌شود و مسئولیت وارث جانشین مورث می‌گردد. ماده ۶۰۶ در خصوص تقسیم ترکه قبل از اداء دیون می‌گوید: هرگاه ترکه میت قبل از اداء دیون تقسیم شود و یا بعد از تقسیم معلوم شود که، بر میت دینی بوده است طلبکار باید به هر یک از وراث به نسبت سهم او رجوع کند و اگر یک یا چند نفر از وراث معسر شده باشد طلبکار می‌تواند برای سهم معسر یا معسرین نیز به وراث دیگر رجوع کند.

۲۴- گزینه «۱» مطابق ماده ۸۶۷ قانون مدنی: «ارث به موت حقیقی یا به موت فرضی تحقق پیدا می‌کند.» ضمن این که شرط وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است. مطابق ماده ۹۱۱: هرگاه میت اولاد بلاواسطه نداشته باشد اولاد اولاد او قائم مقام اولاد بوده و بدین طریق جزء وراث طبقه اول محسوب و با هر یک از ابوین که زنده باشد ارث می‌برد در فرض پرسش و در گزینه «۱» پسر میت قبل از او فوت کرده و اقرب به میت ابعد را از ارث محروم می‌نماید. لذا نمی‌تواند پاسخ صحیحی باشد. مضافاً این که سایر گزینه‌ها نیز مطابق مواد ۹۳۴، ۹۴۲ و ۹۴۹ از همین قانون صحیح می‌باشد.

۲۵- گزینه «۳» به استناد ماده ۹۳۵ قانون مدنی: «اگر برای میت یک یا چند نفر اعمام با یک یا چند نفر احوال باشد، ثلث ترکه به احوال و دو ثلث آن به اعمام تعلق می‌گیرد تقسیم ثلث بین احوال بالسویه به عمل می‌آید، در تقسیم دو ثلث بین اعمام حصه‌ی ذکور دو برابر اناث خواهد بود،»

به نظر می‌رسد که در این سؤال، دایی و خاله از یک تیره‌اند و عمو و عمه، یا ابوینی هستند و یا ابی، چرا که در غیر این صورت، سؤال پاسخ صحیحی نخواهد داشت.

۲۶- گزینه «۲» به استناد ماده ۱۲۶۷ قانون مدنی: «اقرار به نفع متوفی درباره‌ی ورثه او مؤثر خواهد بود». با توجه به ماده مزبور ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۲۷- گزینه «۴» به موجب ماده ۸۷۵ قانون مدنی: «شرط وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه‌ی او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود. اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد».

۲۸- گزینه «۳» به موجب بند «ب» ماده ۸۹۲ قانون مدنی: «وقتی که برای میت چند برادر یا خواهر باشد در این صورت مادر میت از بردن بیش از یک سدس محروم می‌شود مشروط بر اینکه:
اولاً: لااقل دو برادر یا یک برادر با دو خواهر یا چهار خواهر باشند. ثانیاً: پدر آن‌ها زنده باشد. ثالثاً: از ارث ممنوع نباشد. مگر به سبب قتل. رابعاً: ابوینی یا ابی تنها باشند».

۲۹- گزینه «۲» مقصود از کلاله، خویشان در خط اطراف به ویژه خواهران و برادران و فرزندان آن‌ها هستند مطابق ماده ۸۹۷ قانون مدنی: اشخاصی که گاهی به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند عبارتند از: پدر، دخترها، خواهر و خواهرهای ابی یا ابوینی و کلاله امی.

۳۰- گزینه «۲» مطابق ماده ۸۸۳ قانون مدنی: هرگاه پدر بعد از لعان رجوع کند پسر از او ارث می‌برد، لیکن از ارحام پدری و همچنین پدر و ارحام پدری از پسر ارث نمی‌برند.

۳۱- گزینه «۴» در فرض پرسش هر یک از پدر و مادر سدس ترکه $\frac{1}{6}$ و فرض دختر نیز نصف آن خواهد بود و مابقی نیز بین تمام وراث نسبت به فرض آن‌ها تقسیم می‌شود که اگر مادر حاجب از ارث داشته باشد؛ در این صورت از مابقی ترکه چیزی به ارث نمی‌برد. ماده ۹۰۸ قانون مدنی نیز بر این موضوع تأکید دارد.

۳۲- گزینه «۴» هرچند مطابق مواد ۹۴۶ و ۹۴۷ قانون مدنی: زن از زمین و عین بنا و درخت ارث نمی‌برد، ولی در معامله‌ی این گونه اموال اگر حق فسخی موجود باشد، پس از فوت معامل، حق فسخ به زوجه او منتقل می‌شود؛ چرا که انتقال حق فسخ به زوجه خواه متوفی خریدار باشد و یا فروشنده، برای زن سودمند است.

۳۳- گزینه «۱» مطابق ماده ۹۰۸ قانون مدنی: هرگاه متوفی دارای پدر، مادر و یک دختر باشد، فرض هر یک از پدر و مادر (به لحاظ وجود اولاد برای متوفی) یک ششم ترکه است و فرض دختر (چون تنها است) نصف ترکه می‌باشد. در این صورت یک ششم از ترکه باقی می‌ماند که باید به پدر و مادر و دختر به نسبت سهم الارث آنها رد شود، بدین صورت که یک ششم باقی مانده، پنج قسمت می‌شود؛ یک قسمت متعلق به پدر، یک قسمت متعلق به مادر و سه قسمت متعلق به دختر خواهد بود. با افزودن سهام اخیر به فرض وارث، در نهایت، سهم پدر یک پنجم، سه مادر یک پنجم و سهم دختر سه پنجم ترکه خواهد بود.

۳۴- گزینه «۲» مطابق ماده ۸۷۳ قانون مدنی و حاشیه ۳ آن ماده: «شرط عدم توارث وحدت حادثه نیست، ولی در استثناء شرط است که هر دو وارث در یک حادثه غرق یا هدم، مرده باشند».

۳۵- گزینه «۴» زوجه مطابق ماده ۸۹۶ قانون مدنی: جزء اشخاصی محسوب می‌شود که به فرض ارث می‌برد؛ بدین معنا که سهم وی از ترکه معین است. برادر نیز وفق ماده ۸۹۴ قانون مدنی به قرابت ارث می‌برد؛ یعنی سهم وی از ترکه معین نیست و دختر نیز برابر ماده ۸۹۷ از همین قانون گاه به فرض و گاه به قرابت ارث می‌برد.



۳۶- گزینه ۱» ماده ۸۶۸ قانون در خصوص استقرار مالکیت وراثت بر ترکه متوفی مقرر می‌دارد: «مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفی مستقر نمی‌شود، مگر پس از اداء حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق گرفته است». مقصود از استقرار مالکیت وراثت، الحاق قطعی سهم هر وارث از ترکه به دارایی او و انحلال شرکتی است که از مال وارثان و طلبکاران موصی‌لهم تشکیل شده و به (ترکه) تعبیر می‌شود. ضمن این که تصرفات ورثه در ترکه از قبیل فروش، صلح و هبه ... نافذ نیست مگر بعد از اجازه بستانکاران و یا اداء دیون، ماده ۲۲۹ قانون امور حسبی نیز بر این موضوع تأکید دارد و مطابق ماده ۸۷۱ قانون مدنی: «هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند مادام که دیون متوفی تأدیه نشده است معاملات مزبور نافذ نبوده و ذیان می‌توانند آن را بر هم زنند».

۳۷- گزینه ۱» به استناد ماده ۲۴۷ قانون امور حسبی: «وارثی که ترکه را قبول کرده است مادامی که تصرف در ترکه نکرده، می‌تواند رد نماید؛ ایراد گزینه ۲ آن است که مطابق ماده ۲۴۷ قانون امور حسبی پس از قبول ترکه نیز مادام که ورثه در آن تصرف نکرده‌اند، می‌توانند آن را رد کنند.

۳۸- گزینه ۳» مطابق ماده ۶۰۶ قانون مدنی: «هرگاه ترکه‌ی میت قبل از اداء دیون تقسیم شود و یا بعد از تقسیم معلوم شود که بر میت دینی بوده است طلبکار باید به هر یک از وراثت به نسبت سهم او رجوع کند و اگر یک یا چند نفر از وراثت معسر شده باشد طلبکار می‌تواند برای سهم معسر یا معسرین نیز به وراثت دیگر رجوع نماید».

۳۹- گزینه ۲» مطابق ماده ۹۰۶ قانون مدنی: اگر برای متوفی اولاد یا اولاد اولاد، از هر درجه که باشد، موجود نباشد، هر یک از ابوبین در صورت انفراد تمام ارث را می‌برد و اگر پدر و مادر میت هر دو زنده باشند، مادر یک ثلث و پدر دو ثلث می‌برد، لیکن اگر مادر حاجب داشته باشد، سدس از ترکه متعلق به مادر و بقیه مال پدر است.

۴۰- گزینه ۱» مطابق ماده ۹۳۵ قانون مدنی: دایی ثلث ترکه را به فرض می‌برد و پدر نیز به دلیل این که متوفی فرزند ندارد نصف ترکه را به فرض می‌برد و در مورد عمه اگر چه طبق ۹۳۵۳ قاعداً باید دو ثلث ترکه را ببرد، اما چون بیشتر از ثلث ترکه باقی نمانده نقص بر او وارد می‌شود و فقط سدس باقیمانده را به قرابت به ارث می‌برد.

۴۱- گزینه ۴» تمام جواب‌ها اشتباه است، مگر شماره ۴ که در این صورت نیز باید سهم زوجه $\frac{1}{4}$ باشد نه $\frac{1}{6}$ به استناد مواد ۹۱۸ - ۹۲۲ - ۹۲۴ - ۹۲۷ - ۹۳۸ قانون مدنی.

۴۲- گزینه ۴» مطابق ماده ۸۸۷ قانون مدنی: «حجب حرمانی آن است که وارث از اصل ارث محروم می‌شود مثل برادرزاده که به واسطه برادر یا خواهر متوفی از ارث محروم می‌شود». گزینه ۱» وفق بند (ب) ماده ۸۹۲ قانون یاد شده حجب نقصانی است و مادر با بودن چند برادر یا خواهر از بردن بیش از یک سدس $\frac{1}{6}$ محروم می‌شود و گزینه‌های ۲ و ۳ نیز جزء شرایط و اوضاع و احوال ارث محسوب می‌شوند، لیکن گزینه ۴» حجب حرمانی است و وجود وارث در طبقه یا درجه مقدم از ارث است مانند اولاد میت که، گرچه یک نفر باشد اولاد اولاد او ارث نمی‌برند.

۴۳- گزینه ۲» مطابق ماده ۱۶۱ قانون مدنی او مواد ۱۰۵۲ و ۱۱۵۸ قانون مدنی: با توجه به اینکه زوج زنا را ثابت کرده حد قذف از او ساقط می‌شود اما این مسئله لعان نیست و زنا رابطه توارث زوج و زوجه را از بین نمی‌برد. همچنین در خصوص نسب نیز چنانچه ثابت شود فرزند ملحق به زوج نبوده، بحث توارث به وجود نمی‌آید و چنانچه ثابت نگردد توارث بین فرزند و پدر نیز همچنان برقرار است.

۴۴- گزینه ۱» مطابق ماده ۸۸۰ قانون مدنی: «قتل از موانع ارث است. بنابراین اگر کسی مورث خود را عمداً بکشد از ارث ممنوع شود، اعم از این که قتل بالمباشره باشد یا به تسبیب و منفرداً باشد یا به شرکت دیگری». در مواردی که وارث قصد قتل ندارد ولی به عمد کاری انجام می‌دهد که به طور معمول کشنده است یا نسبت به مورث و شرایط او کشنده محسوب می‌شود و وارث از آن آگاه باشد عمد است. بند (ب) و (ج) طبق ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۹۲/۲/۱) نیز بر این موضوع تأکید دارد؛ لذا با فرض پرسش و این که مطابق ماده ۸۵۲ قانون مدنی، اگر حمل در نتیجه جرمی سقط شود، موصی به، به ورثه او می‌رسد، مگر این که جرم مانع ارث باشد و در تفسیر آن نیز مذکور است سقط حمل نیز از جهت ممنوع ساختن از ارث در حکم قتل است به نظر می‌رسد طراح سؤال با مذاقه و ملاحظه در این ماده قانونی اقدام به طرح موضوع نموده است. در حالی که گزینه ۴» نیز با مطالب گفته شده صحیح می‌باشد.

۴۵- گزینه «۱» «رد» در اصطلاح، بخش باقی‌مانده از ترکه به صاحبان فرض نزدیکتر به متوفی را گویند که در مقام اجرای اصل «تقدم خویش نزدیکتر» الاقرب یمنع الابدع تمهید شده است و به نسبت فرض با ترکه تقسیم می‌شود. ماده ۹۰۵ قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: «از ترکه میت هر صاحب فرض حصه خود را می‌برد و بقیه به صاحبان قرابت می‌رسد و اگر صاحب قرابتی در آن طبقه مساوی با صاحب فرض در درجه نباشد باقی به صاحب فرض رد می‌شود ...».

۴۶- گزینه «۱» مطابق مواد ۹۲۴ و ۹۲۷ قانون مدنی: هرگاه در طبقه دوم اجداد و کلاله با هم باشند یک سوم ترکه متعلق به اجداد امی و کلاله امی خواهد بود که میان خود به تساوی تقسیم می‌کنند و دو سوم باقی‌مانده از آن اجداد ابی و کلاله ابوینی یا ابی که در مانحن فیه تنها کلاله ابی وجود دارد، خواهد بود که در سهم ذکور دو برابر اناث است؛ با این توضیح ایراد سایر گزینه‌ها روشن می‌گردد.

۴۷- گزینه «۴» به موجب ماده ۸۹۷ قانون مدنی: اشخاصی که گاه به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند عبارتند از: پدر، دختر و دخترها، خواهر و خواهرهای ابی یا ابوینی و کلاله امی.

۴۸- گزینه «۱» برابر ماده ۹۰۱ قانون مدنی: «ثمن، فريضه زوجه یا زوجه‌ها است در صورت فوت شوهر با داشتن اولاد». در فرض پرسش کل ماترک متوفی ۳۲,۰۰۰,۰۰۰ تومان است. با عنایت به ماده قانونی اخیرالذکر ثمن ما ترک ۴,۰۰۰,۰۰۰ تومان می‌باشد؛ لذا هر یک از همسران متوفی ۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان از ماترک به عنوان سهم‌الارث اخذ می‌نمایند.

$$۴,۰۰۰,۰۰۰ \div ۴ = ۱,۰۰۰,۰۰۰ \quad ۴,۰۰۰,۰۰۰ \div ۸ = ۵۰۰,۰۰۰ \quad ۳۲,۰۰۰,۰۰۰ \div ۸ = ۴,۰۰۰,۰۰۰$$

۴۹- گزینه «۳» مطابق ماده ۸۷۳ قانون مدنی: «اگر تاریخ فوت اشخاصی که، از یکدیگر ارث می‌برند مجهول و تقدّم و تأخّر هیچ‌یک معلوم نباشد، اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمی‌برند، مگر آن که موت به سبب غرق یا هدم واقع شود که در این صورت از یکدیگر ارث می‌برند»، زلزله نیز هدم محسوب می‌شود.

۵۰- گزینه «۲» مطابق مواد ۹۴۶ و ۹۴۷ قانون مدنی: زن اگر شوهر متوفایش، فرزند یا فرزندی داشته باشد، از عین اموال منقول $\frac{1}{8}$ و از قیمت اموال غیرمنقول اعم از عرصه و اعیان نیز $\frac{1}{8}$ را به ارث می‌برد؛ اعم از اینکه فرزند یا فرزندان مذکور از این زن بوده باشند یا از زن دیگری.

۵۱- گزینه «۴» بر طبق ماده ۶۰۶ قانون مدنی: هر گاه ترکه‌ی میت قبل از اداء دیون تقسیم شود و یا بعد از تقسیم معلوم شود که بر میت دینی بوده است، طلبکار باید به هر یک از وراثت به نسبت سهم او رجوع کند و اگر یک یا چند نفر از وراثت معسر شده باشند طلبکار می‌تواند برای سهم معسر یا معسرین نیز به وراثت دیگر رجوع نماید.

۵۲- گزینه «۱» به استناد مواد ۳۱۳ و ۳۲۶ قانون امور حسبی و رأی وحدت رویه ۵۹/۲۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور: در صورتی که بین شریکان محجور یا غایبی وجود داشته باشد، تقسیم باید به وسیله نمایندگان آن‌ها در دادگاه به عمل آید.

۵۳- گزینه «۴» به موجب ماده ۹۴۷ قانون مدنی: «زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد و زوجه در صورت فرزندان بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیر منقول اعم از عرصه و اعیان ارث می‌برد، در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق می‌باشد».

تبصره: مفاد این ماده در خصوص وراثت متوفایی که قبل از تصویب این قانون فوت کرده اما هنوز ترکه‌ی وی تقسیم نشده است، لازم‌الاجراء خواهد بود.

۵۴- گزینه «۱» ابتدا ربع ترکه به زوجه داده می‌شود و سپس باقیمانده به استناد ماده ۹۳۵ به نسبت ثلث و دو ثلث بین دایی و عمو تقسیم می‌شود.



۵۵- گزینه «۴» در مورد تحقق ارث مطابق ماده ۸۶۷ قانون مدنی: «ارث به موت حقیقی یا به موت فرضی مورث، تحقق پیدا می‌کند» و در مورد استقرار مالکیت وارثان.

مطابق ماده‌ی ۸۶۸ قانون مدنی: «مالکیت ورثه نسبت به ترکه‌ی متوفی مستقر نمی‌شود، مگر پس از اداء حقوق و دیونی که به ترکه‌ی میت تعلق گرفته است».

۵۶- گزینه «۱» مطابق ماده ۸۹۷ قانون مدنی: «اشخاصی که گاه به فرض و گاهی به قرابت ارث می‌برند عبارتند از: پدر، دختر و دخترها، خواهر و خواهرهای ابی یا ابوینی و کلاله‌ی امی».

ماده ۹۲۴ قانون مدنی: «هرگاه میت، اجداد و کلاله با هم داشته باشند دو ثلث ترکه به وراثی می‌رسد که از طرف پدر قرابت دارند و در تقسیم آن حصه‌ی ذکور دو برابر دو برابر اناث است و ثلث ترکه به وراثی می‌رسد که از طرف مادر قرابت دارند و بین خود بالسویه تقسیم می‌نمایند، لیکن اگر خویش مادری فقط یک برادر یا یک خواهر امی باشد فقط سدس ترکه به او تعلق خواهد گرفت».

۵۷- گزینه «۳» اولاً با وجود خویشاوندان ابوینی، خویشاوندان ابی ارث نمی‌برند؛ بنابراین ماترک بین خویشاوندان امی و ابوینی تقسیم می‌شود. اما ترتیب تقسیم آن مطابق است با ماده ۹۲۴ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «اگر وراث میت دایی و خاله‌ی ابی یا ابوینی یا دایی و خاله‌ی امی باشند، طرف امی اگر یکی باشد سدس ترکه را می‌برد و اگر متعدد باشند ثلث آن را می‌برند و بین خود بالسویه تقسیم می‌کنند و مابقی مال دایی و خاله‌های ابوینی یا ابی است که آن‌ها هم بین خود بالسویه تقسیم می‌نمایند».



سؤالات آزمون وکالت ۹۵

(آزمون وکالت ۹۵)

۱- در خصوص ایرانیانی که تابعیت خارجی را تحصیل کنند، کدام مورد صحیح است؟

(۱) تابعیت ایرانی آنان در هر حال زایل می‌شود.

(۲) موظف هستند ظرف شش ماه، ترک تابعیت ایران کنند.

(۳) در صورت تأیید تابعیت خارجی توسط هیئت وزیران، تابعیت ایرانی آن‌ها زایل می‌شود.

(۴) تابعیت ایرانی آن‌ها باقی است و جز وزارت، نمایندگی مجلس، عضویت در شورای نگهبان و قضاوت، اشتغال به مشاغل دولتی دیگر بلامانع است.

۱- گزینه «۳» طبق ماده ۹۸۹: «هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۳۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد، تابعیت خارجی او کأن لم یکن بوده و تبعه‌ی ایران شناخته می‌شود ولی درعین حال کلیه‌ی اموال غیرمنقول‌ه‌ی او با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش، قیمت آن به او داده خواهد شد و به‌علاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

تبصره: هیأت وزیران می‌تواند بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مشمولین این ماده را به رسمیت بشناسد. به این‌گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه اجازه‌ی ورود به ایران یا اقامت می‌توان داد.»

درواقع در تبصره‌ی این ماده در صورت موافقت هیأت وزرا امکان قبول تغییر تابعیت پیش‌بینی شده است حال اگر این موافقت انجام گیرد تابعیت خارجی به فرد داده می‌شود و به تبع آن تابعیت ایرانی وی زایل می‌گردد.